



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی  
و تألیف کتب درسی

# زبان و ادبیات دری

## صنف دوازدهم



دری صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۶ ه. ش

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن  
جداً ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.

Email: [moe.curriculum@gmail.com](mailto:moe.curriculum@gmail.com)



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ایماق، هم پشه پان  
لکه لمر پر شنه آسمان  
لکه زره وي جاویدان  
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د تورې  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجر دي  
براهوي دي، قزلباش دي  
دا هیواد به تل ځلیري  
په سینه کې د آسیا به  
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی  
و تألیف کتب درسی

# زبان و ادبیات دری

صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ.ش.

## مؤلفان

- احمد ياسين فرخاری
- دكتور اسدالله « محقق »

## ایدیت علمی و مسلکی

- پوهندوی عبدالرازق «اسمر»
- فرزانه شریف

## ایدیت زبانی

- معاون مؤلف مدینه شکیب، عضو علمی دیپارتمنت ادبیات دری.
- معاون مؤلف نرگس صالحی، عضو علمی دیپارتمنت ادبیات دری.
- محمد عظیم صادقیار، عضو دیپارتمنت ادبیات دری.

## کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- مولوی عبدالوکیل، عضو دیپارتمنت تعلیمات اسلامی.
- حبیب الله راحل، مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

## کمیته نظارت

- دكتور اسدالله محقق، معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم
- دكتور شیر علی ظریفی، رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی
- دكتور محمد یوسف نیازی، سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

## طرح و دیزاین: عنایت الله غفاری

تنظیم امور چاپ: محمد کبیر حقمیل، رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.



## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

سپاس بی کران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شگوفای کردن استعدادها و درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می شود که هم گام با تحولات و پیشرفت های علمی نوین و مطابق با نیازمندی های جامعه تهیه و تألیف می گردد و باید دارای ظرفیت و ظرفیتی باشد که بتواند آموزه های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده های علوم جدید با روش های نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه گی ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره بر این بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه های اخلاقی و علمی شگوفای گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی تواند اهداف مورد نظر را برآورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته اند، صمیمانه آرزومندم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را به سوی فتح قله های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، به خصوص از خانواده ها و اولیای محترم شاگردان خواهشمندم که از هیچ گونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نورزند. همچنان از همه نویسنده گان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب های درسی همکاری نمایند.

لازم می دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده اند و از همه نهادهای ملی و بین المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی پایان خود، ما را در تحقق آرمان های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

**دکتور اسدالله حنیف بلخی**

**وزیر معارف**

## فهرست

| شمارهٔ درس  | عنوان                           | صفحه |
|-------------|---------------------------------|------|
| درس اول     | حمد                             | ۱    |
| درس دوم     | نعت                             | ۵    |
| درس سوم     | ادبیات از دیدگاه اسلام          | ۹    |
| درس چهارم   | ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل | ۱۷   |
| درس پنجم    | استقلال فردی و اجتماعی          | ۲۵   |
| درس ششم     | کلیله و دمنه                    | ۳۱   |
| درس هفتم    | شعر دری از لحاظ قالب شعری       | ۳۷   |
| درس هشتم    | آیین سخنرانی                    | ۴۵   |
| درس نهم     | علم معانی                       | ۵۱   |
| درس دهم     | امیرعلیشیر نوایی                | ۵۷   |
| درس یازدهم  | اضرار مشروبات الکولی (شراب)     | ۶۳   |
| درس دوازدهم | رُمان چیست؟                     | ۶۹   |
| درس سیزدهم  | چهارمقاله                       | ۷۵   |
| درس چهاردهم | دو چهرهٔ فرهنگی و ادبی          | ۷۹   |

| شماره درس        | عنوان                             | صفحه |
|------------------|-----------------------------------|------|
| درس پانزدهم      | معلولیت                           | ۸۵   |
| درس شانزدهم      | گابریل گارسیا مارکیز              | ۸۹   |
| درس هفدهم        | مکتب‌های ادبی                     | ۹۳   |
| درس هژدهم        | ازدواج‌های اجباری                 | ۹۹   |
| درس نوزدهم       | احمد شاه بابا و نمونه شعر دری او  | ۱۰۷  |
| درس بیستم        | آرشیف ملی                         | ۱۱۱  |
| درس بیست و یکم   | علم عروض                          | ۱۱۵  |
| درس بیست و دوم   | دانش و هنر                        | ۱۱۹  |
| درس بیست و سوم   | ژانرها یا انواع ادبی              | ۱۲۳  |
| درس بیست و چهارم | نقد ادبی                          | ۱۲۹  |
| درس بیست و پنجم  | ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴        | ۱۳۵  |
| درس بیست و ششم   | نقش جوانان در انکشاف و توسعه کشور | ۱۴۱  |
| درس بیست و هفتم  | دکتور عبدالاحمد جاوید             | ۱۴۵  |
| درس بیست و هشتم  | فرخی سیستانی                      | ۱۵۱  |
|                  | واژه‌نامه                         | ۱۵۷  |
|                  | فهرست منابع                       | ۱۶۲  |

پروردگار!

سال نو تعلیمی را با نام و یاد تو آغاز می‌نماییم و با بلند نمودن دست دعا به تو پناه می‌بریم و از تو می‌خواهیم که ما را پناه دهی و آتش نخوت و غرور را به خرمن اعمال ما در نیندازی و آرامش سرتاسری را در کشور ما تأمین نمایی.

## مناجات

الهی بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی آب مکن.  
 الهی اگر حساب با مایه‌داران است، من درویشم و اگر با مفلسان است، من از همه بیشم.  
 الهی بر سر ما خاک خجالت نثار مکن و ما را به بلای خود گرفتار مکن.  
 الهی بهشت بی تو جای شادی نیست و جز از دوستی تو روی آزادی نیست.  
 الهی دلی ده که در شکر تو جان بازیم و جانی ده که کار آن جهان سازیم.  
 الهی دانایی ده که از راه نیفتم و بینایی ده که در چاه نیفتم.  
 الهی یقینی ده که در آز بر ما باز نشود و قناعتی ده که حرص ما باز نشود و چشم امید ما جز بر روی تو باز نشود.  
 الهی مگوی که چه آورده اید که درویشانیم و مپرس که چه کرده اید که رسوایانیم.  
 الهی تحقیقی ده تا از دنیا بیزار و توفیقی ده که در دین استوار شویم.  
 الهی نگاه دار تا پشیمان نشویم و به راه آر که سرگردان نشویم.  
 الهی دلی ده که طاعت افزون کند و توفیق طاعتی که به بهشت رهنمون کند.  
 الهی دلی ده که در آن آتش هوا نبود و سینه‌یی که در آن آب زرق و ریا نبود.  
 الهی اگر پرسی حجت نداریم و اگر سنجی بضاعت نداریم، اگر بسوزی طاقت نداریم.  
 ما بیم همه مفلسان بی مایه و همه از طاعت، بی پیرایه و همه محتاج و بی سرمایه.  
 الهی اگر یک بار گویی بنده من، از عرش بگذرد خنده من.  
 الهی اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.

الهی همه می خواهند که در تو نگرند و عبدالله می خواهد که تو در وی نگری.  
الهی حجاب‌ها از راه ما بردار و ما را به ما مگذار.  
الهی اگرچه بهشت چشم و چراغ است، بی دیدار تو درد و داغ است.  
الهی من به حور و قصور ننازم، اگر نفسی با تو پردازم از آن هزار بهشت برسام.  
الهی آفریدی رایگان و روزی دادی رایگان، بیامرز رایگان، که تو خدایی نه بازارگان.  
الهی اگر کار به گفتار است بر سر گوینده گان تاجم و اگر به کردار است به شهادت  
محتاجم.

#### مناجات‌نامه

### توضیحات

\* مناجات: راز و نیاز به درگاه خداوند جل جلاله را گویند. مناجات‌نامه مسجع  
خواجه عبدالله انصاری از شهرت به سزایی برخوردار است.  
نثر مسجع: به نثری گفته می‌شود که در آن جمله‌های قرینه، دارای سجع  
باشد. سجع در نثر به منزله قافیه است در شعر. سجع در لغت به معنای «آواز پرنده» است  
و عموماً «آواز کبوتر و فاخته» را گویند و به طور خاص و در اصطلاح ادبا؛ آوردن  
کلمات هم‌وزن یا هم‌قافیه است در پایان جمله.  
\* شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ ق متولد شد. وی از  
محدثان، مفسران، عارفان و شاعران افغانستان و جهان اسلام در قرن پنجم می‌باشد.  
برخی آثار او عبارت اند از: مناجات‌نامه به نثر مسجع، که معروف‌ترین نوشته اوست،  
رساله دل و جان به نثر مسجع، رساله واردات، کنزالسالکین که رساله‌یی است به نظم  
و نثر، قلندرنامه و محبت‌نامه.  
این عالم بزرگ بعد از یک عمر تدریس در سال ۴۸۱ هـ ق در هرات وفات یافت و  
در محله گازرگاه به خاک سپرده شد.



## بیاموزیم

- ۱- مناجات نامه، یکی از معروف ترین نوشته های خواجه عبدالله انصاری است که به نثر مسجع نگارش یافته است.
- ۲- شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. تولد و در سال ۴۸۱ هـ. ق. وفات یافت.
- ۳- خواجه عبدالله انصاری از مفسران، محدثان، عارفان و شاعران قرن پنجم می باشد.



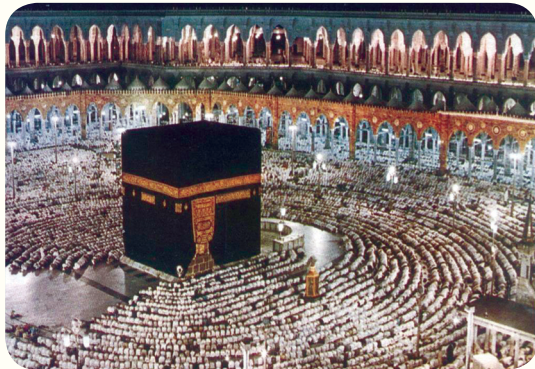
## درست بنویسیم

- هر گاه حرف آخری واژه، «الف» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، پس از الف یک «ی» به عنوان علامه اضافه نوشته می شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، هیچ گاه با واژه های، قبل و بعدی خویش نمی پیوندد؛ مانند:
- خدای بزرگ، آشنای دیرین، گدای متکبر (توصیفی)
- گل های باغ، دریای کابل، مولانای بلخ (نسبتی)
- تذکره محمود، مهمان خانه حویلی، آرامگاه ناصر خسرو (اضافی)

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت خواجه عبدالله انصاری به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به شاگردان دیگر انتقال دهد.



- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و فرق میان حمد، مناجات و نعت را به هم صنفی های خود بیان کند.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنند.



## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در بخش «درست بنویسیم» خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن خوب بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- خواجه عبدالله انصاری بیشتر به نگارش چه نوع نثر شهرت دارد؟
- ۲- خواجه عبدالله انصاری کی بود؟
- ۳- آیا خواجه عبدالله انصاری گذشته از مناجات‌نامه، کتاب‌های دیگری هم دارد؟ نام ببرید.

## کارخانه‌گی

- ۱- یک مقاله در باره خواجه عبدالله انصاری بنویسید که قواعد خوانده‌شده «درست بنویسیم» در آن تطبیق شده باشد.
- ۲- این مناجات را به حافظه بسپارید:  
الهی بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی‌آب مکن.
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.

## درس دوم

درس امروز توسط یک شاگرد معرفی شود که تشریحاتش

جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- نعت را از نظر لغوی و اصطلاحی توضیح دهید.
- ۲- پیرامون معجزه شق القمر چه می‌دانید؟
- ۳- برای سعادت دارین، پیروی از پیغمبر ﷺ ضروری است. توضیح دهید.
- ۴- در مورد آثار و شرح حال سعدی معلومات دهید.

### نعت

|                            |                                  |
|----------------------------|----------------------------------|
| کرم السجا یا جمیل الشیم    | نبی البرایا شفیع الامم (۱)       |
| امام رسل، پیشوای سیل       | امین خدا، مهبط جبرئیل            |
| یتیمی که ناکرده قرآن درست  | کتب‌خانه چند ملت بشست (۲)        |
| چو عزمش بر آهیخت شمشیر بیم | به معجز میان قمر زد دو نیم (۳)   |
| چو صیتش در افواه دنیا فتاد | تزلزل در ایوان کسری فتاد (۴)     |
| شبی برنشست از فلک برگذشت   | به تمکین و جاه از ملک برگذشت     |
| چنان گرم در تیه قربت براند | که در سدره جبرئیل از او باز ماند |
| بدو گفت سالار بیت الحرام   | که ای حامل وحی، برتر خرام (۵)    |
| بگفتا فراتر مجالم نماند    | بماندم که نیروی بالم نماند       |
| اگر یک سر مو فراتر پر      | فروغ تجلی بسوزد پر               |
| چه نعت پسندیده گویم تو را  | علیک السلام ای نبی الوری (۶)     |
| خدایت ثنا گفت و تبجیل کرد  | زمین بوس قدر تو جبرئیل کرد       |
| چه وصف کند سعدی ناتمام     | علیک الصلوة ای نبی السلام        |

**سعدی:** مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، شاعر بزرگ و نویسنده گرانقدر در سال‌های اول سده هفتم هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. خانواده وی از عالمان دینی بودند. وی در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه و مدارس دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت. وی سفرهای زیادی کرده است؛ از آن جمله به عراق، شام و حجاز مسافرت داشت. در اواسط سده هفتم و در زمان سلطان اتابیک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۶۸۸ هـ.ق.) سعدی به شیراز بازگشت و در سال ۶۵۵ هجری قمری، کتاب معروف خود «بوستان» یا «سعدی‌نامه» را به نظم نگاشت و نیز اثر مشهور دیگر خود «گلستان» را در بهار ۶۵۶ هجری قمری تصنیف کرد. از آثار دیگر سعدی می‌توان به غزلیات، ترجیع بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی» او اشاره کرد که همه در کلیات وی جمع شده است. به عنوان مثال کتاب گلستان وی دارای هشت باب می‌باشد؛ که به ترتیب عبارتند از: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت. وفات سعدی بین سال‌های (۶۹۱ و ۶۹۴ هـ.ق.) در شیراز اتفاق افتاد و در همان جا نیز به خاک سپرده شد.

۱- «کریم‌السعایا جمیل‌الشیم نبی‌البرایا شفیع‌الامم» او (پیغمبر) دارای اخلاق نیک و عادات پسندیده است. پیامبر خداست بر امت و شفاعت‌کننده گروه‌های مردم است.  
 ۲- پیامبری که هنوز وحی بر او تمام نشده بود، با رسالت خود، همه ادیان را منسوخ کرد.

۳- چون تصمیم به انداز مشرکان گرفت، با معجزه خود ماه را به دو نیم کرد. مصراع دوم اشاره است به شوق‌القمر: شگافتن ماه که از معجزات پیغمبر اسلام در برابر درخواست منکران است.

سوره قمر آیه ۱: «إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأُنشِقَ الْقَمَرُ» آن ساعت نزدیک آمد و ماه آسمان شگافته شد.

۴- تزلزل در ایوان کسری فتاد: ایوان مداین، کاخ بزرگ ساسانیان در تیسفون که بخشی از آن هنوز باقی است و در روایات آمده است که هنگام تولد پیامبر اسلام حادثی روی داد و از آن جمله، شگاف برداشتن ایوان کسری بود؛ به تعبیری دیگر در قدرت ساسانیان خلل راه یافت.

۵- حامل وحی: جبرئیل امین و سالار بیت الحرام، پیامبر اکرم ﷺ است.

۶- نبی الوری: پیامبر و فرستاده خدا بر مردم (وری: مردم)

### درست بنویسیم



- هرگاه حرف آخری واژه، «الف» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پیوند، یک «ی» علاوه می‌شود که این «ی» همیشه با واژه‌های پس از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود مانند:
- پسوند جمع «آن» ناو+ی+ان= ناویان، گدایان، بینایان.
- پسوند تنکیر «ی»: آشنا + ی + ی = آشنایی، پارسایی، دلربایی.
- پسوند صفت نسبتی «ی» دریا + ی + ی = دریایی، کاپیسایی.
- هرگاه حرف آخری واژه «الف» باشد، در پیوند تصغیر «ک» درمیان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می‌شود که همیشه با واژه بعد از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: زیباگگ، جولاگگ، گیراگگ.



### بیاموزیم

- ۱- نعت: ثنا و صفت پیامبر خدا ﷺ را گویند.
- ۲- سعدی در جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسه نظامیه و درسگاه‌های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت.
- ۳- بوستان و گلستان از نوشته‌ها و آثار گرانقدر و معروف سعدی است.
- ۴- پیامبر خدا با رسالت خود همه ادیان را منسوخ کرد.

### کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت گرامی پیامبر خداوند ﷺ به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده، نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون نعت شیخ سعدی به همصنفی‌های

خود معلومات دهد.

۳- چند شاگرد در مورد  
تصویر زیر دو دو دقیقه  
سخنرانی کنند:



### املا و نگارش

- ۱-متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعد املائی که خواندید، در کتابچه‌های تان مقاله‌یی پیرامون نعت پیامبر خداوند ﷺ بنویسید.

### خودآزمایی

- ۱- سعدی در کدام نوع سخن ید طولا دارد؟ واضح سازید.
- ۲- در مورد نعت پیامبر خداوند ﷺ چه می‌دانید؟
- ۳- آثار شیخ سعدی را نام ببرید.
- ۴- بیت پنجم نعت شریف را شرح دهید.

### کارخانه‌گی

- ۱- به رویت متن نعت، قواعد املائی این درس را مقایسه کرده بیان دارید.
  - ۲- این بیت را به حافظه بسپارید.
- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیری.

## درس سوم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسب ارائه بدارند:  
۱- پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژه «ادب» را چگونه تصویر فرموده اند؟

۲- فرق بین «ادب» و «ادبیات» چیست؟

۳- ویژه‌گی‌های ادب اسلامی کدام‌ها است؟

### ادبیات از دیدگاه اسلام

واژه «ادب» معانی و تعبیرهای گوناگونی دارد. عده‌یی آن را تأدیب و تهذیب دانسته و برخی هم معارف و تجربه‌های انسانی گفته‌اند و نیز کلمه ادب به معنای تأدیب و آموزش انسان و توجیه به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های کلامی و کرداری و دعوت به امور خیر و ارزش‌های عالی می‌باشد.

پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژه «ادب» را چه زیبا و شیوا بیان فرموده‌اند: «همانا قرآن ادب‌گاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این بیاموزید.» بار دیگر و در همین باب پیامبر گرامی اسلام جایگاه «ادب» را چنین به اوجگاه می‌کشاند: «پروردگرم مرا ادب آموخت، پس تأدیب مرا نیکو گردانید.» این است فراخنای کلمه «ادب و ادبیات» در قاموس اسلام.

و هم معنای لغوی «ادب» دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش و «آداب» جمع کلمه «ادب» است و «علم ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط بر آن، شخصی می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد، سخن درست و نادرست و زشت و زیبا را تفکیک دهد. واژه مرکب «ادبیات» به علمی اطلاق می‌شود که مربوط به «ادب» باشد که قدما این علوم را صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه و بهره یافتن از هر علم به قدر حاجت، دانسته‌اند. ادبیات به مفهوم آنچه در باره علوم و مسایل ادبی گفتگو کند نیز تبیین شده است.

و همین‌سان «ادب» به طور عام بر مجموع معارف انسانی اطلاق می‌گردد؛ اما به صورت خاص، ادب و یا ادبیات به کلامی گفته می‌شود که تعبیرکننده افکار، احساسات و



تجارب انسانی در قالب هنری مؤثر باشد. واژه «ادب» همراه با کاروان تاریخ انسانی راه دور و درازی را پیموده است و فراز و فرود و مد و جزرهایی را تجربه کرده تا به روزگار ما رسیده است. در حال حاضر هرگاه کلمه «ادب» به گوش رسید، به صورت عام ذهن انسان را به تراوش‌های ذهنی در عرصه «شعر و نثر» و «نثر ادبی» رهنمون می‌سازد.

صاحب‌نظران عرصه ادب دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت‌اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» و یا «مضمون» و «شکل هنری». برخی نویسندگان و اندیشمندان، ادب اسلامی را عبارت از «تعبیر هنری بازتاب زنده‌گی، هستی و انسان بر وجدان ادیب از خلال جهان بینی اسلام» تعریف نموده‌اند. هرگاه خواسته باشیم نگاه گذرایی به جایگاه و سیر حرکت ادب اسلامی نماییم، می‌بینیم:

وقتی که خورشید اسلام طلوع کرد، ادبیات عرب به خصوص در فنون شعر و خطابه به اوج خود رسیده بود. شعر و خطابه در انسان عربی چنان تأثیر عمیق داشت که بر روح و روان و حرکات و سکناات زنده‌گی وی چیره شده بود؛ بنابر حکمت و مشیت خداوند ﷻ قرآن کریم به خاطر اثبات اعجاز کلام الهی، شعرا و فصحای عرب را به آوردن سورتی مانند قرآن فراخواند که از آن عاجز آمدند. جر کشیدن سخنوران و فصحای عرب اگر از یک طرف تأکید و تأیید بر صدق نبوت پیامبر خاتم بود از جانب دیگر نشانه ارج و اهمیت بزرگی بود که اسلام برای سخن بلیغ، کلام فصیح و ادبیات بلند و برتر قایل می‌باشد و چه شرفی برای ادب، بزرگ‌تر ازین که قرآن خود اوج و قله فصاحت و بلاغت و بنیادی است برای ادب عالی و برتر.

خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام دستور داد با سلاح سخن و یا «کلمه قرآن» به جهاد مشرکین بپردازد (وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا) (سوره الفرقان: آیه ۵۲) ترجمه: با (سلاح) قرآن به جهادی بزرگ با آنها جهاد کن. با درک تأثیر شعر و فنون سخن در حیات فکری و اجتماعی عرب، شعرا و خطبای پیامبر ﷺ در صحنه‌های مقابله و مبارزه با همتهای‌شان دست بالایی را نصیب گردیدند؛ تا آنجا که در یک مبارزه فکری و ادبی (شعر و خطابه) اقرع بن حابس زعیم هیات قبیله بزرگ تمیم با اعلام اعتراف «یقیناً این مرد (پیامبر ﷺ) منصور و تأیید شده است، زیرا خطیب وی سخنگوتر از خطیب ما، و شاعر او شاعرتر از شاعر ماست» یکجا با قوم خود به دین اسلام مشرف گردید.

بدین ترتیب شعر و ادب در عهد نبوی و دوران خلفای راشدین در سایه تعالیم اسلام و اخلاق ایمان، حرکت نمود و در سینه‌های شعرا و ادبای صدر اسلام، وصف و نعت پیامبر ﷺ، رثای شهدای اسلام، افتخار به نعمت‌های خداوند ﷻ و دیگر اشکال شعر و ادب انعکاس و تجلی یافت. در این مرحله مضامین و عناوین دوران جاهلی شعر و ادب مبنی بر افتخار به جاه و مال، نژاد و قبیله، هجو و ذم نامیمون، غزل فاحش و عریان، ناپدید گردیده جای خود را به مکارم اخلاق و ارزش‌های والای انسانی و اسلامی گذاشت. ادب و هنر با مایه‌های انسانی والا در دامن میمون و پر برکت تمدن اسلامی راه رشد پیمود و بر تارک تاریخ اسلام و تمدن بشری چنان مطلوب و برجسته درخشید که سخن گفتن از مفاخر و دست‌آوردهای انسانی در عرصه‌های فرهنگ و گنجینه‌های فرهنگی بدون پرداخت به ادب و هنر اسلامی ناممکن و دشوار است؛ اما این راه و رسم به مرور زمان و با ظهور فتنه‌های کشنده در برهه‌هایی از زمان دچار اختلال و انحراف شد. کاروان شعر و ادب اسلامی با تأثر پذیری از بحران‌های تاریخ از سیر درست بازماند و گرد و غبار توفان‌های روزگار حرکت این کاروان را مختل کرد. با به ضعف گراییدن ادبیات اسلامی، هنر و ادب در بسیاری از موارد از ارزش‌های والای انسانی تهی گشته و ادب و هنر منحرف وارد میدان شد که تا هنوز بسیاری از جریان‌های ادبی در کشورهای اسلامی در تاریکی و گمراهی راه می‌پیماید. اکنون با گذشت بیشتر از یک‌هزار و چهارصد سال، کاروان شعر و ادب در عرصه‌های مختلف، در سرزمین‌های مختلف با زبان‌های گوناگون از جمله در کشور عزیز ما افغانستان ضرورت به تجدید نظر و نقد ذات دارد تا مسیر خود را باز یابد و با ایجاد توازن میان اصالت و معاصرت وارد میدان گردد.

ظهور انجمن‌های ادبی در سطوح ملی و بین‌المللی یکی از پدیده‌های مثبت در جهان ادبیات معاصر است؛ درین راستا تشکیل انجمن جهانی ادبیات اسلامی که نخبه‌ترین ادبا، شعرا، ناقدان، داستان و ناول نویسان، و اندیشمندان عرصه‌های ادبیات را به حیث اعضای خود دارد خدمات مفیدی را در شناسایی، نشر و گسترش ادبیات اسلامی به زبان‌های مختلف دنیا انجام داده است.

### برخی از ویژه‌گی‌های ادب اسلامی

عصرهای اخیر، مخصوصاً آغاز قرن بیستم شاهد ظهور مکتب‌های ادبی مختلفی بود؛ از قبیل مکتب‌های ادبی تقلیدی یا کلاسیسم، رومانسیسم، ریالیسم، سمبولیسم،

اگزستانسیالیزم، کوسموپولیتیسیم، هنر برای هنر و دیگران که هر یکی از این مکتب‌های ادبی ویژه‌گی‌ها و خصوصیت‌های فکری خاص خود را دارا بوده تعبیر کننده افکار و نظرات مکاتب فکری و فلسفی خاصی می‌باشند؛ زیرا ادب و هنر قالب و وسیله‌ی است برای نشر عقاید، اندیشه‌ها و فلسفه‌های مختلف و هر ادیب و هنرمند آن‌را به خاطر نشر و گسترش فکر و نظر خویش به کار می‌گیرد، و چه بسا که فکر منحرف و اخلاق آلوده و فاسد از لابه‌لای فرآورده‌های هنری و ادبی، جوامع و انسان‌ها را به لجنزارهای فساد و تباهی کشانده است. از نظر نویسندگان و اندیشمندان اسلام، ادبیات اسلامی نیز صفات و خصوصیت‌های خاص خود را دارد که با این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از سایر مکاتب ادبی متمایز می‌گردد. این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از فکر و عقیده اسلامی سرچشمه می‌گیرد تا صفت ادبیات اسلامی را کسب نماید. ادب اسلامی صفات و خصوصیات و ویژه‌گی‌های زیاد دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

### اول - التزام عقیدتی و اخلاقی

نخستین ویژه‌گی و خصوصیت ادبیات اسلامی «ملتزم بودن» است؛ به این معنی که ادب اسلامی ادب ملتزم و مبتنی به عقیده اسلامی بوده دیدگاه آن به انسان، حیات، هستی، جمال و زیبایی به اساس جهان بینی اسلامی استوار می‌باشد.

### دوم - رسالت و هدفمندی

ادبیات اسلامی دارای مقصود و غایتی است که این خصوصیت از حقیقت اسلام سرچشمه می‌گیرد. به این معنی که فرد مسلمان خویشتن را بالاتر از آن می‌داند که از وی گفتار و یا کردار و رفتاری سرزند که مقصود و فایده‌ی در ورای آن وجود نداشته باشد. ادیب مسلمان نمی‌پسندد که وقت خویش را ضایع سازد، استعداد و طاقت خود را به هدر دهد، و یا اوقات بنده‌گان خدا و طاقت و توان ایشان را بدون ثمر ضایع نماید.

### سوم - تکامل و فراگیری

اسلام به نفس و روان انسانی دید همه‌جانبه و فراگیر دارد و به اعتبار این که انسان مرکب از جسم و روح، هر دو است؛ بناً ادب اسلامی انسان را از همه جوانبش مورد توجه و ارزیابی قرار می‌دهد تا در وی انسجام و توازن و هم‌نواپی ایجاد نماید و کشمکش و تناقض و دوگانگی را از او دور سازد.

## چهارم- واقع گرایی

منظور از واقع بینی و واقع گرایی اسلامی نسبت به انسان، روش مکتب ادبی واقعی ریالیسم غربی نیست که انسان را در ساحه کوچک و تنگنای مادیت محدود و محصور ساخته واقعیت بزرگ حیات انسان را با عمق و طول و زمان و مکان وی فراموش نماید؛ بلکه واقع گرایی ادب اسلامی انسان را با ضعف و نقص و سقوطش به حیث نقاط ضعف و ناپسند انسان در نظر گرفته؛ اما این حالات را مانند ادب واقعی غربی، دایمی و همیشه گی ندانسته به تقدیس و ترسیخ آن نمی پردازد؛ زیرا از دید ادبیات اسلامی حالات ضعف و انحراف بشری قابل تدارک و تکامل می باشد و ادب و هنر درین راستا نقش سازنده و بنیادین دارد.

## پنجم- مثبت گرایی و سازنده گی

خصوصیت اساسی دیگر ادب اسلامی مثبت گرایی و فعالیت رو به ارتقای انسان است که این خاصیت از مبادی اصلی اسلام مایه می گیرد؛ زیرا اسلام ضعف، لغزش، سقوط و ارتکاب گناه را برای انسان می پذیرد؛ چنانچه آفریدگارش او را وصف نموده (وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا) (سوره النساء: آیه ۲۸) یعنی: همانا انسان، ضعیف آفریده شده؛ اما با همه این نقایص و ضعف ها، باز هم ادب اسلامی انسان را به سلیت و تسلیم شدن در برابر ضعف و ناتوانی دعوت نمی کند؛ بلکه ادب اسلامی در چنین حالاتی با روحیه التزام و مثبت گرایی دست انسان را می گیرد و او را از گودال های یأس و ضعف و کسالت به سوی امید، قوت، حرکت و سعادت رهنمون می سازد.

## ششم- ادب برای ادب

«ادب برای ادب» و یا «هنر برای هنر» را به رسمیت نمی شناسد؛ بلکه هنر و ادب را برای خیر و فضیلت و تعهد و اخلاق و خدمت گزاری انسان و جامعه می داند. قرآن کریم شعرای مؤمن و متعهد و با رسالت را از قطار شعرای هرزه گو و بی هویت و بی ماهیت جدا ساخته مورد ستایش قرار می دهد: (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (سوره الشعراء: آیه ۲۲۷) ترجمه: مگر کسانی (شاعرانی دروغگو و گمراه نیستند) که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع (از خویشان و مؤمنان) بر می خیزند؛ آن ها که ستم

کردند به زودی می‌دانند که بازگشت شان به کجاست!

پیامبر ﷺ زیبایی سخن و حکمت شعر را ستوده احساس اعجاب و هیجان خویش را در برابر تأثیر شعر و سخن ابراز فرمودند: (ان من البيان لسحرا) یعنی برخی سخنان تأثیرات جادویی دارد و (ان من الشعر لحكمة) یعنی در برخی از اشعار حکمت نهفته است؛ چنانچه شاعران خویش را دعوت نمودند تا از شعر و ادب برای دفاع از ارزش‌های اسلام و حاکمیت جامعه اسلامی کار بگیرند و در این راستا برای تشویق حسان بن ثابت رضی الله عنه فرمود که با شعر به مقابلهٔ مشرکین که در مکه و اطراف آن در قرن اول هجری می‌زیستند، برخیزد و روح الامین (جبرئیل علیه السلام) همواره پشتیبان او خواهد بود. این است هنر و ادب اسلامی که با مضمون و محتوا و دلالت و معنایش با سایر مکاتب ادبی و هنری تمایز پیدا می‌کند.

خوشبختانه شعر و ادب اسلامی از قرون متمادی در کشور عزیز ما افغانستان، ریشه‌های عمیق دوانده و بر جامعهٔ افغانی تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است. در جامعهٔ ما در ادوار مختلف نویسنده‌گان و شعرایی قد علم نموده‌اند که در روشنی رهنمایی‌ها و ارشادات اسلامی حالت موجود جامعه را به بررسی گرفته، راه خیر و فلاح را به مردم نشان داده، ظلم ظالمان و عملکرد ناروای حکمرانان را تقبیح نموده‌اند. بر نسل جوان افغانستان است تا با چنین ویژگی‌ها، ارزش‌ها، معیارها و توانایی‌های هنری و ادبی خود را رشد و تقویت بخشند و کاروان سرگردان هنر و ادبیات کشور را به مسیر اصلی‌اش برگردانند. هجوم فرهنگی جهانی و تقلید ناپسند از هنر و ادبیات بیگانه فضای ادبی ما را تیره و تار ساخته و ادبیات این سرزمین اسلامی را به ابتدال می‌کشاند. با گذشت روزها و سال‌ها مضامین، عناوین و موضوعات هنر و ادب تنگ‌تر می‌شود و نسل جوان کشور غیر از مضامین و عناوین مبتذل و مکرر چیز دیگری را برای رشد مواهب ادبی و هنری خود نخواهد دید. هنر و ادبیات اسلامی افق‌های جدیدی را به پهنای زمین و آسمان، انسان و جهان، دنیا و آخرت به روی فرهیخته‌گان ادب و هنر باز می‌سازد؛ پس بر نو نهالان علم و عرفان و فرزندان ادب دوست میهن است تا استعداد ادبی و هنری خود را بیازمایند و چون ستاره‌گان در آسمان علم، معرفت، هنر و ادب ملتزم و متعهد بدرخشند.

## تدوین هنر برای هنر

در اواخر قرن نوزدهم مفکوره ادبی «هنر برای هنر» بر ضد مکتب ادبی رومانتیسم ظهور کرد. به عقیده پیروان این مکتب شاعر به هیچ وجه نمی‌خواهد شعرش دارای امید و آرزو و خواهشی باشد؛ فقط برای هنر محض احترام قایل است و به زیبایی شکل و طرز بیان اهمیت می‌دهد. به عقیده پیروان این طرز فکر «شعر نباید بخنداند و نه بگریاند؛ بلکه باید فقط زیبا باشد و هدف خود را در خود بجوید».



### بخوانیم و بدانیم

- ۱- کلمه «ادب» در برگرفته معانی و دلالت‌های متعدد و متنوع راجع به تأدیب و تهذیب نفس و فراگیری معارف و تجارب انسانی می‌باشد.
- ۲- علم «ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط بر آن، شخص می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد.
- ۳- صاحب نظران عرصه ادب دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» و یا «مضمون» و «شکل هنری».
- ۴- پیامبر بزرگوار اسلام فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاہ خداوند بر روی زمین است؛ پس از این دعوت پیاموزید».
- ۵- شعر و ادب در عهد نبوی ﷺ و دوران خلفای راشدین در سایه تعالیم اسلام و اخلاق ایمان حرکت نمود.



### درست بنویسیم

- واژه‌های عربی جرأت، ملجأ، تأدیه، مأخذ، تأثیر، تأدیب، تأخیر، تأیید، تأکید، مأمور و امثال این‌ها، در زبان دری به همین شکل نوشته می‌شوند.
- با در نظر داشت عدم موجودیت دسته‌بندی مذکر و مؤنث در زبان دری، بهتر است واژه‌های معلم، شاعره، رئیسه، مدیره، حاجیه و... را با حذف «ت تأنیث {ة}» به شکل معلم، شاعر، رئیس، مدیر، حاجی و... نوشته و با نشانه دری جمع بندیم؛ مانند: معلم / معلمان، شاعر / شاعران، رئیس / رؤیسان، مدیر / مدیران، حاجی / حاجیان و....

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در مورد جایگاه ادب در اسلام و نقش آن در



- زنده گی باهم بحث و گفتگو کنند.
- ۲- سه تن از شاگردان پیرامون چگونگی شعر و ادب در عهد پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین در برابر صنف سخنرانی نمایند.
- ۳- شاگردان در مورد این که ادبیات بعد از اسلام با ادبیات دوره جاهلیت چه تفاوت پیدا نمود؟ باهم مباحثه نمایند.

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می گیرد املا بنویسید.
۲. با نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه های تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حد اقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

### خود آزمایی

- ۱- «ادب» انسان را از چه چیزهایی باز می دارد؟
- ۲- «ادب» به طور عام بر چه چیزهایی اطلاق می گردد؟
- ۳- واژه «ادب» از کدام دو عنصر اساسی در تعریف ادبیات حایز اهمیت می باشد؟
- ۴- به نظر شما فصاحت و بلاغت کلام و شعر بر ذهن انسان چه تأثیر می گذارد؟
- ۵- تیوری «ادب برای ادب» چه معنی دارد؟
- ۶- به کدام نوع فرآورده های ادبی، هنر و ادب، مبتدل گفته شده می تواند؟
- ۷- قرآن کریم به خاطر چی شعرا و فصحای عرب را به آوردن آیتی مانند قرآن فرا خواند که از آن عاجز آمدند؟

### کارخانه گی

- ۱- شاگردان با همکاری و رهنمایی استاد مضمون در مورد جایگاه ادب در اسلام و خصوصیات عمده آن مقاله یی بنویسند که کم از یک صفحه نباشد.
۲. ابیات آتی را به حافظه بسپارید:  
 لاف سرپنجه گی و دعوی مردی بگذار      عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی  
 گرت از دست برآید دهنی شیرین کن      مردی آن نیست که مشتت بزنی بر دهنی  
 سعدی
- ۳- شاگردان متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرند.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. بیدل کی بود و در کدام زمان میزیست؟
  ۲. مهم‌ترین آثار او چه نام دارد؟
  ۳. چرا درک مفاهیم شعری او مشکل است؟ شما شعر او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

## ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل - بزرگترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی - فرزند میرزا عبدالخالق در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در شهر عظیم آباد پتنه در هندوستان چشم به جهان گشود. نسبت او به قبیله «ارلاس» بدخشان افغانستان می‌رسد. خانواده او همه سپاهی پیشه و نظامی مسلک بودند. این که چه زمان، چرا و چگونه نیاکانش به سرزمین هند مهاجرت کرده بودند، نامعلوم و در پرده‌یی از ابهام است. «عبدالقادر» هنگامی که هنوز بیش از چهار و نیم سال نداشت پدرش را از دست داد و درسایه سرپرستی و تربیت کاکایش «میرزا قلندر» - که خود از صوفیان باصفا بود - مکتب و مدرسه را رها کرد و مستقیماً تحت آموزش معنوی وی قرار گرفت. او در کنار «میرزا قلندر» با مبانی تصوف آشنایی لازم پیدا کرد. همچنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای معنوی پدر بهره‌ها برد.

«بیدل» هنگامی که سیزده سال بیشتر نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک شاهد درگیری‌های خونین فرزندان شاه جهان بود، پس از آن نزاع‌های خونین داخلی فروکش کرد و اورنگ‌زیب فرزند دیگر «شاه جهان» صاحب قدرت سیاسی در هند شد، بیدل همراه با مامای خود «میرزا ظریف» در سال ۱۰۱۷ به شهر «کتک» مرکز اوریسه رفت. دیدار «شاه قاسم هواللهی» و بیدل در این سال از مهم‌ترین وقایع زنده‌گیس به شمار می‌رود. وی سه سال در اوریسه از فیوض معنوی شاه قاسم بهره برد.

بیدل چهره‌یی خوشایند و جثهٔ نیرومند داشت، فن کشتی را نیک می‌دانست و ورزش‌های طاقت‌فرسا از معمولی‌ترین فعالیت‌های جسمی او بود. در سال ۱۰۷۵ هـ. ق. به دهلی رفت، هنگام اقامت در دهلی دایم‌الصوم بود و آن چنان که خود در چهارعنصر نقل کرده است، به سبب تزکیهٔ درون و تحمل انواع ریاضت‌ها و مواظبت بر عبادات، درهای اشراق بر جان و دلش گشوده شده بود و مشاهدات روحانی به وی دست می‌داد، در سال ۱۰۷۶ هـ. ق. با «شاه کابلی» آشنا شد، دیدار با شاه کابلی تأثیری عمیق بر او گذاشت. و در همین سال در فراق اولین مربی معنویتش میرزا قلندر به ماتم نشست، وی در سال ۱۰۷۸ هـ. ق. سرایش مثنوی «محیط اعظم» را به پایان رساند. این مثنوی دریای عظیمی است لبریز از تأملات و حقایق عرفانی. دو سال بعد مثنوی «طلسم حیرت» را سرود و به نواب عاقل خان رازی که از حامیان او بود هدیه کرد. تلاش معاش او را به خدمت در سپاه شهزاده «اعظم شاه» پسر اورنگ زیب باز گرداند؛ اما پس از مدت کوتاهی، چون از او تقاضای مدیحه کردند، از خدمت سپاه استعفا داد. بیدل در سال ۱۰۹۶ هـ. ق. به دهلی رفت و مقدمات یک زنده‌گی توأم با آرامش و عزلت را در دهلی فراهم کرد. زنده‌گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرایش شعر گذشت و منزل او میعادگاه عاشقان، شاعران و اهل فکر و ذکر بود، در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی «عرفان» پرداخت. با وجود تشنج و درگیری‌های سیاسی در بین سران سیاسی هند و شورش‌های منطقه‌یی و آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکرات ناب عرفانی و آفرینش‌های هنری باز نماند.

بیدل آخرین آیینۀ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ. ق. به خاموشی گرایید.

## آثار بیدل

از بیدل به جز از دیوان غزلیاتش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که بیشتر از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

- ۱- مثنوی عرفان ۲- مثنوی محیط اعظم ۳- مثنوی رقصات ۴- مثنوی طلسم حیرت
- ۵- رباعیات ۶- چهارعنصر ۷- رقصات ۸- نکات ۹- طور معرفت و...

## زبان شعری بیدل

در شعر بیدل بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است و همچنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان نیز در عین ایجاز و ظاهراً اجمال است. به گونه‌یی که خواننده شعر او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازه کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بیننده آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و اندوه و ترس می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرندگان و راه‌هایی که در آن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند، به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید.

• بیدل شاعری است باتخیل تخلیقی، کشف روابط باریک در بین موضوعات گوناگون و طرح مسایل پیچیده عرفانی به شاعرانه ترین زبان، و همچنین نوآوری شاعر در مسایل زبانی و سبکی، دقتی ویژه و ذهنی ورزیده را از مخاطب برای فهم دقیق و درک لذت از شعر وی، طلب می‌کند.

• بیدل شاعری با حکمت و تفکر قدسی است. او غیر از غزلیاتش که هر یک آینه مجسم از شعر ناب اند، در مثنوی‌های «محیط اعظم»، «عرفان»، «طلسم حیرت»، «طور معرفت» به تبیین اندیشه‌های عرفانی خود پرداخته است. در میان این مثنوی‌ها دو مثنوی «محیط اعظم» و «عرفان» از قدر و شأن ویژه‌یی برخوردار اند، مثنوی محیط اعظم را شاعر در روزگار جوانی خود سروده است.

## ویژه‌گی‌های شعر بیدل

• از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» می‌توان به باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته، ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری توصیف طبیعت، بازی با کلمات و تکرار قافیه، تناقض و عرفان اشاره کرد. گرچه وی به نیکویی واقف است که زبان با تمام امکان‌ها و قابلیت‌هایش، هرگز تاب معانی بلند او را نمی‌آورد. چنان که خود می‌گوید:

ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان با همه شوخی، مقیم پرده‌های راز ماند

- یکی دیگر از ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» آن است که اندیشه‌ها در لایه‌های متعدد و متنوع معنایی، پیچیده و پنهان شده است و فهم ابعاد شعر وی بدون توجه به این نکته امکان ناپذیر خواهد بود. شعر بیدل را باید بارها و بارها خواند؛ چرا که در هر بار خواندن معنایی دیگر را متجلی نموده و مشام مخاطب را از عطر شگفت و غریبی که گویی از بهار گم شده در پرده‌های غیب وزیده است سرشار می‌سازد.
- از خصوصیات دیگر و امتیاز شعر بیدل کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که برای درک درست از شعر او، ناگزیر باید با شیوه کاربرد ترکیبات وی مأنوس و آشنا بود، به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سرد را مانم اثر پرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم  
ترکیب‌های «کاروان اشک» و «اثر پرداز داغ» ساخته ذهن و زبان آفرینش‌گر بیدل است.

### اندیشه‌های فلسفی بیدل

- از مفاهیم فلسفی در شعر بیدل می‌توان به دو مفهوم «هستی» و «عدم» اشاره کرد. برخلاف بسیاری از شاعران که به کاربرد ادبی و دو واژه اکتفا کرده اند، بیدل با چیره دستی و تسلط تمام بر معانی فلسفی و مباحث مرتبط با «عدم» و «هستی» به شرح و بسط شاعرانه و فیلسوفانه این مفاهیم پرداخته است.
- دو دیگر واژه حیرت به مثابه مفهوم عرفانی - فلسفی نقش و جایگاه مهمی در تفکر و شعر بیدل دارد. یکی از نمادها و اصطلاحات متناظر با حیرت در شعر بیدل آینه است. او چندان به آینه و کاربرد آن در شعر خود الفت داشته که او را «شاعر آینه‌ها» نامیده اند؛ ترکیباتی از قبیل: آینه‌خانه، آب آینه، آینه‌خو، آینه‌گری آینه‌پرداز، آینه‌آغوش، آینه‌داری، جوهر آینه، صیقل آینه، خانه آینه، آینه حسن، غبار آینه، خیال آینه، تمثال آینه و... تنها بخشی از آینه‌پردازی‌های ادبی و فکری «بیدل» به شمار می‌رود.
- دیگر از واژه‌های پر کاربرد و کلیدی عرفانی - فلسفی در شعر بیدل واژه «هیچ» است. به طور کلی این واژه در نظریه‌های عرفانی، کاربرد معنایی دوگانه‌ی داشته

است: هیچ در معنای عدم یا نیستی و هیچ در پوچی و بیهوده‌گی. در معنای نخست، مفهوم «هیچ» مساوی است با نیستی سالک در نفس خویش و نیل به وجود مطلق؛ اما در دومین معنی، مفهوم «هیچ» با معانی و مفاهیمی از قبیل بی‌معنایی، پوچی محض و خلا مترادف می‌باشد. معنای دیگری که عارفان از این اصطلاح اراده کرده‌اند و خالی شدن از توهمات «هست و نیست» و رهایی از تعلقات «نفس اماره» است که می‌توان آن را هیچ‌انگاری عرفانی نامید.

### نمونه کلام بیدل

پی اشک من ندانم به کجا رسیده باشد  
زپی‌ات دویدنی داشت به رهی چکیده باشد  
تب و تاب موج باید زغرور بحر دیدن  
چه رسد به حال آن کس که ترا ندیده باشد  
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم  
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد  
به چمن زخون بسمل همه جا بهار ناز است  
دم تیغ آن تبسم رگ گل بریده باشد  
دل ما نداشت چیزی که توان نمود صیدش  
سر زلفت از خجالت چقدر خمیده باشد  
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی  
نشینده ایم جایی که کس آرمیده باشد  
همه کس سراغ مطلب به دری رساند و نازید  
من و ناز نیم‌جانی که به لب رسیده باشد  
به هزار پرده «بیدل» ز دهان بی‌نشانش  
سخنی شنیده‌ام من که کسی ندیده باشد



**تو ضیعا** سالک: کسی که به طریق سلوک صوفیانه به مقام و مرتبتی برسد که از اصل و حقیقت خود آگاه شود.

نفس اماره: اماره به معنای بسیار امرکننده است و نفس اماره یعنی نفسی که به لذات و شهوات جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشاند. روح انسانی را به اعتبار غلبه نفس حیوانیت، نفس اماره گویند.



### بیاموزیم

۱. ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در هندوستان چشم به جهان گشود.
۲. جز ازدیوان غزلیات، آثار دیگری از وی نیز در دست است که بیش از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد.
۳. مهم‌ترین آثار او عبارتند از: طور معرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهار عنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.
۴. باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری، توصیف طبیعت، بازی با کلمات و تکرار قافیه از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» است.
۵. بیدل آخرین آئینه تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ.ق. به خاموشی گرایید.



### درست بنویسیم

- هرگاه حرف پایانی واژه، {الف} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشان) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان) بیاید، در میان واژه و پسوند یک {ی} علاوه می‌شود؛ اما این {ی} به صورت مستقل نوشته شده، با واژه‌های پسین و پیشین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

- خود: بالای خود، کالای خود، آشنای خود.
- خویش: سیمای خویش، سودای خویش، فردای خویش.
- خویشتن: تنهای خویشتن، گیرای خویشتن، غم‌های خویشتن.
- تان: گل‌های تان، صدای تان، پیشوای تان.
- شان: غوغای شان، غذای شان، بقای شان.
- مان: خدای مان، نوای مان، زیبای مان.
- اما اگر حرف پایانی واژه، {الف} باشد و در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (-ت)، (-م) و (-ش) قرار گیرد، بازهم همان {ی} در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما {ی} باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ زیرا این‌ها ضمائر متصل اند و خاصیت شان پیوستن است، مانند:
- ت: کالایت، دستهایت، ادایت.
- ش: زیبایش، مامایش، بهایش.
- م: گپهایم، جابیم، کتاب‌هایم.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. چند تن از شاگردان به ترتیب در مورد زنده‌گی، آثار، ویژه‌گی‌های شعری، زبان شعری و اندیشه‌های فلسفی بیدل درمقابل صنف قرار گرفته و سخنرانی نمایند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:  
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی  
نشینده ایم جایی که کس آرمیده باشد

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املا کار کنید.
۲. با نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، واژه‌های کجا، میرزا، صفا و رها را در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک و واژه‌های مولانا، صفا و آشنا را در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی در جمله‌های مناسب به کار برده در کتابچه‌های خویش بنویسید.

## خود آزمایی

۱. سه ویژه گی عمده شعر بیدل را بیان کنید.
۲. به نظر شما کدام شاعر دیگر می تواند با «بیدل» برابری کند؟ به چه دلیل؟
۳. واژه های «هستی» و «عدم» چه جایگاهی را در شعر «بیدل» احراز کرده اند؟
۴. برای باریک اندیشی، خیال انگیزی و ترکیبات نو در شعر بیدل یک - یک مثال بیاورید.
۵. هر گاه حرف پایانی واژه، {الف} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن) چگونه نوشته می شود؟ با ارائه مثال ها واضح سازید.

## کارخانه گی

۱. معنی، مفهوم و شرح ابیات زیر را در کتابچه های خویش نوشته و دو ترکیب تازه کلمات را از میان همین ابیات استخراج نمایید همچنان این ابیات را حفظ نمایید:  
تب و تاب ———— جوج باید ز غرور بحر دیدن  
چه رسد به حال م آن کس که ترا ندیده باشد  
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم  
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد
۲. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد و در پایان چند شاگرد به سؤال‌های زیر جواب دهند:
- ۱- استقلال چه معنی دارد؟ استقلال فردی و اجتماعی چیست؟
  - ۲- آیا استقلال حدود و قیودی دارد؟ توضیح دهید.
  - ۳- ابن خلدون در باره هرج و مرج چه گفته است؟ شرح دهید.
  - ۴- نقش تعلیم و تربیه در نظم جامعه از چه قرار است؟

## استقلال فردی و اجتماعی

استقلال و آزادی عبارت از اختیار فعل و یا ترک فعل را گویند و داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد.

استقلال فردی عبارت از اختیارات فرد در جامعه از لحاظ حقوق عمومی است که شامل مصوونیت شخصی و مصوونیت منزل و اقامتگاه و آزادی شغل و اشتغال به حرفه، صنعت، تجارت، آزادی شرکت در اجتماعات یا تشکیل انجمن‌ها و احزاب سیاسی، آزادی قلم و مطبوعات می‌باشد.

استقلال و آزادی اجتماعی عبارت از رعایت حق اجتماعی افراد است که مردم خواهان آن باشند.

آزادی به مفهوم مطلق آن مطلوب هیچ ایدئالوژی و مکتبی نیست، ولی در مفهوم پذیرفته آن یعنی در حدی که به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه نزنند مورد تأیید ایدئالوژی‌هاست. مهم‌ترین آزادی‌هایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر روی آن تأکید شده عبارت از آزادی بیان، قلم، آزادی اجتماعات و مسافرت است. این آزادی‌ها در اصول عقاید احزاب سیاسی و برنامه و هدف‌های مورد ادعای اکثریت قریب به اتفاق دولت‌ها گنجانیده شده و کشورهای عضو سازمان ملل نیز با تصویب

اعلامیه حقوق بشر آن را پذیرفته اند.

اسلام که یک دین کامل، شامل و جامع بوده و در تمام عرصه‌های حیات برای بشر دارای برنامه‌های منظم و مفید می‌باشد بر آزادی و استقلال تأکید داشته و چارچوب معینی را برای آن وضع کرده است که با اجرای آن سعادت دارین نصیب بشریت می‌گردد.

خداوند ﷻ انسان را با اراده آزاد آفریده است و هیچ کس حق ندارد آزادی اراده را از انسان سلب نماید و انسان را بر خلاف اراده اش به کاری وا دارد. معنای استقلال فردی همین است که انسان می‌تواند آزادانه ابراز نظر نموده، از حق آزادی بیان استفاده نماید، به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.

آزادی‌های فردی در زنده‌گی مردم از تجاوز مصون بماند انسان‌ها به یک رشته نورم‌ها و معیارها ضرورت دارند که در صدر این معیارها دین، اخلاق و قانون حراست از منافع ملی است. این معیارها در بعضی عرصه‌ها ایجاب می‌کند که افراد آزادی‌های مطلق فردی را کنار بگذارند و برای قوام زنده‌گی اجتماعی تن به حاکمیت قانون بسپارند. آن افراد جامعه که از فیض وجدان بیدار برخوردار استند خود حاکم و قاضی خویش بوده، دستگاه‌های حمایت نظم و قانون به تعقیب آنان نمی‌باشند؛ اما، انسان‌ها همه یک‌سان نیستند و بعضی‌ها از غصب حق دیگران لذت می‌برند و آن قدر حریص و خودخواه می‌شوند که می‌خواهند همه چیزهای خوب را برای خود بردارند و همه دشواری‌ها و درد سرها را برای دیگران بگذارند. همین مسأله است که ایجاب پولیس و دیگر تشکیلات امنیتی را می‌کند.

ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ دنیای اسلام می‌گوید که حکومت ناصالح ظالم نیز بهتر از حالت بی‌حکومتی و هرج و مرج است، زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و زور را بر جامعه حاکم می‌سازد و آزادی اجتماعی را صدمه می‌زند. یک حکومت سالم برای هر جامعه یک آیدیال است؛ ولی بدبختانه انسان‌ها بدین آیدیال به آسانی نرسیده اند.

مسأله استفاده از آزادی‌های فردی و اجتماعی تابع رشد فکری بوده و مربوط به جامعه و تعلیم و تربیه افراد نیز می‌باشد. تعلیم و تربیه سالم افراد را پیش از هر چیز با مکلفیت‌های قانونی و اخلاقی شان آشنا می‌سازد و به آنان می‌فهماند که آزادی‌های فردی و اجتماعی دیگران از چه قرار است.

رشد درجه آزادی‌های فردی و اجتماعی را هیچ‌گاه نمی‌توان از رشد تعلیم و تربیه در یک کشور جدا کرد. تحقق درست آزادی‌های فردی و اجتماعی هنگامی میسر می‌شود که افراد از حقوق و آزادی‌های هم‌دیگر به طور کامل آگاه باشند و این ممکن نیست؛ مگر از راه توسعه و تعمیم تعلیم و تربیه و رشد علمی و عملی افراد جامعه.

**توضیحات**  
اتحادیه: واحد مشترکی از سازمان‌های جداگانه و یا انجمنی از اشخاص حقیقی یا حقوقی برای پیگیری هدف‌های مشترک یا سازمان متشکل از کارگرانی که برای حفاظت از منافع مشترک و بهبود بخشیدن به شرایط کارشان به آن پیوسته‌اند.

جامعه: عبارت از گروه وسیع مردم شامل سازمان‌های متعدد و مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک است که در طی زمان طولانی از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشد. جامعه‌یی که وابسته محل معین و از جوامع دیگر، کمابیش بی‌نیاز باشد، اجتماع خوانده می‌شود.



### بیاموزیم

- ۱- آزادی فردی این است که انسان بتواند آزادانه ابراز نظر نماید، از حق آزادی بیان استفاده کند و به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.
- ۲- ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ می‌گوید: ((حکومت ناصالح و ظالم نیز بهتر از حالت ناحکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و ستم را بر

جامعه حاکم می‌سازد و آزادی‌های فردی و اجتماعی را صدمه می‌زند)).

### درست بنویسیم



در زبان عربی «الف مقصوره» یایی است که «ی» در پایان واژه‌ها «آ» خوانده می‌شود، چنین واژه‌ها در املای دری مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

هرگاه واژه‌ها مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، «ی» به صورت «الف» (ا) نوشته می‌شود و قاعدهٔ واژه‌های مختوم به «ا» بر آنها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

|      |   |
|------|---|
| عیسی | عیسای مریم  |
| موسی | موسای کلیم‌الله                                       |
| معنی | معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی.                 |
| لیلی | لیلای محصل پوهنتون یا دانشگاه، انگور اعلای کوه‌دامنی. |
| شوری | شورای وزیران  |
| یحیی | یحیای برمکی   |

هرگاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:

|       |        |
|-------|--------|
| موسی  | موسوی  |
| عیسی  | عیسوی  |
| معنی  | معنوی  |
| مصطفی | مصطفوی |

و اما در املای زبان دری اشکال زیرین را به خود می‌گیرند:

|      |        |
|------|--------|
| موسی | موسایی |
|------|--------|

|         |       |
|---------|-------|
| عیسای   | عیسی  |
| معنایی  | معنا  |
| مصطفایی | مصطفی |

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون آزادی‌های فردی و اجتماعی به بحث و گفتگو پردازند، سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده اهمیت آزادی را به همصنفی‌های خود توضیح دهد.
- ۳- چند شاگرد در مورد نقشه زیر سخنرانی کنند:





## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- در باره اهمیت قانون در جامعه چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- آزادی یعنی چه؟ توضیح دهید.
- ۲- در باره آزادی فردی و اجتماعی چه می‌دانید؟ بیان کنید.
- ۳- جامعه و اجتماع از هم چه فرق دارند؟
- ۴- آیا حکومت نا صالح از هرج و مرج و انارشسیسم بهتر است یاخیر؟ چرا؟ درباره تبصره کنید.
- ۵- «آزادی بیان حق مسلم هر شهروند است.» این جمله را شرح کنید.

## کارخانه‌گی

- ۱- با در نظر داشت قواعدی که خواندید یک مقاله پیرامون اهمیت آزادی بنویسید.

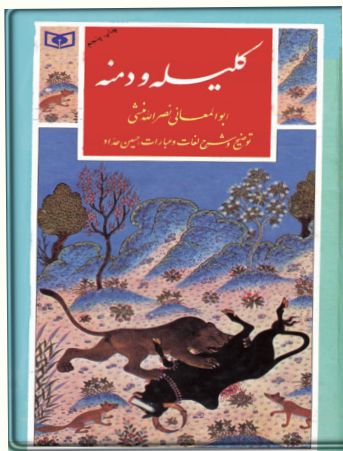
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

برگ و ساز کاینات از وحدت است      اندرین عالم حیات از وحدت است

- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.

## درس نهم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:
- ۱- در بارهٔ کلیله و دمنه چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
  - ۲- آیا کلیله و دمنه همان پنجه تنتره بوده است و چه معنی می‌دهد.
  - ۳- کلیله و دمنهٔ فعلی شامل چند باب است؟ نام ببرید. ۴- چه کسانی کلیله و دمنه را ترجمهٔ منظوم نموده‌اند؟ ۵- مقصود از تألیف کلیله و دمنه چیست؟
  - ۶- کلیله و دمنه به کدام نام‌های دیگر در ادبیات جهان معروف است؟



### کلیله و دمنه

کتاب کلیله و دمنه مجموعه‌یی ارزشمند از دانش و حکمت است که مردمان خردمند قدیم گردآوری کرده‌اند و برای فرزندان خویش به میراث گذاشته و از آن حکمت عملی و آداب زنده‌گی و زبان می‌آموختند.

اصل کتاب به زبان سانسکریت بود که به نام پنجه تنتره «panchatantra» در پنج باب فراهم آمده

است و برزویه طیب مروزی در عصر انوشیروان خسرو، پسر قباد پادشاه ساسانی آن را به پهلوی در آورد و ابواب و حکایاتی چند بر آن اضافه نمود که اغلب آن‌ها از مآخذ دیگر هندی سانسکریت بود.

این کتاب که امروز به نام‌های گوناگون کلیله و دمنه، انوارسهیلی، عیار دانش، همایون نامه و افسانه‌های بیدپای در ادب جهان معروف است که دری زبانان آن را از هندوستان آورده و خود چند باب بدان افزوده و بدین صورت تنظیم و فصل‌بندی کرده‌اند؛ همچنان در زمان سلطان بهرام‌شاه غزنوی بازم به زبان دری تکثیر شد که به نام کلیله و دمنهٔ بهرامشاهی نیز یاد می‌شود.

برای اثبات این امر که کلیله و دمنه از آثار ادبی سانسکریت اقتباس و ترجمه شده اسناد و مدارک زیاد در دست است. عنوان اصلی و کلی کتاب از نام دو شغال که در حوادث باب نخستین فعالیت دارند، گرفته شده است.

ابن ندیم کتاب کلیله و دمنه را ۱۷ و ۱۸ باب می‌داند. عبدالله بن مقفع و دیگران آن را تفسیر کرده اند؛ سپس رودکی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی آن را به نظم دری کشیده و علی بن داوود و بشر نیز آن کتاب را به شعر عربی درآورده اند. ابن خلکان می‌گوید: چند تن تألیف عربی آن را به عبدالله بن مقفع نسبت داده اند، لیکن همه مؤرخان معتقدند که عبدالله بن مقفع فقط این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است. برخی عقیده دارند که این کتاب به دستور خسرو انوشیروان به وسیله طیبی به نام برزوی یا برزویه از هندوستان به کشور ما آمد و به زبان پهلوی ترجمه شد. مسعودی (قرن چهارم) آن را به یکی از پادشاهان هند نسبت می‌دهد. فردوسی نیز آن را در شاهنامه تکرار می‌کند.

ابو المعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی، کلیله و دمنه را که در زمان بهرام شاه غزنوی ترجمه کرده، می‌گوید: «کتاب کلیله و دمنه پانزده باب است و از آن اصل کتاب که هندوان کرده اند ده باب است. و از جمله می‌توان از چند باب نام برد:

۱- باب شیر و گاو

۲- باب دوستی کبوتر نامه‌رسان

۳- باب گربه و موش

۴- باب شیر و شغال

۵- باب بوزینه و سنگ‌پشت

۶- باب زاهد و مهمان

آنچه دری‌زبانان بدان افزوده اند:

بدون تردید دو باب از ابواب کلیله و دمنه را نویسنده گان کشور ما بر آن افزوده اند: یکی داستان مأموریت برزویه در هندوستان و دیگر زنده گانی بروزیه.

کتاب پنچانتترا با کلیله و دمنه شباهت تام دارد و باید گفت سرمشق و مآخذ برزویه

طیب بوده است؛ البته حوادث اصلی کلیله و دمنه و دیگر افسانه‌هایی که در آن جمع‌آوری شده از هندوستان آمده، ولی جمع آوردن آن‌ها در یک کتاب و شکلی که این افسانه‌ها در قالب آن عرضه شده می‌تواند ابتکار برزویه یا بزرگمهر باشد.

**پنجه تئترا:** دایرةالمعارف بزرگ در این باب می‌نویسد:

پنجه تئترا مجموعه مشهور قصه‌های هندی است که به برهمنی و یشنویی منسوب است. این مجموعه که هم‌اکنون در دست است در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین و از پنج کتاب تشکیل شده: (پنچا= پنج، تئترا= اندرز) جدایی دوستان، به دست آوردن دوستان، جنگ بومان و زاغان، از دست دادن مزایای مکتب و فاعل اعمال نسنجیده.

کتاب اصلی، به وسیله برهمنی و یشنویی گردآوری شده که در قرن سوم پس از میلاد در کشمیر می‌زیسته است. این کتاب شامل یک مقدمه و پنج باب است که هریک به نام «تئترا» نامیده شده و مقصود از آن آموختن فن زنده‌گی و حکمرانی به شاهزاده‌گان است. این کتاب، پیراسته و آراسته به معانی عالی و انواع صنایع لفظی و معنوی کلام می‌باشد و صنایع آن چنان طبیعی آورده شده که خواننده کمتر متوجه آن می‌گردد. کلیله و دمنه ترجمه و تحریر نصرالله منشی از لحاظ انشاء و تحریر بهتر و برتر از همه ترجمه‌های دیگر است. نصرالله منشی در این کتاب کالبد اصلی داستان را از ترجمه ابن مقفع می‌گیرد و مانند معماری هنرمند که با ظرافت و نازک کاری عمارتی را به انجام می‌رساند، با ذوق و طبع سلیم خود کتاب را از نظر کمی و کیفی پربارتر می‌کند. از نظر کمی، علاوه بر افزودن چند باب، داستان‌ها را گسترش می‌دهد، در میان داستان، عبرت‌آموزی‌ها می‌کند، هر جا لازم بداند، تمثیل و یا تلمیحی می‌افزاید؛ به آیات قرآنی و احادیث نبوی استشهاد می‌کند اشعار دری و عربی را متناسب مقال می‌آورد. از نظر کیفی نثر کلیله و دمنه مصنوع است، اما تصنعی نیست و به همین جهت برای خواننده آن چنان که نثرهای مشابه او دشوار است دشوار نمی‌نماید. عبارات پرمغز و پرمعنی و مؤجز، در سراسر کلیله و دمنه فراوان است. داستان‌های کلیله و دمنه مانند زنجیری که حلقه‌هایش به هم پیوند خورده است؛ بهم متصل می‌باشد.

کلیله و دمنه: در اصل دو شغال است و این کتاب معروف که اصول اخلاق را به طرز اکثر حکایت‌ها از زبان وحوش بیان می‌کند از کتاب‌های مشهور دری است.

پنجه تتره: پنجه به معنای پنج و تتره به معنای اندرز است، پنجه تتره به معنای پنج اندرز یا پنج کتاب می‌باشد که در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین یافته است. عبدالله بن مقفع: کسی که کتاب کلیله و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه نموده است، ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبد الحمید منشی، کسی که کتاب کلیله و دمنه را از عربی به دری ترجمه نموده است.



### بیاموزیم

۱. اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان سانسکریت بوده که به نام پنجه تتره یاد می‌شود و به معنای پنج اندرز و یا پنج کتاب می‌باشد که بعداً ابواب و حکایاتی چند بر آن افزوده شده است.
۲. کتاب کلیله و دمنه را رودکی سمرقندی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی ترجمه منظوم نموده اند.
۳. این کتاب پیراسته و آراسته به معانی و انواع صنایع لفظی و معنوی است.

## درست بنویسیم



• هرگاه حرف اخير واژه يی «واو» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می شود که همیشه با واژهٔ پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

- پسوند جمع «ان»: ماهرو + ی = ماهرویان، بدخویان، نیکویان....
- پسوند اسم معنی «ی»: نیکو + ی + ی = نیکویی، جادویی، بدخویی....
- پسوند تنکیر «ی»: ترسو + ی = ترسویی، کامجویی، آرزویی....
- پسوند صفت نسبتی «ی»: لیمو + ی + ی = لیمویی، آهویی
- هرگاه حرف پایانی واژه، «واو» باشد در پیوند با پسوند تصغیر «-ک» در میان واژه و پسوند «-گ» علاوه می شود که همیشه بعد از واژه باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: جاروگک، کدوگک، ترسوگک.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب کلیله و دمنه به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارهٔ پنجه تتره معلومات دهد.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد، به صورت املا در کتابچه هایتان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعد املايي که خواندید، در کتابچه های تان چند کلمه از پسوند تنکیر (ی) و پسوند صفت نسبتی بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- کلیله و دمنه چیست؟ و دربارهٔ چه بحث می‌کند؟
- ۲- پنجه تنتره چه معنی دارد؟
- ۳- پنج باب از کتاب کلیله و دمنه را نام بگیرید.
- ۴- کتاب کلیله و دمنه چه نوع حکایت‌هایی را بیان می‌کند؟
- ۵- چه کسانی تا کنون کتاب کلیله و دمنه را به نظم در آورده‌اند؟

## کارخانه‌گی

- ۱- نکات مهم درس خوانده شده را یادداشت نمایید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
بیدل از معنی طرازی بر کمال خود ملاف  
گرد ساحل باش، این موج از محیط دیگر است
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان معرفی شود و شاگرد باید طوری صحبت کند که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- تعریف علمی و دقیق شعر را بیان دارید.
- ۲- انواع شعر را از نظر قالب و شکل نام ببرید.
- ۳- درباره قافیه و ردیف چه می‌دانید؟ بگویید.
- ۴- مطلع و مقطع را توضیح دهید.

## شعر دری از لحاظ قالب شعری

- انواع شعر دری را از لحاظ شکل و قالب می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:
- ۱- انواع شعر کلاسیک که عبارت است از: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه، مسقط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و دویتی.
  - ۲- انواع شعر معاصر که عبارت است از: شعر نو و یا شعر نیمایی، شعر سپید....

### انواع شعر از نظر شکل

شعر، کلام موزون، مقفی مخیل بوده که بیان‌کننده احساسات و عواطف می‌باشد. یا به عبارت دیگر: شعر پیوند گره‌خورده نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.

**بیت و مصراع:** مصراع، در لغت به معنای یک لنگه و در اصطلاح حد اقل سخن موزون و نیمی از یک بیت است. بیت در لغت به معنای خانه و در اصطلاح حد اقل شعر است که از دو مصراع تشکیل شده باشد.

### قصیده

قصیده شعری است بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع مربوط به یک‌دیگر در باره موضوع و مقصود خاص از ستایش یا نکوهش، تهنیت یا تعزیت، شکر یا شکایت، فخر یا حماسه، پند و حکمت و یا مسایل اجتماعی و اخلاقی و عرفانی، در حد اقل پانزده بیت و به طور متوسط از بیست تا هشتاد بیت می‌باشد. کمی یا زیادی بیت‌های قصاید بسته‌گی دارد به اهمیت موضوع، قدرت و قوت طبع شاعر و نوع قافیه و اوزان شعری،

**مطلع و مقطع:** در اصطلاح شعرا بیت اول غزل و قصیده را مطلع و بیت آخر را مقطع می‌گویند.

**حسن مطلع و حسن مقطع:** اگر بیت اول غزل یا قصیده‌یی خوب و مرغوب و زیبا باشد، می‌گویند دارای «حسن مطلع» است. و اگر بیت آخر آن‌ها مطبوع و دلپسند شده



باشد، می‌گویند دارای «حسن مقطع» است.

**تشبیب، نسیب، تغزل:** هر سه لغت در فرهنگ‌ها مترادف یک‌دیگر و به معنی غزل گفتن و سخن عاشقانه سرودن است. در اصطلاح شعرا، پیش‌درآمد اوایل قصیده است که مانند مقدمه‌یی در بیان زیبایی‌های محبوب و حکایت حال عشق و عاشق، شور و شوق و لذت وصل، رنج هجر و فراق، یا وصف مناظر طبیعت از کیفیت فصول، آسمان، زمین، کوه، دریا، دشت و صحرا و امثال آنهاست، آن‌گاه شاعر به مناسبتی شیرین و گیرا و بیانی لطیف از این مقدمه به اصل مقصود قصیده: از قبیل مدح و ستایش یا تهنیت و تعزیت و نظایر آن‌گریز می‌نماید، بنابر این تشبیب... در حقیقت پیش‌آهنگ قصیده و زمینه‌سازی شاعر است برای ورود به اصل مقصود.

**تخلیص در قصیده:** این تخلیص به معنی گریززدن و منتقل شدن از تشبیب و پیش‌درآمد است به اصل مقصود قصیده. همان طوری که در ضمن بیان تشبیب بدان اشاره شد. این گریززدن به وسیلهٔ بیتی که آن را «بیت تخلیص نامند، صورت می‌گیرد. حال اگر شاعر این بیت را به زیبایی و گیرایی و مناسبت لطیف سروده و با مهارت و استادی از تشبیب به اصل موضوع قصیده خود را رسانده باشد؛ به کار او «حسن تخلیص» می‌گویند.

#### نمونهٔ قصیده:

|   |   |
|---|---|
| مگر هشیارمرد، ای مرد هشیار<br>خردمند است بار و بی‌خرد خار<br>که خرم‌ا در میان خار بسیار<br>به یمگان چون نشینی خوار و بی‌یار؟<br>نکو بنگر، گرفتارم مپندار<br>به سنگ‌اندر گرفتارند یا خوار<br>مرا اینجا بسی عز است و مقدار<br>ز بی‌قدری صدف لولوی شهوار<br>سپیداری سپیداری سپیدار<br>که بارش گوهر است و برگ دینار<br>کرا دل روشن است و چشم بیدار<br>ناصر خسرو | نبینی بر درخت این جهان بار<br>درخت این جهان را سوی دانا<br>نهان اندر بدان نیکان چنانند<br>مرا گویی «اگر دانا و حُرّی<br>به زنه‌ار خدایم من به یمگان<br>نگوید کس که سیم و گوهر و لعل<br>اگر خوار است و بی‌مقدار یمگان<br>نشد بی‌قدر و قیمت سوی مردم<br>اگر بار خرد داری، و گرنی<br>نماند جز درختی را خردمند<br>به از دینار و گوهر علم و حکمت |
|---|---|

**غزل:** در لغت به معنای حدیث عشق و عاشقی گفته شده است، و در اصطلاح شعرا اشعاری است که بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع. تعداد ابیات آن به طور متوسط از پنج تا دوازده بیت و گاهی تا حدود شانزده بیت و به ندرت نزده و بیست بیت است. لکن کمتر از پنج بیت - سه چهار بیت - را می توان غزل نامید. غزل تنها، در مضامین عشق و عاشقی سروده نمی شود؛ بلکه ممکن است متضمن مضامین اخلاقی و دقایق حکمت و معرفت و عرفان و جزء آن باشد.

### از طیب اصفهانی

|                               |                                |
|-------------------------------|--------------------------------|
| غمت در نهان خانه دل نشیند     | به نازی که لیلی به محمل نشیند  |
| به دنبال محمل چنان زار گریم   | که از گریه ام ناقه در گل نشیند |
| خلد گر به پا خاری آسان بر آرم | چه سازم به خاری که در دل نشیند |
| مرنجان دلم را که این مرغ وحشی | زبامی که برخاست به مشکل نشیند  |
| بنامز به بزم محبت که آن جا    | گدایی به شاهی مقابل نشیند      |

طیب، از طلب در دو گیتی میاسا

کسی چون میان دو منزل نشیند؟

**مثنوی:** اشعاری بر یک وزن اما هر بیت آن دارای قافیه مستقل است. یعنی دو مصرع هر بیت هم قافیه است. چون هر بیت آن مستلزم دو قافیه یا هر دو مصرع ابیات مقفاست، به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست و به همین دلیل از آن برای به نظم در آوردن تواریخ، قصص و افسانه های طولانی استفاده می شود؛ مانند:

مثنوی مولوی

|                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| بشنو از نی چون حکایت می کند    | از جدایی ها شکایت می کند     |
| کز نیستان تا مرا بریده اند     | از نفیرم مرد و زن نالیده اند |
| سینه خواهم شرحه شرحه از فراق   | تا بگویم شرح درد اشتیاق      |
| هر کسی کو دور ماند از اصل خویش | باز جوید روزگار وصل خویش     |
| من به هر جمعیتی نالان شدم      | جفت بد حالان و خوش حالان شدم |
| هر کسی از ظن خود شد یار من     | از درون من نجست اسرار من     |
| تن زجان و جان ز تن مستور نیست  | لیک کس را دید جان دستور نیست |
| آتش عشقست کاندر نی فتاد        | جو شش عشقست کاندر می فتاد    |
| همچو نی زهری و تریاقی که دید   | همچونی دمساز و مشتاقی که دید |
| نی حدیث راه پر خون می کند      | قصه های عشق مجنون می کند     |

## رباعی

شعری است در دو بیت با مطلع و مصرع بروزن (لا حول ولا قوة الا بالله) که رعایت قافیه در دو مصرع بیت اول و مصرع چهارم الزامی و در مصرع سوم اختیاری است. جامی است که عقل آفرین می‌زندش صد بوسه زمهر بر جبین می‌زندش این کوزه گر دهر، چنین جام لطیف می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش خیام

جز من اگرت عاشق شیدا است، بگو      ورمیل دلت به جانب ماست بگو  
ور هیچ مرا در دل تو جاست، بگو      گر هست بگو، نیست بگو، راست بگو  
مولوی

## دو بیتی

شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی؛ اما در وزن با آن فرق دارد. به عبارت دیگر شعری است با مطلع مصرع، ولی از حیث وزن محدودیت رباعی را ندارد. یعنی قافیه در هر دو مصرع بیت اول و مصرع چهارم رعایت شده باشد و آوردن قافیه در مصرع سوم اختیاری است؛ مثال:

زدست دیده و دل هر دو فریاد      که هر چه دیده بیند دل کند یاد  
بسازم خنجری نیشش ز فولاد      زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

## قطعه

نوع ابیاتی است بر یک وزن و قافیه بدون مطلع مصرع، که از اول تا آخر همه مربوط به یک‌دیگر، راجع به یک نوع موضوع اخلاقی و حکایت شیرین با مدح و هجو و تهنیت و تعزیت و امثال آن باشد. حد اقل قطعه دو بیت و حد اکثر پانزده بیت است. ولی بر حسب ضرورت تا حدود پنجاه بیت و بیشتر از آن نیز گفته‌اند. در این صورت فرق آن با قصیده همان است که قطعه دارای مطلع و مصرع نیست، یعنی قافیه را از آخر بیت اول آغاز کرده و در مصرع اول نیاورده‌اند. اما قصیده شرط است که دارای مطلع مصرع باشد. کلمه قطعه به معنای یک پاره از هر چیزی است و چون این نوع شعر شبیه پاره‌یی از ابیات قصیده است، آن را «قطعه» نامیده‌اند؛ مثال:

دوست مشمار آن که در نعمت زند      لاف یاری و برادر خوانده گی  
دوست آن باشد که گیرد دست دوست      در پریشان‌حالی و درمانده گی

(سعدی)

## ترجیع بند و ترکیب بند

آن است که از چند قسمت اشعار مختلف تشکیل شده باشد، همه در وزن یکی و در قافیه مختلف، به این شرح که چند بیت بر یک وزن و قافیه مخالف باشد و همچنان این عمل را چند بار تکرار کنند به طوری که در فواصل همه بخش‌ها بیتی منفرد آمده باشد.

پس هر گاه یک بیت را در فواصل عیناً تکرار کرده باشند آن نوع شعر را «ترجیع بند» و اگر ابیات فواصل با یک‌دیگر فرق داشته باشد، آن نوع شعر را «ترکیب بند» خوانند.

زباغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید      کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید  
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید      تولختی صبر کن چندان که قمری بر خیار آید

بدین شایسته گی جشنی بدین بایسته گی روزی  
ملک را در جهان هر روز، جشنی باد و نوروزی

## مسمط

نوعی از قصیده یا اشعاری است هم وزن، مرکب از بخش‌های کوچک که همه در وزن و عدد مصراع‌ها یکی و در قوافی مختلف باشد؛ مثلاً: در ابتدا پنج مصراع بر یک وزن و قافیه بگویند و در آخر مصراع‌ها یک مصراع دیگر بیفزایند که در وزن مشترک ولی در قافیه متفاوت باشد. از مجموع آن شش مصراع یک بخش تشکیل می‌شود که آنرا به اصطلاح شعرا، یک رشته از مسمط گویند و در رشته دوم باز پنج مصراع بر یک قافیه بگویند که با رشته اول در وزن یکی و در قافیه مختلف باشد، اما مصراع ششم را بر همان وزن و قافیه بیاورند که در آخر رشته اول بود؛ مانند:

کرده گلو پر ز باد، قمری سنجاب پوش      کبک فرو ریخته، مشک به سوراخ گوش  
بلبلکان بانشاط، قمریکان با خروش      در دهن لاله مشک، در دهن نخل نوش  
سوسن کافوربوی، گلبن گوهر فروش      وزمه اردیبهشت کرده بهشت برین

## مستزاد

مستزاد به شعری گفته می‌شود که در آخر هر مصراع از «رباعی» یا «غزل» و «قطعه» پاره مصراع یا حمله‌یی از نوع نثر موزون مسجع افزوده گردد، که از لحاظ معنی با آن مصرع مربوط است؛ مانند مستزاد زیر از ابوسعید ابی‌الخیر:

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار      این است شریعت  
مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار      این است طریقت

گر حاجت خود ببری به درگاه خدا  
 با صدق و صفا  
 ز نهار مبر حاجت خود در بر خلق  
 با جامهٔ دلق  
 حاجات تو را کند خداوند روا  
 بی چون و چرا  
 کز خلق نیاید کرم و جود و عطا  
 بی شرک و ریا

سنایی

### شعر معاصر

این اصطلاح به مجموعهٔ اشعاری که در نیم قرن اخیر خارج از اسلوب متقدمان سروده شده است، اطلاق می‌شود. در این زمینه می‌توان شعر معروف علی اکبر دهخدا را مثال آورد:

ای مرغ سحر، چون این شب تار  
 وز نفخهٔ روح بخش اسحار  
 بگذاشت ز سر سیاه کاری  
 رفت از سر خفته گان حماری

بعد از دهخدا، برخی از شاعران معاصر؛ مانند: ملک الشعرا بهار و ابوالقاسم لاهوتی و دیگر شاعران متجدد به ساختن دوبیتی‌های پیوسته (رباعی) پرداختند؛ مانند: قطعهٔ «کبوتران من» اثر ملک الشعرا بهار که بند نخستین آن چنین است:

بیا بیا ای کبوترهای دلخواه  
 پیرید از فراز بام و ناگاه  
 بدن کافور گون، پاها چو شنگرف  
 به گرد من فرود آید، چون برف

در همان هنگام که این دسته از شاعران با موازین عروضی قدیم در حد اعتدال سرگرم تحولی بودند، نیما یوشیج در مجلهٔ موسیقی (۱۳۱۸ هـ. ش.) به نشر شعرهایی پرداخت که در آن‌ها علاوه بر تازه‌گی در بیان، تشبیهات، استعارات و موازین عروضی شعر دری نیز به شیوهٔ قدیم رعایت نشده بود. این گونه شعرها در سال‌های پس از ماه اسد ۱۳۲۰ هـ. ش. طرفدارانی یافت که اکنون یکی از انواع رایج شعر امروز دری است و اصطلاحاً آن را «شعر نو» و گاهی «شعر نیمایی» می‌گویند؛ یعنی شعری که در یکی از وزن‌های عروضی قدیم سروده می‌شود؛ اما شاعر برحسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و هم‌چنین در به کار بردن قافیه، آزاد است. به عنوان نمونه بخشی از قطعهٔ «مهتاب» نیما یوشیج در زیر نقل می‌شود:

می تراود مهتاب  
 می درخشد شبتاب  
 نیست یک‌دم شکند خواب به چشم کس و لیک،  
 غم این خفتهٔ چند،

خواب در چشم ترم می‌شکند  
 نوعی دیگری از شاخه‌های تحول شعر دری که در آن وزن مطلقاً رعایت نمی‌شود؛

بلکه بیشتر کوشش در انتخاب کلمه و توجه به تخیل و اندیشه است که به «شعر سپید» معروف شده است.

**ت**  
**تو**  
**فیدیا**

عروض: میزان شعر، جزء اخیر از مصراع اول بیت، اعاریض جمع و نیز به معنای ناحیه، کرانه و گوشه، راه در کوه، و نام علمی که به وسیله آن به اوزان شعر و تغییرات آن پی می‌برند.  
عرفان: شناختن، شناختن حق تعالی، خداشناسی



### بیاموزیم

- ۱- شعر کلام موزون، مقفی و مخیل بوده که بیان کننده احساسات و عواطف می‌باشد. یا به عبارت دیگر: شعر پیوند گره‌خورده نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.
- ۲- انواع شعر دری از لحاظ قالب شعری عبارت است از قصیده، غزل، مثنوی، رباعی قطعه، مسقط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و دوبیتی.
- ۳- شعر نو شعری را گویند که در یکی از وزن‌های عروضی سروده می‌شود، اما شاعر بر حسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و هم‌چنین در به کار بردن قافیه آزاد است.



### درست بنویسیم

• هر گاه حرف آخر واژه‌یی «واو» باشد، هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، «الف» از آغاز همه این‌ها، به استثنای (اند)، حذف می‌شود؛ مانند:

- استم: نیکوستم
  - استیم، بدخوستیم
  - استی: خوبروستی
  - استید: کامجوستید
  - است: جادوست
  - استند: ماهروستند
- اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند: نامجویند، ترسویند، نیکویند.

## کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از نظر قالب به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده فرق رباعی و دوبیتی را توضیح دهد.

۳- چند تن از شاگردان، این تصویر را با موضوع فراغت از مکتب ارتباط داده در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌هایتان بنویسید.
- ۲- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده، چند واژه دیگر بنویسید.

## خود آزمایی



- ۱- از انواع شعر از لحاظ قالب نام بگیرید.
- ۲- قافیه، و ردیف را تعریف و با ارائه مثال شعری واضح سازید.
- ۳- در باره مطلع و مقطع چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
- ۴- مسمط و مستزاد را تعریف کنید.
- ۵- در باره شعر معاصر معلومات دهید.

## کارخانه‌گی



- ۱- در مورد شعر نو مطالب تهیه نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
- ۲- این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:  
از در خویش خدا را به بهشتم مفرست  
حافظ، از مشرب قسمت گله بی انصافی است  
که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس  
طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. سخنرانی چه اهمیت دارد؟
۲. چرا سخنرانی را باید تمرین کنیم؟
۳. ویژه‌گی‌های گفتار و سخن کدام است؟

## آیین سخنرانی

از روزی که انسان به نیروی اعجاب‌انگیز کلام پی برد، همیشه مایل بوده که بتواند در میان جمع به خوبی صحبت کند و با قدرت کلام، دیگران را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما موانع زیادی هم وجود دارد که بعضی‌ها را از صحبت کردن برای دیگران باز میدارد.

بسیار مشاهده شده که اشخاص فعال و پرتلاش به این دلیل که نتوانسته‌اند حاصل فعالیت‌های خود را با بیانی رسا و شیوا برای مخاطبان طرح کنند، در کارهای خود موفقیت چندانی نداشته‌اند. واضح است که اگر یک سخنران، کلام فصیح، بلیغ و اثرگذار نداشته باشد، نمی‌تواند آنچنان که باید و شاید در عرصه‌های رقابت، نقد پرسش و پاسخ و گزارشدهی موفق باشد.

سخن‌گفتن و بیان مطلوب، کاری است که می‌تواند به نوعی در نایل آمدن به اهداف و پیشبرد برنامه‌های شما کمک شایانی کند. شاید برای تان پیش آمده باشد که با سخنی مناسب، تاثیرگذار و پرجاذبه، عده‌یی را با نظر و خواسته خود موافق و همراه کرده باشید و چه بسا گاهی اتفاق افتاده که به خاطر نداشتن نفوذ کلام و عدم ارتباط مطلوب، نتوانسته‌اید در این کار توفیق چندانی داشته باشید.

در هر حال زبان، گفتار و سخن، موهبتی است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف زنده‌گی، کار و حیات فردی، گروهی و اقتصادی شما دیگرگونی‌های قابل توجهی ایجاد کند. پس برای این که بتوانید این موهبت را به گونه‌ی شایسته به کار گیرید، در قدم نخست باید ویژه‌گی‌های گفتار و سخن را دانسته و پس از آن بیاموزید که خصوصیت یک سخنرانی اثربخش کدام است.



## ویژه‌گی‌های گفتار و سخن

- یک سخنران خوب، وقتی موفق است که سخنانش از ویژه‌گی‌های زیر برخوردار باشد:
۱. تکیه بر منطق و پایه‌های علمی داشته باشد.
  ۲. از روی احساسات و بغض نباشد.
  ۳. منفعلانه و یا از روی عصبانیت و تعجیل نباشد.
  ۴. منقطع، بریده‌بریده و نامفهوم نباشد.
  ۵. به خاطر خوشی این و آن و یا به خاطر دشمنی با کسی به زبان نیاید.
  ۶. بیهوده، پراکنده و بی‌پروا و بی‌ادبانه نباشد.
  ۷. شفاف، صریح، ساده و بی‌پیرایه و درعین حال مستحکم، ماندگار و جامع و مانع باشد.
  ۸. بی‌روح و گنگ نباشد.

## ویژه‌گی‌های سخنرانی اثربخش

- برای این که شما سخنران خوبی باشید و سخنرانی‌تان از اثربخشی خاصی برخوردار باشد، رعایت نکات زیر را فراموش نکنید:
۱. قبل از همه، برای سخنران شدن جرأت و اعتماد به نفس را درخویش پیورانید و ترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
  ۲. پیش از شروع سخنرانی، ذهن‌تان را آماده موفقیت کنید و برخورد بقبولانید که موفق می‌شوید.
  ۳. باید دقیق بدانید که در اطراف چه موضوعی می‌خواهید صحبت کنید. پس از تعیین موضوع، برمعلومات خویش در مورد آن موضوع بیفزایید.
  ۴. موضوعاتی را که می‌خواهید در سخنرانی به دیگران بگویید، پیش از پیش منظم و مرتب کنید.
  ۵. از چند تن همصنفان، دوستان و یا اعضای خانواده‌تان بخواهید که به عنوان شنونده در مقابل شما نشسته و به سخنرانی شما گوش دهند. هر موقعی که فرصت دست داد این، کار را تمرین کنید.
  ۶. هیچ وقت متن سخنرانی‌تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
  ۷. موضوع صحبت خود را با آنچه که شنونده‌گان در زنده‌گی با آن روبرو هستند، ارتباط دهید.
  ۸. از به کار بردن واژه‌های ثقیل و نامأنوس، جمله‌های مود روز و اصطلاحات فنی و تخصصی خودداری کنید.

۹. در هنگام سخنرانی، حواس خود را از محرکات منفی که شما را آشفته می‌سازد، دور نگه دارید.
۱۰. درباره چیزی حرف بزنید که از طریق تجربه یا مطالعه، حق حرف زدن درباره آن را به دست آورده اید.
۱۱. کوشش کنید در هر هفته یا دو هفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید.
۱۲. در ابتدای سخنرانی یک زنده‌گینامه مختصر و مفید از خود برای حاضران ارائه دهید. این کار باعث می‌شود که مخاطبان شما را بیشتر باور کنند.
۱۳. سخنرانی برای یک جمع کوچک و کم‌تعداد به مراتب بدون دردسر از یک سخنرانی با تعداد زیادی از مخاطبان است. در این گونه موارد بایستی با استفاده از حرکات دست، ایما و اشاره و اداره مناسب زمان، کار سخنرانی را به پیش برد.
۱۴. ممکن است در بخش پرسش و پاسخ و یا در خلال سخنرانی عده‌ی پرسش‌های غیر معمول داشته باشند. باید مراقب باشید که در دام آن‌ها گرفتار نشوید، چون در آن صورت، مجلس از دست شما خارج خواهد شد. در این گونه موارد بهتر است اول تکلیف را روشن و بیان کنید که به پرسش‌های خارج از موضوع و یا در لابه‌لای برنامه سخنرانی پاسخ نخواهید داد.
۱۵. با آوردن مثال‌های ملموس، کاربردی و روزمره، جملات، اشعار، ضرب‌المثل‌های معروف، خاطرات جذاب، تجارب گذشته، یافته‌های علمی و... گه‌گاه فضای سخنرانی را تلطیف کنید، تا سخنرانی تان کسالت‌آور و خسته‌کننده نباشد. برای این که قدرت و توانایی این کار در وجود شما تقویت یابد، مطالعه همیشه‌گی کتاب‌های مختلف را از یاد نبرید.
۱۶. مطالب خود را در حد امکان خلاصه و کوتاه بگویید و برای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل و کلمات کلیدی سخنرانی تهیه و آماده کنید، تا روند سخنرانی و ارائه مطالب روال معقول و خوشایندی داشته باشد.
۱۷. هر گونه حرکات حاضران را زیر نظر داشته باشید. ممکن است هر حرکت آنان پیامی به دنبال داشته باشد؛ مثلاً: اگر آن‌ها زیاد به ساعت خود می‌بینند، یا بر روی چوکی به طور متداوم جابه‌جا می‌شوند و یا کارهایی مشابه انجام می‌دهند، احتمالاً بدین معنا است که: الف) خسته شده‌اند؛ ب) وضعیت تنفس و هوای مکان برگزاری مناسب نیست؛ ج) شما بیش از وقت تعیین شده صحبت کرده‌اید؛ د) مطالب سخنرانی دیگر جاذبه و پذیرش لازم را ندارند.
۱۸. در بین سخنرانی پراثری و پویا باشید. در حقیقت روح شادابی و نشاط را به

حاضران انتقال بدهید و آن‌ها را متمایل کنید تا پایان همراه شما باشند.  
۱۹. میکروفون همان قدر که می‌تواند در کیفیت کار شما اثر خوب داشته باشد، همان قدر هم می‌تواند آزاردهنده و اذیت‌کننده باشد. پس باید مراقب میکروفون باشید.

۲۰. نوع به کارگیری و هنر استفاده از دست‌ها و قدرت آن‌ها در فهم و انتقال مطالب خیلی مهم است.

۲۱. نوع پوشش و لباس هم بی‌تأثیر در ارائه سخنرانی نیست. لباس‌های رنگ و رو رفته، پرچین و چروک و ناصاف، آرایش موی و روی و... هر کدام عواملی اند که می‌توانند کار شما را تحت الشعاع قرار دهند.

۲۲. گاهی می‌توان از نمایش سلاید و برنامه‌های کمپیوتری؛ مانند: پاورپاینت شعر، داستان‌های کوتاه و وسایل سمعی و بصری برای انتقال بهتر مطالب استفاده کرد. بر علاوه جدول‌های اعداد و ارقام و تخته سیاه و سفید هم به شما کمک می‌کند.

۲۳. فضا و شرایط حاکم بر جلسه سخنرانی را به خوبی ارزیابی کنید. اگر احساس کردید که شنونده‌گان ظرفیت حرف‌های شوخی و مزاح را ندارند، از شوخی با آنان پرهیز کنید. همیشه ممکن است عده‌بی ماجراجو در مجلس سخنرانی وجود داشته باشند. باید بتوانید آن‌ها را اداره کنید تا اوضاع را بر هم نزنند.

۲۴. در پایان سخنرانی، یک چکیده در چند خط از موضوع و محتوای سخنرانی ارائه دهید. سعی کنید از علم روانشناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی برای ارائه سخنرانی بهتر بهره بگیرید. کوشش کنید که صحبت خود را با شوخی پایان دهید.

۲۵. بزرگ کردن خود را در کوچک پنداشتن و تحقیر دیگران نبینید. افکار عمومی قاضی و داور خوبی در مورد سخنان و اهداف شما استند.

۲۶. هر قدر شتاب و تعجیل در بیان کلمات و جملات بیشتر باشد، امکان اشتباه هم بیشتر می‌شود، پس شمرده و با اعتماد به نفس صحبت کنید.

**توضیحات**  
برای این که سخنرانی اثر بیشتری در شنونده‌گان داشته باشد، نه تنها موارد ذکر شده بالا دارای اهمیت اند، بلکه وقت برگزاری سخنرانی، مکان برگزاری سخنرانی، تنظیم وسایل، موقعیت برگزارکننده‌گان و شرکت‌کننده‌گان (مخاطبان) را نیز نمی‌توان از یاد برد.



## بخوانیم و بدانیم

۱. یک سخنران خوب وقتی در کار خود موفق است که ویژه‌گی‌های سخن را مد نظر داشته باشد.
۲. برای سخنران شدن جرأت و اعتماد به نفس را در خویش بپرورانید و ترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
۳. هیچ وقت متن سخنرانی تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
۴. کوشش کنید در هر هفته یا دو هفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید و ازدوستان و آشنایان تان بخواهید که به سخنرانی شما گوش فرا دهند.
- مطالب خود را حتا الامکان خلاصه و کوتاه بگویید و برای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل و کلمات کلیدی سخنرانی تهیه و آماده کنید.
۵. چهرهٔ بشاش، احترام و رعایت ادب و کرامت انسانی، استفاده از ضرب‌المثل‌های دلنشین و درک روحیات، عواطف و تمایلات شنونده‌گان، نکات با اهمیتی هستند که نباید از آن‌ها غفلت کرد.



## درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، {واو} باشد، هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشان) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان)، بازهم در میان واژه و پسوند یک {ی} علاوه می‌شود؛ اما این {ی} نیز به صورت مستقل نوشته شده، باضمایر پسین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:
  - خود: سوی خود، جادوی خود، نیکوی خود.
  - خویش: آبروی خویش، گلوی خویش، بوی خویش.
  - خویشان: آرزوی خویشان، آبروی خویشان، تکاپوی خویشان.
  - تان: شفتالوی تان، کدوی تان، بازوی تان.
  - شان: ترازوی شان، چاقوی شان، ناجوی شان.
  - مان: هیاهوی مان، بازوی مان، گلوی مان.
- اما اگر حرف پایانی واژه {واو} باشد و هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (ت)، (م) و (ش) قرار گیرد، بازهم همان {ی} در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما {ی} باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

- ت: گیسویت، ابرویت، آهویت.
- ش: آرزویش، سویش، بازویش.
- م: آرزویم، آبرویم، ماهرویم.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده با هم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نماینده گروه اول درباره «ویژه‌گی‌های سخن و کلام» و نماینده گروه دوم در مورد «ویژه‌گی‌های سخنران خوب؛ سخنرانی کنند».
۲. چند تن از شاگردان، در مورد تصویر زیر در برابر صنف سخنرانی نمایند.



### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. در مورد «ضرورت سخنرانی» یک متن هفت سطری بنویسید.

### خود آزمایی

۱. ویژه‌گی‌های سخن و کلام را بیان کنید.
۲. اگر حرف آخری واژه، {واو} باشد، هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (ت)، (م) و (ش) چگونه نوشته می‌شود؟ با مثال‌هایی خارج از کتاب درسی واضح سازید.
۳. پنج مشخصه از ویژه‌گی‌های سخنرانی مؤثر را بیان کنید.
۴. برای این که سخنران خوبی شویم، چه کارهایی را باید انجام دهیم؟

### کارخانه‌گی

۱. در مورد «آداب سخنرانی» مقاله‌یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
دستگاه معنی نازک، سخن رازیوراست  
جوهر این تیغ جز پیچ و خم اندیشه نیست  
بیدل
۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- علم معانی را تعریف کنید.
- ۲- فرق میان وصل و فصل چیست؟ بیان دارید.
- ۳- در بارهٔ ایجاز و اطناب چه می‌دانید؟
- ۴- فرق میان خبر و انشاء را واضح سازید.
- ۵- چه چیزی پیرامون مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌کند؟

## علم معانی

«معانی» جمع معنی است و منظور از «معنی» در این علم، «مقصود» و «غرض» است و به گفتهٔ علمای علم بلاغت، علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود. کلام معمولاً دو معنی دارد، یکی معنای عرفی که کلام برای آن وضع شده و معنای اصلی و اولی آن است، و دیگر معنایی است که گویندهٔ بلیغ در نظر می‌گیرد تا به گونهٔ لطیف سخن را متناسب با حال و مقام و شأن مخاطب بیان کند.

در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه صورت می‌گیرد که سبب سازگاری کلام با مقتضای حال و تأثیر و رسوخ آن در نفس شنونده می‌شود؛ مثلاً: اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب، یا برای شنوندهٔ عارف اشاره‌یی کافی است و برای عامی و ناآشنا سخن مشروح و مفصل مناسب است. اگر ذهن شنونده خالی است و احساس مثبت یا منفی خاصی نسبت به معنای مورد نظر ندارد، سخن باید بی‌تأکید، ادا شود؛ اما اگر شنونده تردیدی نسبت به موضوع دارد یا منکر آن است، تأکید، مناسب و ضروری است.

علم معانی را به صورت‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند. سکاکی آن را چنین تعریف می‌کند:

(( قواعدی است که به واسطهٔ آن، احوال لفظ شناخته می‌شود؛ احوالی که به سبب

آن‌ها، لفظ با مقتضای حال برابری کند. ))

همین تعریف به صورت‌های گوناگون؛ اما با یک مفهوم در مآخذ دیگر آمده است

که ماحصل آن، این است:

((علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به یاری آن کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود. موضوع آن الفاظی است که رسانندهٔ مقصود متکلم باشد، و فایدهٔ آن آگاهی بر اسرار بلاغت در نظم و نثر.)) در این علم در حقیقت، یک طرف قضیه گوینده است و طرف دیگر مخاطب یا شنونده، و قسمت مهم علم

معانی مربوط است به احوال شنونده یا مخاطب، همچون آگاهی یا عدم آگاهی مخاطب، حال و حوصله او، پذیرش یا انکار یا عناد او... این فن را به چند مبحث تقسیم کرده اند:

۱- اسناد خبری

۲- احوال مسندالیه

۳- احوال مسند

۴- انشا

۵- قصر و حصر

۶- فصل و وصل

۷- ایجاز، اطناب، مساوات

گاه در سخن جمله‌هایی می‌بینیم که در معنای حقیقی خود به کار نرفته اند؛ مثلاً: به پسری که تلویزیون را دست کاری می‌کند می‌گویید: «آفرین! خرابش کن!» این جمله از لحاظ دستوری مفهوم امری دارد؛ اما مقصود شما امر نیست بلکه نهی است؛ یعنی «دست نزن! خراب می‌شود.»

در اینجا جمله را در معنای نهی به کار برده اید، و یا به دوستی که عازم سفر است، و چیزی به حرکت قطار نمانده است، می‌گویند: «قطار رفت» و مراد شما این است که «عجله کن قطار ممکن است برود» می‌بینید که چنین جملاتی در این «موقعیت»ها در معنای واقعی خود به کار نمی‌روند؛ بلکه معنای ثانویه آن‌ها مورد نظر است. جابه‌جایی و یا حذف اجزای جمله نیز در معنای جمله‌ها تغییراتی ایجاد می‌کند، به این سه جمله دقت کنید:

۱- نجیب دیوان بیدل را از کتابخانه امانت گرفت.

۲- دیوان بیدل را نجیب از کتابخانه امانت گرفت.

۳- از کتابخانه، نجیب دیوان بیدل را امانت گرفت.

این سه جمله اگر چه از عناصر و احدی تشکیل شده اند؛ اما معنای آن‌ها با هم تفاوت دارد. و در هر جمله تکیه گوینده بر بخشی از سخن است. تفاوت‌های معنایی که در اثر جابه‌جایی عناصر جمله و حذف و قصر آن‌ها ایجاد می‌شود؛ هم‌چنین معنای ثانوی جملات موضوع علم معنایی است. علم معنایی (معنی‌شناسی) دانشی است که به بررسی معنای ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد. از موضوعات دیگر این علم بررسی تعقید (گره خورده گی و پیچیده گی) سخن، ایجاز و اطناب (کوتاهی و درازی) حذف و قصر و شرایط آن‌هاست.

فایده علم معنایی در این است که ما را با امکانات پنهان و فراوان زبان آشنا می‌سازد.

## اسناد خبری

کلامی است که احتمال درستی و نادرستی و یا به تعبیر دیگر احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.

### مسندالیه

مسندالیه کلمه یا بخشی از جمله است که فعل، صفت یا حالتی را به آن نسبت می‌دهند؛ مثلاً: وقتی گفته می‌شود: ((نجیب آمد))، ((نجیب)) مسندالیه است، چون فعل آمدن به او استناد داده شده است. یا وقتی می‌گوییم: خدا بزرگ است. در این جا ((خدا)) مسندالیه، ((بزرگ)) مسند، و است فعل ربطی است که مسندالیه و مسند را با هم ارتباط می‌دهد.

**اسناد:** پیوندی است که بین مسند الیه و مسند وجود دارد؛ مثلاً:

خدا کشتی آن جا که خواهد برد و گر ناخدا جامه برتن درد

**انشاء:** انشا در لغت به معنای ایجاد کردن و در اصطلاح، آوردن جملات است به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.

الهی سینه‌یی ده آتش افروز در آن سینه دلی، وان دل همه سوز

**قصر یا حصر:** قصر و حصر هر دو به معنای ویژه کردن و حبس و منحصر کردن است و در اصطلاح علم معانی، آن است که حکم یا صفتی را به کسی یا چیزی منحصر کنیم؛ مثلاً: ((جوانمردی جز محمد ﷺ نیست)) صفت ((جوانمرد بودن)) را منحصر به محمد ﷺ کرده ایم.

**فصل و وصل:** فصل در لغت به معنای گسسته‌گی است و وصل به معنای پیوسته‌گی؛ اما در اصطلاح علمای بلاغت، فصل آن است که دو جمله را از یکدیگر جدا کنند و میانه آن‌ها حرف پیوندی نباشد، و وصل آن است که جمله‌یی را به جمله دیگری یا کلمه‌یی را به کلمه دیگری به وسیله حرف پیوند، بزنند.

مهم‌ترین و با ارزش‌ترین حرف پیوند در بلاغت، حرف ((و)) است و البته ارزش بلاغی فصلی و وصل در این است که علت آن را بدانیم و نازک کاری‌های آن را دریابیم مثلاً:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

سعدی

تن گور توست، خشم مگیر از حدیث من زنه‌ار که خشمگیر نباشد سخن پذیر

ناصر خسرو

**مساوات:** اصل در سخن بر مساوات و برابری نهاده شده است و مساوات هنگامی است که لفظ و معنی برابر باشند. دقت در برابر لفظ و معنی و پرهیز از آوردن الفاظ



حشو و زاید سبب روشنی، رسایی و اثربخشی بیشتر معنی می‌شود و گاه سخن را تاحد سهل ممتنع بالا می‌برد و در این صورت است که مساوات، جنبه هنری، بلاغی و زیباشناختی به خود می‌گیرد، برای مثال:

دل من همی داد گویی گواهی      که باشد مرا از تو روزی جدایی  
 جدایی گمان برده بودم و لیکن      نه چندان که یک‌سو نهی آشنایی  
 به جرم چه راندی مرا از درخود؟      گناهم چه بوده است؟ جز بی‌گناهی

**ایجاز:** بیان معنی است در کوتاه‌ترین لفظ، و به عبارت دیگر آوردن لفظ اندک است برای معنای بسیار که البته باید به رسایی سخن کمک کند.

به نام خداوند جان و خرد      کزین برتر اندیشه برنگذرد

در مصراع اول این بیت، بی‌آنکه معنی و مفهوم آسیب ببیند، برخی از واژه‌ها حذف شده است؛ مثلاً می‌توان این مصراع را این‌گونه تعبیر و تفسیر کرد: کلام خود را ((به نام خداوند جان و خرد)) آغاز می‌کنم.

**اظناب:** در لغت به معنای دراز ساختن و طولانی کردن است، و در اصطلاح، آوردن الفاظ بسیار برای بیان معنای اندک، بنابر مقتضای حال مخاطب و مقام و موضوع کلام. آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است      با دوستان مروت با دشمنان مدارا

سکاکی: سراج‌الدین ابو یعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربی زبان قرن ششم و هفتم (۵۵۵-۶۲۶ هـ.ق. مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» بود، وی در انواع علوم ادبی و به ویژه علوم بلاغی متبحر بود.

تذیقات



### بخوانیم و بدانیم

- ۱- علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود.
- ۲- در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه می‌شود؛ مثلاً: اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اظناب.
- ۳- علم معانی را به چند مبحث تقسیم کرده اند: اسناد خبری، احوال مسندالیه، احوال

- مسند، انشا، قصر و حصر، فصل و وصل، مساوات، ایجاز و اطناب.
- ۴- به عبارت دیگر علم معانی، علم معنی‌شناسی را گویند که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد.
- ۵- خبر: کلامی است که احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.
- ۶- انشا: انشا در لغت به معنای ایجاد کردن است و در اصطلاح، آوردن جمله به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.
- الهی سینه‌یی ده آتش افروز در آن سینه دلی، وان دل همه سوز

### درست بنویسیم



هرگاه حرف اخیر واژه، ((ی)) باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، در میان این گونه واژه‌ها و واژه‌های بعدی‌شان، مانند صامت‌ها، چیزی علاوه نشده و تغییر و تبدیلی در حروف شان رونما نمی‌گردد؛ اما باید از واژه‌های بعدی شان جدا نوشته شوند؛ مانند:

- زنده گی آرام، صراحی زیبا، روی سرخ (موصوف)
- مثنوی مولوی، کافی لالا، گادی پهلوان (منسوب)
- قاضی وجدان، مستی چشمان، تلافی گناه (مضاف)

### کار گروهی و سخنرانی



- ۱- در این قسمت شاگردان با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفر شان به دیگران انتقال دهد.
- ۲- شاگردان، درس را از نظر محتوا مورد بررسی قرار دهند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- درباره مفهوم بیت در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید.



## خود آزمایی

- ۱- علم معانی را از نظر لغت و اصطلاح بیان دارید.
- ۲- فرق املا و انشا را می‌دانید، توضیح دهید.
- ۳- علم معانی چه موضوعاتی را مورد بحث قرار می‌دهد؟ واضح سازید.
- ۴- آیا ایجاز و اطناب تنها به معنای کوتاه سخنی و دراز سخنی است؟ یا این که به مقتضای حال می‌توانند بر عکس نیز باشند؟ توضیح دهید.
- ۵- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و پیرامون قصر یا حصر و یا فصل و وصل گفتگو نمایند و از هر گروه یک شاگرد به نماینده گی دیگران خلاصه گفتگوهای شان را بیان دارند.

## کارخانه گی

- ۱- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده چند واژه مختوم با (ی) را که در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد جدا از مثال‌های کتاب بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا حافظ
- ۳- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای درس جدید آماده شوید.

## درس دهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر سؤال‌های آتی از چند شاگرد پرسیده شود.

- ۱- امیر علی شیر نوایی که بود؟
- ۲- او را چرا ذواللسانین می‌گویند؟
- ۳- مجموع آثار او را نام ببرید.
- ۴- خمسة نوایی شامل کدام کتابهاست و به پیروی کدام شاعر معروف

سروده شده است؟

۵- محاکمة اللغتين پیرامون چه موضوعی بحث می‌کند؟ توضیح دهید.

۶- پیرامون کارنامه‌های فرهنگی و اجتماعی امیر علی شیر نوایی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.



### امیر علی شیر نوایی

امیر علی شیر نوایی در سال ۸۴۴ هـ.ق. در هرات متولد شد. او در چهار ساله گی تحصیلات ابتدایی خود را آغاز و در ده ساله گی به شعر گویی پرداخت و به دوزبان ترکی و دری شعر می‌سرود و بدین مناسبت به شاعر ذواللسانین معروف است. خود او در باب اشعار ترکی و دری خویش قطعه‌یی دارد که شایسته ذکر است:

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بی حد است  
فارسی هم لعل و دُرهای ثمین گربنگری  
گویا در راست بازار سخن بگشوده ام  
زانکه باشد اغنیا این نقدها را مشتری  
زین دکان‌ها هر گدا کالا کجا خواهد خرید  
یک طرف دکان قنادی و یک سو زرگری

علی شیر نوایی شاعر، ادیب، مؤرخ، موسیقی‌دان، وزیر دانشمند، کاردان و از جمله اعیان دوره تیموریان هرات بود. وی از ترکان چغتایی بود و نیاکانش در دستگاه تیموریان هرات حرمت و حشمت فراوان کسب کرده بودند. نوایی در مشهد، توس هرات و ماوراءالنهر به خواندن علوم متداول عصر خود از جمله عروض، قرائت، فقه و نحو پرداخت. در آغاز حکم‌روایی سلطان حسین بایقرا به منصب امارت دیوان اعلی یا مُهرداری حضور و سپس به وزارت رسید. سلطان در همه امور با وی مشورت می‌کرد و بدون نظر او به هیچ کاری نمی‌پرداخت و امیر علی شیر نوایی به لقب (افتخاری)

مقرب حضرت سلطان نایل گردیده و جاه و عزت فراوان یافته بود. نوایی پس از استعفا از مشاغل درباری و وزارت به کسب دانش و مطالعات ادبی و تألیف کتب و نظم اشعار و تربیت ارباب فضل و کمال پرداخت. با این همه تا پایان عمر بر سلطان حسین بایقرا نفوذ فراوان داشت؛ چنان که بایقرا بر اثر رای و تدبیر او توانست بر تمامی نقاط خراسان، ماوراءالنهر و فارس تسلط یابد. علی شیر هم چنان در کمال عزت و احترام در دربار سلطان حسین می‌زیست. تشویق و ترغیب علی شیر نوایی در پیشرفت و کمال نقاشی و خطاطی، هنر موسیقی، نویسندگی و شاعری، تذهیب کاری و ریاضیات و حرفه‌های زرگری، سفالی، خیاطی و جز آن‌ها در دوره تیموریان هرات تأثیر فراوان داشته و نوایی در برابر حوادث روزگار پناهگاه خوبی برای هنرمندان بود. اغلب شاعران و نویسندگان روزگارش به مدح او پرداخته و آثارشان را برای او پیشکش کرده‌اند.

همچنان نوایی ۳۷۰ بنای خیریه از جمله مدرسه، کتابخانه، پل، خانقاه، مسجد، بنای مقابر و مزارات، شفاخانه، کاروانسرا، گرمابه و یک نهر بزرگ به طول هفتاد کیلومتر از توس تا مشهد اعمار کرده است. از آبادانی‌های مشهورش می‌توان از نهر اخلاصیه واقع انجیل، خانقاه اخلاصیه، شفائیه که در آن طب و حکمت می‌آموختند، نظامیه هرات، مسجد جامع امیر علی شیر، دارالحفاظ و ترمیم مسجد چهارسوق هرات و بازسازی مسجد جامع هرات نام برد.

امیر علی شیر نوایی در سال ۹۰۶ هـ ق در شهر هرات وفات یافت. دولتشاه سمرقندی، هم‌الدین خواندمیر و سام میرزاد و نویسندگان معاصر و هم عصر امیر، در مورد او نوشته‌اند و در حیب‌السیر، روضة‌الصفاء، بهارستان جامی و مقدمه سنگلاخ و دیگر آثار آن دوره آمده است. امیر علی شیر مردی بوده است وارسته، بلند همت، بذله‌گو، علم دوست، عاشق و دلباخته دانش و هنر.

بیشتر اوقاتش را به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف و یا مجالست و مباحثه با دانشمندان، عرفا و شعرا مصروف می‌داشته و حتی شب‌ها در کنار بالینش تا صبح شمع می‌سوخته و دوات و قلم و کاغذ حاضر داشته تا اگر بیدار شود و معنی و مطلبی به خاطرش برسد، یادداشت کند.

به گفته صاحب قاموس الاعلام، کتابخانه بی‌نظیری در هرات فراهم آورده بوده که در آن به روی عموم دانشجویان و پژوهنده‌گان دانش گشوده بوده است و یکی از کسانی که از آن کتابخانه بهره‌افر برده خواندمیر مؤرخ شهیر می‌باشد. نوایی به علم و ادب، کتاب و هنر علاقه داشته و ثروت بی‌کرانش را در راه تهیه

کتاب و تألیف آثار تازه و یا اعمار مدارس و مساجد و گردشگاه‌های عمومی مصرف می‌کرده است.

پیوسته عدهٔ کثیری از خطاطان، خوش‌نویسان، مصوران و صحافان نامدار در کتابخانهٔ امیر علی شیر نوایی مشغول نسخه برداری از کتب نایاب بوده‌اند و گروهی از دانشمندان و نویسندگان نیز با مساعدت مالی و معنوی امیر به تألیف و تصنیف آثار تازه اشتغال داشته‌اند.

امیر علی شیر نوایی پس از فراغت از تحصیل با گذشت اندک زمانی در سن ۳۵ ساله گی از سمرقند به هرات رفته (۸۷۶ ه.ق.) و مدت سی سال تا (۹۰۶ ه.ق.) در دستگاه سلطان حسین بایقرا به شغل دیوانی اشتغال داشته، و در طی این سی سال توفیق یافته است بیش از شصت هزار بیت شعر بسراید و بیش از سی جلد آثار منثور و منظوم تألیف و تصنیف کند.

امیر علی شیر به زبان مادری خود ترکی چغتایی علاقهٔ وافر داشته و با اطلاعات نسبتاً وسیع و عمیق در زبان و ادبیات دری، می‌کوشیده است که زبان مادری خود ترکی چغتایی را نیز رشد و وسعت بخشد و پایهٔ آن را تا به حداعلای زبان‌های زندهٔ جهان بالا ببرد و به همین منظور به تألیف و تصنیف آثار متعدد و برجسته دست یازیده و در کار خود توفیق یافته است. آثار دری امیر علی شیر محدود است و دیوان غزلیات و یک قصیده و تعدادی نامهٔ دری از امیر به‌جا مانده است. او در آثار فارسی - دری اش تخلص ((فانی)) را برگزیده است.

امیر علی شیر نوایی (فانی) از ترکان دری‌زبان است که نیاکانش همه از بزرگ‌مردان چغتایی بوده‌اند و خود او نیز گذشته از این که به شعر دری عشق می‌ورزید و به زبان و ادبیات دری عاشقانه و صادقانه خدمت می‌کرد.

### آثار امیر علی شیر نوایی

الف: خمسه: ۱- حیرت‌الابرار ۲- فرهاد و شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- سد سکندری ۵- سبعةٔ سیاره

ب: دیوان‌ها: ۶- غرایب الصغر ۷- نوادرالشباب ۸- بدایع الوسط ۹- فوائد الکبر  
ج: آثار دیگر: ۱۰- تذکرهٔ مجالس النفایس ۱۱- سراج المسلمین ۱۲- اربعین منظوم  
۱۳- نظم الجواهر ۱۴- محبوب القلوب ۱۵- تاریخ ملوک عجم ۱۶- نسائم المحبه  
۱۷- تاریخ انبیاء ۱۸- رسالهٔ عروضیه ۱۹- خمسهٔ المتحیرین ۲۰- محاکمه اللغتنین  
۲۱- منشآت ترکی ۲۲- قصهٔ شیخ صنعان ۲۳- مفردات در فن معما ۲۴- مناجات نامه

۲۵- میزان الاوزان ۲۶- مثنوی لسان الطیر ترجمه منطق الطیر شیخ عطار ۲۷- حالات پهلوان محمد ابوسعید ۲۸- حالات سید حسن اردشیر ۲۹- ترجمه نفحات الانس ۳۰- ترجمه نثر اللغالی ۳۱- بدایع اللغه.

### نمونه کلام امیر علی شیر نوایی

آمد بهار دلکش و گل‌های تر شگفت  
دل از صباحت رخ خوبت گشاده شد  
می‌آید از گل چمن عشق بوی خون  
گر خنده زد ز گریه چشم عجب مدان  
ساقی بهار شد، قدح ریزلب به لب  
زان نخل ناز خنده به عشاق و وصل نی

دلها از آن نشاط ز گل بیشتر شگفت  
مانند غنچه‌ای که به وقت سحر شگفت  
گویا که غنچه‌هاش ز خون جگر شگفت  
چون ابر اشک ریخت گل تازه بر شگفت  
خاصه که از شگوفه چمن سر به سر شگفت  
همچون گلی که از شجر بی ثمر شگفت

فانی عجب مدان اگر آن گل شگفته است  
از اشک ابر سان تو نشگفت اگر شگفت

**توضیحات** ذواللسانین: امیر علی شیر نوایی به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود، بنابراین به شاعر ذواللسانین ملقب گردید.

تذکره الشعراء: این کتاب شرح حال قریب ۱۰۵ تن از شعرای دری‌زبان را در بر دارد. دولتشاه بن علاء الدولة سمرقندی از امیر زاده گان و رجال و اعیان و پدرش از ندمای شاهرخ و خود در هرات از مقربان ابوالغازی سلطان حسین و امیر علی شیرنوایی و معاصر مولانا جامی بوده است و اسم و مدح و فضایل هر سه تن را در اواخر این کتاب آورده و این تذکره را به نام علی شیر کرده؛ زیرا تألیف آن به تشویق و پشتیبانی این وزیر دانشمند بوده است.

حبیب السیر: حبیب السیر تاریخ عمومی معروفی است که غیاث‌الدین بن همادالدین خواند میر تألیف کرده که وقایع را از ابتدای تاریخ بشر تا (۹۳۰) هـ.ق. آورده، که در سه جلد می‌باشد و به مناسبت احتوای تفصیل اوایل کار و شرح سلطنت شاه اسماعیل که مؤلف معاصر او بوده است دارای اهمیت است.

بهارستان: بهارستان اثری است که جامی آن را برای پسرش یوسف ضیاءالدین تألیف کرده است و به سبک گلستان مرکب از حکایات لطیف و نکات ظریف است و اشعار ملیح نیز دارد و ذکر شماره‌ی از شعرا و فضلا در آن آمده است.



## بخوانیم و بدانیم

۱- امیر علیشیر نوایی به تاریخ هفدهم رمضان المبارک سال ۸۴۴ هـ. ق. در هرات تولد شد.

۲- نوایی بیش از ۳۰ کتاب را به زبان‌های ترکی و دری به رشته تحریر درآورد.

۳- نوایی در راه تهیه کتاب، تألیف و تصنیف، اعمار مساجد و مدارس، شفاخانه‌ها، حفر چاه‌ها، اعمار پل‌ها، باغ‌ها و گردشگاه‌های عمومی توجه جدی مبذول داشته است.



### درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخری واژه یی، ((ی)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین باز هم در میان واژه و پسوند یک ((ی)) علاوه می‌شود، که این ((ی)) همیشه با پسوند بعدی باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

• پسوند تنکیر ((ی)) صوفی + ی + ی = صوفیی، کابلییی، شادییی.

• پسوند صفت نسبتی ((ی)) دایکندی + ی + ی = دایکندییی، دوشییی.

• هرگاه حرف پایانی واژه ((ی)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین حرف دیگری در میان آن‌ها علاوه نمی‌شود؛ اما همیشه با این پسوندها به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

• پسوند جمع ((ان)): مفتی + ان = مفتیان، گردیزیان، منطقیان

• پسوند جمع ((ها)): کشتی + ها = کشتی‌ها، بلندی‌ها، سادگی‌ها

• پسوند اسم معنی ((ی)) صوفی + ی = صوفی، حاجیی

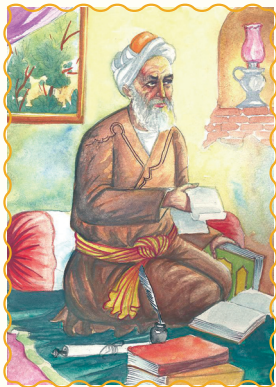
• هرگاه حرف آخری واژه ((ی)) باشد، در پیوند با پسوند تصغیر ((ک)) میان واژه و پسوند یک ((گ)) علاوه می‌شود، که همیشه با نشانه تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ اما با اصل واژه نمی‌پیوندد؛ مانند: گادی گک، گدی گک، خانه گک.



## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های امیر علی شیر نوایی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره آثار نوایی به همصنفی‌های خود معلومات دهد.
- ۳- در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنید.



مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با استفاده از پسوند تنکیر (ی) چند واژه خارج از واژه‌های درس (درست بنویسیم) بنویسید.

## خود آزمایی



- ۱- امیر علی شیر در اشعار ترکی و دری خود کدام تخلص‌ها را به کار می‌برد؟
- ۲- پنج اثر عمده نوایی را نام ببرید.
- ۳- نوایی در چند ساله‌گی به تحصیل و در چند ساله‌گی به سرودن شعر آغاز کرد؟
- ۴- نوایی در کجا تولد شد: الف: در سمرقند ب: در هرات ج: در دوشنبه د: در کابل  
جواب درست را حلقه کنید:

## کارخانه‌گی



- ۲- علاوه بر خمسه نوایی دیگر از کدام خمسه‌های شاعران آگاهی دارید، نام ببرید.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:  
گرتو می‌خواهی مسلمان زیستن      نیست ممکن جز به قرآن زیستن  
اقبال
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیری.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد.
۱. شراب چیست؟
  ۲. شراب به کدام قسمت‌های بدن انسان ضرر دارد؟
  ۳. معضلات اجتماعی و اقتصادی الکل در چیست؟

## اضرار مشروبات الکولی (شراب)

یکی از گناهان کبیره در شریعت اسلامی، نوشیدن مشروبات الکولی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلید و از عمل شیطانند؛ پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی‌دارید؟ سوره مائده/ آیت ۹۰ - ۹۱»

با خواندن این آیات متبرکه، سؤال مطرح می‌شود که شراب چیست، بر صحت انسان چه ضرر دارد، ساینس جدید درباره آن چه می‌گوید؟

شراب یکی از زیانبارترین مواد مخدر برای صحت و سلامتی است. نخستین اثر زیان آور الکل متوجه مغز و سیستم اعصاب مرکزی انسان است. نوشیدن نوشابه‌های الکولی در ابتدا موجب نوعی آرامش کاذب و افراطی می‌گردد؛ ولی پس از مدتی اثرات واقعی آن از جمله: ناهماهنگی در حرکات عضلات، اختلال در تصمیم‌گیری، آسیب اعمال حرکتی و مهارتی، کندی فعالیت‌های دماغی و فکری، تشدید حالت تهاجمی و پرخاشگری، درهم و برهم حرف زدن، سوزش قلب، پرحرفی، دوتا دیدن اشیا و افراد، ضعف قرنیه و اعصاب چشم به ظهور می‌رسد.

بزرگترین خطر الکل آن است که سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌سازد؛ زیرا مقداری که در مرحله اول حالت نشئه را به بار می‌آورد، در دفعات دوم و سوم اثر مطلوب نمی‌بخشد و برای به دست آوردن همان حالت اولی، شخص غلط فکر می‌کند

مقدار آن را به دو یا سه چند افزایش می‌دهد که بالاخره اعتیاد به وجود می‌آید.

**تأثیر الکل بر کرویات خون:** خون در بدن انسان دو وظیفه دارد: کرویات سرخ خون آکسیجن را از شش جذب و کاربن‌دای‌اکساید را دفع می‌کند و کرویات سفید درمقابل باکتری‌ها و میکروب‌هایی که درجسم داخل می‌شوند، مقاومت می‌نماید. اگر یک قطره خون را در مقداری آب که (۱٪) الکل داشته باشد بیندازیم، رنگ سرخ آن به زردی می‌گراید و نشاط و فعالیت قلبی خود را ازدست می‌دهد. معنای این عملیه درجسم انسان زنده این است که الکل خون را از جذب نمودن آکسیجن لازم به وجود باز می‌دارد و اختناق کرویات خون را بار می‌آورد، که نتیجه آن خسته‌گی عضلات و کاهش مقاومت جسم در برابر انواع میکروب‌هاست.

**تأثیر الکل بر قلب و شریان‌ها:** الکل به نسبت (۱٪) درخون، سبب می‌شود که نبض انسان در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد. با تداوم شراب‌نوشی، شخص معتاد به الکل به تصلب شرایین - خصوصاً شریان تاجی که مغذی قلب است - مبتلا می‌شود و تصلب شریان تاجی، انسان را در معرض سکته قلبی قرار می‌دهد. بدین جهت نخستین نصیحت داکتر برای مریضان مصاب به تصلب شرایین و تکان قلبی، ترک قطعی سگرت و الکل به طور دایم است.

**تأثیر الکل بر جگر:** استعمال الکل سبب پیدایش «پوکی جگر» می‌گردد. این بیماری در اروپا و امریکا انتشار زیاد دارد؛ اما در ممالک اسلامی خیلی کم به نظر رسیده است. هرگاه شراب‌نوشی ادامه یابد، حجرات زنده جگر یکی پس از دیگری حیات خود را از دست می‌دهند و باعث خرابی قسمتی از جگر می‌گردند، که همان قسمت به شکل اسفنجی درآمده و انکشاف آن باعث بروز مرض «پوکی جگر» می‌گردد. این مرض مرگ‌های نا به‌هنگام را به دنبال دارد.

**الکل و نقص ویتامین‌ها:** یکی از عوارض تجزیه الکل در بدن، تخریب ویتامین B6 است که در نتیجه آن فرد، دچار کم‌خونی، خسته‌گی، تمرکز ضعیف، سستی و بی‌حالی می‌گردد. الکل یک ماده ادرار آور است و می‌تواند سبب کم‌آبی سلول‌های بدن شود. با دفع ادرار، همراه با آب، ویتامین‌ها و مواد معدنی از جمله ویتامین‌های B

و C، مگنیزیم، کلسیم و پتاسیم از بدن خارج می‌شوند. اعراض فقدان ویتامین‌های B و C نخست به شکل لرزش دست‌ها، کلالت زبان، ضعف عضلات و حساسیت پوست ظاهر می‌شود. اگر بازهم این ویتامین‌ها توسط الکول از بین برده شود، منجر به فلج شدن دستها، پاها و ورم قلب می‌گردد.

**تأثیر الکول بر شخصیت انسان:** در گزارشی که از طرف «انجمن مبارزه با الکول» در انگلستان تهیه شده، آمده است: «در اثر تحقیقاتی که بر ۱۸۶۰۰ شخص معتاد به الکول صورت گرفت، چنین نتیجه به دست آمد: استعمال الکول به طور دوام‌دار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کُنند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد. بدین سبب نمی‌توان درمسایل مالی، اجتماعی و رهبری به چنین فردی اعتماد نمود؛ همچنان اعتماد به سخنان و وعده‌های شخص معتاد به الکول کاری است خطا؛ هرچند که وی در حالت عادی باشد.»

**معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول:** در کشورهای اسلامی، الکول معضله قابل توجهی را ایجاد نموده است و این به برکت دستور قاطعی است که شریعت اسلامی درین زمینه صادر نموده؛ اما در کشورهای دیگر به ویژه در قاره‌های اروپا و امریکا، معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول بسیار چشم‌گیر است. در بسیاری از شهرهای پیشرفته اروپایی و امریکایی، ده‌ها انجمن مبارزه با مشروبات الکولی و شفاخانه‌هایی ایجاد شده که به علاج اشخاص دایم الخمر می‌پردازند.

ت خداوند **توبه ضمیمه** در سوره المائده آیه ۹۰-۹۱ میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (۹۱)

ترجمه: ای مؤمنان جز این نیست که شراب و قمار و نشانه‌ای معبودان باطل و تیرهای

فال پلیدی است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا بود که شما رستگار شوید (۹۰) جز این نیست که می‌خواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب شراب و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستادگانید (۹۱)



## بخوانیم و بدانیم

۱. از نظر ساختار طبی همه نوشابه‌هایی که دارای مقدار معین ایتانول (Ethanol) بوده و حالت نشئه را به بار آورند، در جمله مشروبات الکولی به شمار می‌آیند.
۲. از نظر شریعت اسلامی شراب به همه نوشابه‌هایی گفته می‌شود، که در وجود انسان حالت نشئه ایجاد کند.
۳. بزرگترین خطر الکل آن است که دنیا و آخرت انسان را خراب می‌سازد و سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌نماید.
۴. شایع‌ترین اختلال سیستم عصبی، آسیب قرنیه و اعصاب چشم است.
۵. الکل به نسبت (۱٪) در خون، سبب می‌شود که نبض در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد.
۶. استعمال الکل سبب پیدایش (پوکی جگر) می‌گردد.
۷. یکی از عوارض تجزیه الکل در بدن، تخریب ویتامین B۶ است.
۸. استعمال الکل به طور دوامدار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کُند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد.

## درست بنویسیم



- هرگاه حرف اخیر واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی یا معاون (استم استیم، استی، استید، استند و اند)، {الف} از آغاز این‌ها حذف نشده بر جای خویش باقی می‌ماند؛ اما در تلفظ، حرکت الف نخستین این واژه‌ها به {ی} داده می‌شود؛ مانند:
- استم: زابلی استم / قرغهی استم.
- استیم: افغانستانی استیم / فرزه‌یی استیم.

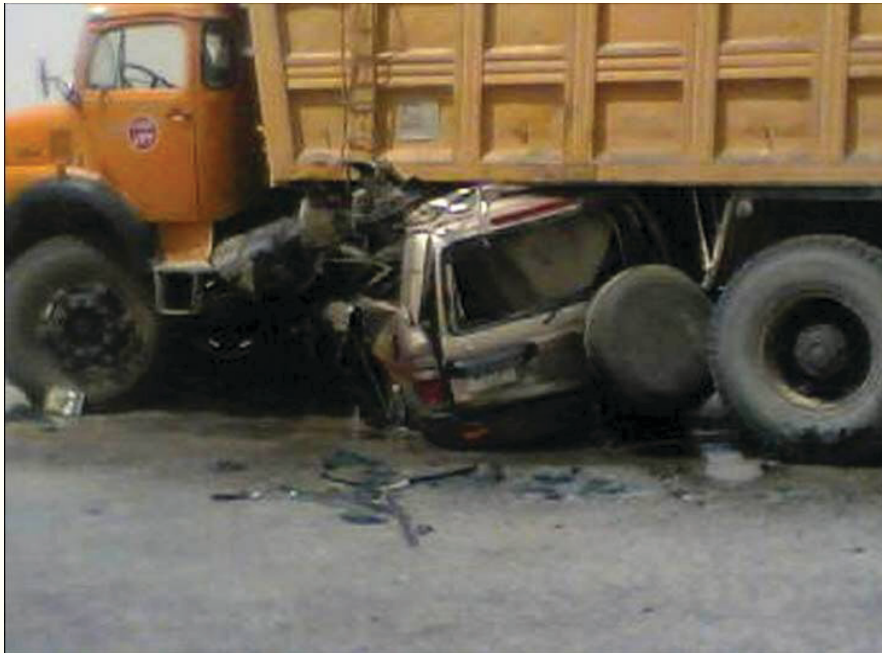
- استی: ایرانی استی / سرچشمه‌یی استی.
- استید: منطقی استید / پایمناری استید.
- استند: کاریزی استند / بلوچی استند.
- اند: گردیزی اند / شرقی اند.

اما الف « است » که فعل مفرد شخص سوم می‌باشد، در هنگام پیوستن با واژه‌های یادشده حذف شده، و فعل با واژه پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

- است: معنویست / طبیعیست.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد اضرار اجتماعی و اقتصادی الکول باهم بحث نموده و فهرستی تهیه نمایند؛ سپس هر شاگرد، دو - دو مورد آن را با ارائه مثال‌ها مفصلاً شرح دهد.
۲. چند تن از شاگردان تصویر زیر را با موضوع « شراب و تصادم » ارتباط داده، در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.



## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. « دولت چه تدابیری را در مبارزه علیه شراب روی دست بگیرد؟ » درین مورد متنی در هفت سطر بنویسید.

## خود آزمایی

۱. شراب‌نوشی چه معضلات اجتماعی را به بار می‌آورد؟
۲. الکل بر سیستم عصبی و شخصیت انسان چه تأثیر می‌گذارد؟
۳. هر گاه حرف آخری واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، استند و اند)، چگونه باید نوشته شود؟
۴. به نظر شما مهم‌ترین نکات املائی که باید در نوشتن رعایت شود، کدام‌هاست؟

## کارخانه‌گی

۱. در مورد اضرار استفاده از مشروبات الکولی یک مقاله بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
حذر کنید ز انجام عیش این محفل      کدام شیشه که آخر نزد به سنگ شراب  
بیدل
۳. متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد.
۱. رمان چیست؟
  ۲. رمان به گونه‌ی امروزی در چه زمانی به وجود آمد؟
  ۳. رمان با رمانس چه رابطه دارد؟
  ۴. دُن کیشوت چیست؟

## رمان چیست؟

داستان یا ناول ( Novel ) روایتی است منثور که مبتنی بر جعل و خیال؛ اگر طولانی باشد، آن را رمان و اگر کوتاه بود، آن را داستان کوتاه می‌گویند. در ابتدا رمان، شعر روایتی بود و بعد به تدریج به نثر گرایید و عمومیت بیشتر یافت.

ناول اصطلاح انگلیسی است و معادل آن در اکثر زبان‌های اروپایی رمان است. اصل واژه انگلیسی ناول، واژه ایتالیایی «ناولا» به معنای مطلب کوچک تازه است. ناولا که در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود، نوعی قصه کوتاه منثور است که معروف‌ترین نمونه آن «قصه‌های دکامرون» اثر «بوکاچیو» است.

از اجداد دیگر رمان امروزی، روایات «پیکارسک» است که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود و نشانه‌هایی از این شیوه، در آثار «مارک توین» به چشم می‌خورد. پیکارسک مشتق از کلمه هسپانوی «پیکار»، به معنای تدویر و محیل است و پیکارسک صفتی بوده برای داستان‌هایی که در آن به بررسی اعمال پیکارها می‌پرداختند. معروف‌ترین نمونه این سبک، رمان «دُن کیشوت» اثر «سروانتس» (نویسنده هسپانوی) است که آن را در خلال سال‌های (۱۶۰۵) تا (۱۶۱۵) م. نوشته است. پیش از این رمان هیچ اثری در چنین قالب هنری ادبیات جهان پیدا نمی‌شود. در این داستان معروف، مردی حيله گر می‌خواهد هنوز با آرمان‌های اشرافی - که دیگر در زمان او منسوخ شده است - زنده گی کند. در رمان «دُن کیشوت» توهم و واقعیت به نحو استادانه‌یی در مقابل یکدیگر نمودار شده است.

به هرحال رمان، که از کلمه رمانس گرفته شده، مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته ادبی روزگار ماست. قبل از رمان «دُن کیشوت»، حماسه‌های منثور و منظوم و



لطیفه‌ها و حکایات برسبیل تمثیل، قصه‌های عامیانه و اساطیر و افسانه‌های بسیاری چون» ایلیاد و ادیسه» و نوع رمانس‌ها موجود بود که از نظر معنی و کیفیت ساختاری با رمان به مفهوم امروزی آن تفاوت بسیار داشت.

### رمانس چیست؟

اصطلاح رمانس در اوایل سده‌های وسطی به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته میشد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رمانس می‌گفتند؛ همچنان در قرون نخستین، وقایع غیرعادی، صحنه‌های عجیب و غریب، ماجراهای شگفت‌انگیز و عشق‌های احساساتی و پرشور و اعمال سلحشورانه را به نام رمانس یاد می‌کردند.

شکل رمانس، تحت تأثیر قصه‌های «هزار و یک شب» به وجود آمد و در قرن دوازدهم در فرانسه رونق گرفته از این کشور به کشورهای غربی دیگر نیز راه یافت.

رمانس، جهان با شکوه و با عظمت غیرواقعی و خیال‌پردازانه را به نمایش می‌گذارد و برخلاف حماسه، تنها به جنگ و میدان‌های کارزار اختصاص ندارد؛ بلکه بیشتر قصه‌های خیالی است که جنبه سرگرم‌کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای عاشقانه اغراق‌آمیز دل بسته‌اند و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

قصه‌ها عمر طولانی دارند و تاریخ پیدایش آن‌ها تقریباً همان اندازه قدیمی است که تاریخ زنده‌گی بشر؛ اما شکل و روال تازه ادبی که ما در رمان مجسم می‌بینیم، یعنی آفرینش داستانی منثور و طولانی با تأکید بر اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هرگز گذشته طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند. در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رمان نیز تولد یافت.

قصه‌های قدیمی بیشتر به مطلق‌گرایی و نمونه‌های کلی توجه داشتند. قهرمان‌های قصه‌ها، نمونه‌های صفات بد و خوب انسانی بودند. شخصیت‌ها در این آثار به دو گروه متفاوت و متمایز تقسیم می‌شدند: گروه آسمانی با همه صفات و خصایل پسندیده و گروه اهریمنی با همه رذالت‌ها، پستی‌ها و پلیدی‌ها. درگیری این دو گروه باعث پدید آمدن ماجراها، قصه‌ها و رمانس‌ها می‌شد.

از اواخر قرن هفدهم جهان بینی انسان در غرب از جهان‌بینی قهرمان جدا شد. شناخت

افراد از مسایل تغییر یافت و موضوع رُمان‌ها نیز از این دیگرگونی‌های تازه فردی مایه گرفت. برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی و تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

در تعریف رُمان گفته اند: روایت منثور داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر، گوناگونی‌های زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

رُمان از لحاظ زمینه و موضوع، اقسام گوناگون دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت اند از:

۱. **رُمان تاریخی:** که در آن قهرمانان و حوادث مهم تاریخی به کار گرفته شده و نویسنده به مقتضای ذوق و سلیقه خویش در حوادث و شخصیت قهرمانان تغییرات کم و بیش مهمی که زائیده تخیل اوست، وارد آورده است.
۲. **رُمان روستایی:** رُمانی است که زنده‌گی، آرزوها و تخیلات شبانان و مردم روستانشین را نقاشی و تحلیل می‌کند.
۳. **رُمان آموزشی:** در چنین رُمان یکی از موضوعات علمی و آموزشی مانند موضوعات فلسفی، جغرافیایی و غیره در لباس داستانی که پرداخته ذهن نویسنده است مورد بحث قرار می‌گیرد.
۴. **رُمان طنزی:** عبارت است از رُمانی که عادت و اخلاق و رفتار جاری عادی مردم را با بیانی نیشدار و خنده‌آور توجیه و تحلیل می‌کند. طبیعی است که موضوع این قبیل رُمان‌ها کمتر از میان مطالب جدی یا غم‌انگیز انتخاب می‌شود.
۵. **رُمان هجوآمیز:** در این رُمان در ضمن حکایتی که در واقع صورت استعاری مقصد اصلی نویسنده است، عادات و اخلاق و سجایای مردم عصر مورد نظر نویسنده، مورد انتقاد هجوآمیز قرار می‌گیرد.
۶. **رُمان مکاتبه‌یی:** رُمانی است که وقایع آن در ضمن نامه‌هایی که بین قهرمانان داستان رد و بدل می‌شود جریان دارد و خواننده با خواندن چند نامه از داستان آگاهی حاصل می‌کند.
۷. **رُمان عاطفی:** که قسمت عمده آن عبارت است از تحلیل احساسات و عواطف شخصی و درونی قهرمان داستان.
۸. **رُمان روانی:** که در آن حوادث عمده و مهمی وجود ندارد و زمینه اصلی داستان چیزی جز تجزیه و تحلیل احساسات قهرمانان بر مبنای قوانین روان‌شناسی نیست.

۹. **رُمان فرهنگی:** که در آن عادات، رسوم، اخلاق و سجایای مردم جامعه مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد.

۱۰. **رُمان حادثه‌یی:** رُمانی است که در آن شرح مسافرت‌های آمیخته با حوادث، یا وقایع خیالی و وهمی با معلومات جغرافیایی یا تاریخی آمیخته شده باشد که همه این انواع محصول ادبیات غرب است؛ اما در کشور ما افغانستان بعد از فعالیت‌های فرهنگی نگارشی محمود طرزی عمدتاً داستان کوتاه و رمان به ادبیات راه پیدا کرد و نویسنده گان محدود در زمینه کار کرده‌اند.

**توضیحات**  
بوکاجیو: «جووانی بوکاجیو» یکی از چهره‌های برجسته تاریخ ادبیات ایتالیاست. او متولد سال ۱۳۱۳ میلادی و متوفی سال ۱۳۷۳م است. بوکاجیو را در کنار دانته یکی از اصلاح‌گران زبان ایتالیایی می‌دانند. هم‌چنین او از مقامات دولتی شهر فلورانس بود.

شهرت بوکاجیو به سبب مجموعه قصه‌هایی است که او در کتاب بسیار معروف خود «دکامرون» گرد هم آورده است. بوکاجیو بنا به گفته خودش قصه نویسی را از هفت ساله‌گی آغاز کرد و در طول عمر خود شیفته مسافرت و تفحص در آداب، رسوم و روحیات مردم بود.



### بخوانیم و بدانیم

- داستان یا ناول (Novel) روایتی است منثور که مبتنی بر جعل و خیال باشد. اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه باشد، داستان کوتاه می‌گویند.
- ناولا نوعی قصه کوتاه منثور را گویند که معروف‌ترین نمونه آن «قصه‌های دکامرون» اثر «بوکاجیو» است.
- اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های میانه به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته می‌شد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می‌گفتند.
- رُمانس قصه‌های خیالی است که جنبه سرگرم‌کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای

عاشقانه اغراق آمیز دل بسته و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

۵. از اواخر قرن هفده برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی، تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و زمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

۶. زمان روایت منشور داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

### درست بنویسیم



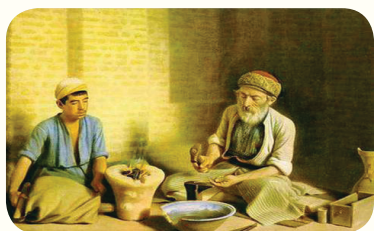
هرگاه حرف آخری واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن)، ضمائر اضافی (ت، ش، م) و (تان، شان، مان)، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود: در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (ت)، (م) و (ش)، میان واژه و ضمیر حرفی علاوه نشده، با این ضمائر به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

- ت: گادیت، بربادیت، شادیت.
- م: پیروزم، آزادیم، گرفتاریم.
- ش: ویرانیش، پایانیش، مهمانیش.
- در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان)، با هم میان واژه و یکی از ضمائر یادشده، حرفی علاوه نمی‌شود؛ اما واژه اصلی از این ضمائر جدا نوشته می‌شود؛ مانند:
- خود: زنده‌گی خود، تنهایی خود، شادی خود.
- خویش: آزادی خویش، مستی خویش، شادابی خویش.
- خویشتن: بینایی خویشتن، جوانی خویشتن، بربادی خویشتن.
- تان: گرفتاری تان، پیری تان، خسته‌گی تان.
- شان: ستمگاری شان، افتاده‌گی شان، چربی شان.
- مان: دوستی مان، دشمنی مان، همکاری مان.

### کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند. گروه اول آنچه از نام رمان‌های نویسندگان افغان را که شنیده‌اند و گروه دوم نام رمان‌های نویسندگان خارجی را



بر روی کاغذ بنویسند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نام آن رمان‌ها را با صدای بلند بخواند.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع «رمان روستایی» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. با در نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از پنج سطر کم نباشد و پنج کلمه از قواعد املائی که خواندید، در آن به کار رفته باشد.

### خود آزمایی

۱. ناول چیست و مشخصات آن کدام است؟
۲. اصطلاح رُمانس چه معنایی را افاده می‌کند؟
۳. رُمان به معنای واقعی و امروزی آن در کدام زمان به وجود آمد؟
۴. رمان را تعریف کنید.
۵. هر گاه حرف آخری واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشان)، چگونه نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.
۶. انواع رمان را نام ببرید.
۷. رمان تاریخی و رمان حادثه‌یی از هم‌دیگر چه تفاوت دارند؟

### کارخانه‌گی

۱. تفاوت‌های عمده میان رمان‌های آموزشی، طنزی و فرهنگی را در حد اقل ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
پیش از انجام تماشا همه افسانه شمار  
دیدنی نیست که آخر به شنیدن نرسد  
بیدل
۳. متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد.
- ۱- چهارمقاله را چرا به این نام مسمی کرده اند؟
  - ۲- درباره نظامی عروضی سمرقندی چه می‌دانید؟
  - ۳- نظم و نسق دربار به کدام چهار عضو بسته‌گی دارد؟ بیان دارید.
  - ۴- اسلوب نگارش چهارمقاله از چه قرار است؟
  - ۵- چهارمقاله از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب بیان در کدام ردیف قرار داشته و با کدام کتاب‌های مشهور می‌تواند همسری کند؟

## چهارمقاله

این کتاب مهم طوری که از نام آن پیداست مرکب از چهارمقاله: به ترتیب زیر (در ماهیت علم دبیری، در ماهیت علم شعر، در ماهیت علم نجوم و در ماهیت علم طب) نگاشته شده و مؤلف آن ابوالحسن احمد سمرقندی ملقب به نظامی عروضی است. گذشته از این که وی استاد بلاغت و انشای دری بود، در علم ادب مهارت داشت و خود نیز شعر می‌گفت؛ چنان که در همین کتاب نمونه‌هایی از اشعار او دیده می‌شود.

تألیف چهارمقاله در حدود (۵۵۰) هـ.ق. به عمل آمده و آن به نام ابوالحسن حسام‌الدین علی شاهزاده غوری اتحاف شده است.

چهارمقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارات در ردیف اول آثار منشور دری شمرد و نمونه و سرمشق نثر دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.

بخشی از محتوای کتاب را شرح حالات و اشعار و مقالات شماری از شعرا و فضلالی معروف آن زمان تشکیل داده «نام اصلی چهارمقاله (مجمع النوادر) بوده، از این که مشتمل بر چهارمقاله می‌باشد، به نام چهارمقاله معروف گردیده است. مؤلف آن ابوالحسن نظام‌الدین احمد سمرقندی بوده که به نام نظامی عروضی معروف می‌باشد و در سال (۵۵۱/۵۵۲ هـ.ق.) تألیف گردیده است. نظامی خود شاعر بود و اشعارش در کتاب‌های چهارمقاله، لباب الالباب، تاریخ گزیده، تذکره الشعرا و دولتشاه سمرقندی موجود است. کتاب مجمع النوادر یا چهارمقاله مشتمل بر یک مقدمه و چهارمقاله بوده و نظم و نسق دربار به این چهار عنصر بسته‌گی دارد و برای تحکیم و تقویت حکم‌روایان موجودیت چهار شخص فوق‌الذکر ضروری است. نگارنده، مقاله خود

را با دیباچه‌یی آغاز می‌کند که موضوع را به معرفی می‌گیرد و در آخر هر مقاله ده حکایت بیان گردیده است که نظرات او را مورد تأیید قرار داده و معلومات تاریخی زیادی به دست می‌آید، در مقاله دوم از شعرای قدیم دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، غوری و دیالم نام برده شده و از جمله افراد متذکره چون: رودکی، عنصری، فرخی، معزی، فردوسی، ازرقی، رشیدی، مسعود سعدسلمان را نقل نموده و در باره کلام شان تبصره کرده است. در مقاله سوم در باره عمر خیام معلومات مهم ارائه گردیده است.

### اسلوب نگارش

اسلوب نگارش چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است، ضرب‌المثل‌ها را به گونه موزون به کار برده و هر واژه را مطابق موقع و محل استعمال نموده که ایجاز و اطناب از حدود خود تجاوز نکرده است. تنها در دیباچه و در آغاز مقاله‌ها اصطلاحات فلسفی، طبیعی، نجوم و طب را به کار برده است. الفاظ و کلمات عربی را در مدح پادشاهان، امرا و اشخاص در عبارت‌های مقفا، موزون و مسجع به کار برده است؛ اما ناخوشایند نیست. چهارمقاله را می‌توان در متقدمین به سیاستنامه، قابوسنامه و تاریخ مسعودی و در متأخران به تذکرة الاولیای عطار، تاریخ گزیده و منشآت قایم مقام مشابه قرار داد.

### ت توضیحات

\* سیاست نامه از مهم‌ترین آثار ادبی زبان فارسی در دوره سلجوقی تألیف ابو علی حسن بن علمی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک که آن را به دستور ملک‌شاه سلجوقی تألیف کرده است.

\* قابوسنامه تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن سکندر بن قابوس بن دستگیر از امیران زیادی است که آن را در سال ۴۷۵ هجری قمری. در نصیحت به فرزند خود گیلاشاه نوشته کرده که دارای چهل و چهار باب است.

\* تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی؛ از تواریخ معتبر دوره غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل سبکتگین نام داشته و سی جلد بوده است که تنها قسمتی که اکنون ازین تاریخ بزرگ در دست است، قسمتی است به نام «تاریخ مسعودی» حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتگین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی و حکومت آلتون تاش تا غلبه سلاجقه می‌باشد.



## بخوانیم و بدانیم

۱- چهارمقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارت در ردیف اول آثار منشور دری شمرد و نمونه و سرمشق دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.

۲- اسلوب نگارش عمومی چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است.



## درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخری واژه ((های غیر ملفوظ)) باشد و در جمله به حیث موصوف مضاف یا منسوب قرار گیرد، بر بالای ((ه)) یک ((ء = یای ابتر)) به عنوان کسره اضافه نوشته می‌شود؛ مانند:

• کتابچه سفید، ستاره درخشان، پرده رنگارنگ (موصوف).

• خانه احمد، خاله محمود، قصه فرهاد (منسوب).

• ستاره اقبال، قبله آمل، کعبه مراد (مضاف).

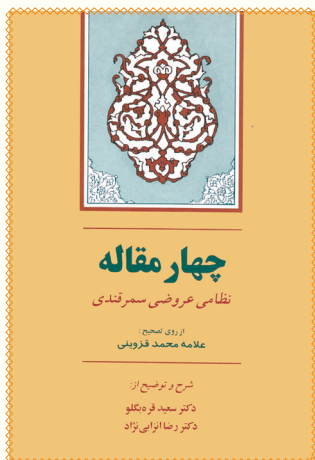
## کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب چهارمقاله به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره اسلوب نگارش چهارمقاله یا مجمع‌النوادر معلومات ارائه دارد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنند:





## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
- ۲- چهارمقاله در ردیف کدام کتاب‌ها قرار دارد؟ در این باره چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- چرا چهارمقاله به این نام مسما گردیده است؟
- ۲- درباره نظامی عروضی سمرقندی چه می‌دانید؟
- ۳- چهارمقاله را با کدام کتاب‌های معروف دیگر می‌توان هم‌سنگ دانست؟
- ۴- آیا چهارمقاله برای حفظ حاکمیت و دولتمداری ضروری است؟ توضیح دهید.

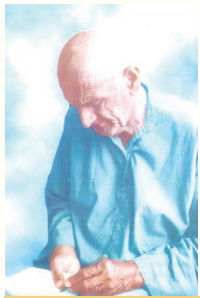
## کارخانه‌گی

- ۱- یک مقاله راجع به نویسنده‌گی بنویسید که در آن قواعد املائی که خواندید تطبیق یافته باشد.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:  
من طریق سعی می‌آرم بجا لیس للانسان الاما سعی  
مولوی
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی داشته باشید.

- شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ ارائه بدارند:
- ۱- محتوای آثار پوهاند حبیبی را چه موضوعات تشکیل داده است؟
  - ۲- سال‌های تولد و وفات دو چهره فرهنگی را مقایسه نمایید؟
  - ۳- محتوای آثار جمشید شعله را چه موضوعات تشکیل داده است؟
  - ۴- آیا حبیبی و شعله که هم عصر هم بوده اند، با هم ملاقاتی داشته اند؟

## دو چهره فرهنگی و ادبی

### پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله



شعله



حبیبی

پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی و ادبی بوده که محقق و تاریخ‌نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان است، حبیبی در سال (۱۲۸۹) ه.ش. در شهر کندهار دیده به جهان گشود. تعلیمات همان وقت را در کندهار به پایان رسانید و در همان جا به حیث معاون جریده «طلوع

افغان» و پس از آن به حیث مدیر و گرداننده آن جریده وزین تقرر حاصل نمود، طلوع افغان را ده سال رهبری کرد. در جریان عهده‌داری استاد حبیبی آن جریده از وضعیت ژورنالستیک خیلی عالی برخوردار بود.

دانشمند و محقق پوهاند عبدالحی حبیبی پس از آن به حیث معاون ریاست مستقل مطبوعات در کابل مقرر شد و با تأسیس فاکولته زبان و ادبیات در پوهنتون کابل، موصوف با اخذ رتبه علمی پوهاند در آن فاکولته تقرر حاصل نمود.

پوهاند حبیبی در سال ۱۳۲۷ ه.ش. از طرف مردم کندهار به حیث عضو شورای ملی کشور انتخاب گردید؛ هنوز دوره وکالت در پارلمان را به پایان نرسانیده بود که به سبب اختلافات با حکومت وقت از کشور بیرون رفت؛ مدتی در شهر کراچی به

فعالیت علمی و ادبی پرداخت و دوباره به افغانستان برگشت. پوهاند حبیبی، مدتی رئیس انجمن تاریخ و مشاور فرهنگی صدارت عظمی بود. دانشمند و تاریخ‌نویس و شاعر و نویسنده کشور تا آخرین روزهای حیات، وقت خود را صرف فعالیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی می‌کرد، عبدالحی حبیبی پس از پس از سالیان دراز ایفای ایفای وظایف استادی، تحقیق و پژوهش در بخش تاریخ، فرهنگ و ادبیات دری و پشتوی کشور ما افغانستان به تاریخ ۲۰ ثور ۱۳۶۳ ه.ش. جهان فانی را پدرود گفت و به ابدیت پیوست.

علاوه بر تألیف و نگارش ده‌ها اثر ذی‌قیمت چاپ شده به زبان پشتو، آثار و تألیفات گران‌بهایی به زبان دری نیز تألیف نموده است، که برخی از آن‌ها را نام می‌بریم:

○ تاریخچه سبک‌های شعر پشتو به زبان دری.

○ ترجمه پته خزانه به زبان دری.

○ ظهورالدین محمد بابر (زنده گی و شخصیت او).

○ تاریخچه خط در افغانستان.

○ افغانستان بعد از اسلام.

○ نگاهی به سلامان و ابدال جامی.

○ هفت کتیبه قدیم.

○ زنده گینامه بوعلی سینا.

○ تاریخ مختصر افغانستان در دو جلد.

○ شناختنامه میا فقیر الله جلال آبادی.

○ جنبش مشروطیت در افغانستان.

○ پنجاه مقاله.

○ ده هزار لغت فارسی به پشتو.

○ مجموعه شعری زیر عنوان «درد دل و پیام عصر».

○ افغان و افغانستان.

○ داستان کوتاه «صندوق جواهر» در باره دیوارهای شیر دروازه و آسمایی.

پوهاند حبیبی علاوه بر این‌ها و تألیفات زیاد و ارزشمند به زبان‌های دری و پشتو، ایراد ده‌ها بیانه علمی و تاریخی در سیمینارها و ورکشاپ‌های ملی و منطقه‌یی و بین‌المللی،

به نگارش صدها مقاله علمی مبادرت جسته بودند.

جمشید شعله شخصیت دیگر فرهنگی، شاعر و ادیب معاصر زبان دری کشور عزیز ما افغانستان است که در سال (۱۲۸۷) هـ.ش. در چاه‌آب ولایت تخار دیده به جهان گشود، از داملا عبدالکریم، مدرس مدرسه سر حوض چاه‌آب و آشنایی با آثار میرزا عبدالقادر بیدل، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، شیخ مصلح‌الدین سعدی و دیگران سواد ابتدایی را آموخت. در دوره امانی در چاه‌آب و خان‌آباد مرکز ولایات قطغن و بدخشان، آموزش دید؛ سپس به معلمی و اداره مکتب پرداخت و یکی از شاعران معاصر کشور می‌باشد.

کلیات چاپ شده وی که حاوی هشتصد صفحه می‌باشد، گواه توانمندی وی در سرایش شعر است.

جریانات سیاسی و چرخش‌های قدرت حاکمیت در دوران حیاتش در کار و زنده‌گی وی تغییراتی را متبازل ساخت؛ اما ماموریت‌های دولتی را نیز عهده دار بود. وی به حیث وکیل منتخب مردم در لویه جرگه سال ۱۳۱۲ هـ.ش اشتراک ورزید؛ پس از کناره‌گیری از وظایف رسمی به پیشه کشاورزی پرداخت.

جمشید شعله به شعر و سخن دسترسی کامل داشته است. اشعار وی پرسوز و گداز است. او در سرایش شعر از سبک هندی پیروی می‌کرد. وی در ولایات تخار، کندز و کابل به فعالیت‌های فرهنگی و ادبی پرداخته و نسل جوان معاصر خود را در همان ولایات به کسب علم و دانش و خدمت به میهن خویش افغانستان تشویق و ترغیب نموده است. موصوف در ماه دلو (۱۳۷۴) هـ.ش. در زادگاه خود جهان فانی را وداع گفت.

از جمشید شعله کلیات شعری (۸۰۰) صفحه‌یی، تاریخ پهلوانان چاه‌آب، یادداشت‌های زندان، جهاد ملت بخارا و حوادث لقی در شمال هندوکش، تفسیر سوره العصر و تاریخ ادیبان بدخشان که همه چاپ شده به یادگار مانده است.

نمونه‌یی از شعر جمشید شعله:

|                                  |                               |
|----------------------------------|-------------------------------|
| خورشید و مه گواه که در زیر آسمان | از عهد آفرینش آزاد زیستم      |
| می‌دان که در مقابل نیرنگ حادثات  | کوه ثبات و غیرت و مردانگیستم  |
| از جیب اتحاد یکی سر کشیده ام     | گر کابلی و بلخی و گر غزنویستم |

یک جوهرم به روح و به پیکر یکیستم  
یعنی که شیر بیشه آزاده گیستم  
جز آن که مرد بودم و مردانه زیستم  
این گونه عاشق وطن از بهر چیستم  
آخر ازین دو روزه جهان رفتنیستم

پشتون مگو، هزاره مدان، تاجیکم مخوان  
روبه نیّم که در تلک بنده گی شوم  
از زنده گی حلاوت دیگر نبرده ام  
عمریست تا منادی توحید می‌زنیم  
آن به که همچو شعله به نام نکوروم

## توضیحات

• زبان مادری پوهاند عبدالحی حبیبی، زبان پشتو بوده؛ ولی یکی از نویسندگان مهم زبان دری نیز می‌باشد و بعضی از کتاب‌ها و ترجمه‌های خود را به زبان دری نگاشته بود که توسط دیگران آن نوع تألیفات و تراجم وی نیز به زبان پشتو برگردانیده شده است.

• جریده طلوع افغان: جریده طلوع افغان به محرری و مدیریت عبدالعزیز خان در قندهار از میزان سال (۱۳۰۰) هـ.ش. به زبان‌های دری و پشتو به نشر آغاز نمود که از جانب دولت تأسیس شده، اما در نشر مطالب و مفاهیم از آزادی کافی برخوردار بود و در بعضی موارد به انتقاد نیز می‌پرداخت و هم در روشن کردن اذهان عامه نقش موثر را ایفا نمود. این نشریه در زمان سلطنت امیر امان الله خان به نشر می‌رسید. پوهاند عبدالحی حبیبی در سال (۱۳۱۰) هـ.ش. مدیر این جریده شد.

• سلامان و ابدال جامی: داستان منظومی است از هفت‌اورنگ جامی که ظاهراً آن را به سال ۸۸۵ هـ.ق. به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قوینلو ساخته است.

• قطعن به ولایات کندز، تخار و بغلان گفته می‌شد و ولایات فعلی بغلان، کندز، تخار و بدخشان دارای یک تشکیل اداری به نام ریاست تنظیمیه بوده و ارگان نشراتی آن «اتحاد» نام داشت که بعدها این نشریه به بغلان منتقل گردید که تا امروز به نشرات خود ادامه می‌دهد.



## بخوانیم و بدانیم

- ۱- پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی، ادبی بوده که محقق و تاریخ نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان است. به هر دو زبان آثار گران‌بهایی از وی باقی ماند.
- ۲- عبدالحی حبیبی دانشمندی بود که جریده «طلوع افغان» را ده سال اداره کرد.
- ۳- با تأسیس پوهنځی ادبیات در پوهنتون کابل حبیبی با اخذ رتبه علمی پوهاند در آنجا مقرر شد.
- ۴- پوهاند عبدالحی حبیبی در سال (۱۲۸۹) هـ.ش. تولد شد و در سال (۱۳۶۳) با زنده‌گی وداع کرد.
- ۵- جمشید شعله در سال (۱۲۸۷) هـ.ش. تولد شد و در سال (۱۳۷۴) با زنده‌گی وداع کرد.
- ۶- شعله علاوه بر کلیات شعری آثار تاریخی دیگری نیز به زبان دری نوشته است.
- ۷- جمشید شعله پس از چند ماموریت و اشتراک در لویه جرگه‌های کشور خود افغانستان به کشاورزی مصروف بود.



## درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، بازهم در میان واژه و پسوند یک (( ی )) علاوه می‌شود که همیشه با واژهٔ پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:
- پسوند تنکیر (ی): فرزانه + ی + ی = فرزانه‌یی، دیوانه‌یی، ستاره‌یی.
- پسوند صفت نسبتی ( ی ) ( فرزه + ی + ی = فرزه‌یی، قرغه‌یی.
- هرگاه حرف آخری واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، ((های غیر ملفوظ)) به جای خویش باقی مانده و پس از آن یک (( گ )) علاوه می‌شود؛ مانند:
- پسوند جمع ((آن)): همسایه + گ + ان = همسایه گان، بیگانه گان، رفته گان.
- پسوند اسم معنی (ی): افسرده + گ + ی = افسرده گی، تازه گی، دیوانه گی.
- هرگاه حرف آخر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوند تصغیر ((ک))
- در میان واژه و پسوند یک (( گ )) علاوه می‌شود، که همیشه با نشانهٔ تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: خانه گک، افسانه گک، قصه گک.

## کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و زنده گینامه دو چهره فرهنگی و ادبی که در این درس خوانده اند بحث و صحبت نمایند؛ سپس نماینده هر یک از گروه‌ها در مقابل صنف آمده، معلومات خود را با همصنفان شریک بسازند.

۲- دو شاگرد به مقابل صنف آمده پیرامون تألیفات و نوشته‌های حبیبی و شعله معلومات دهند.



## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم گرامی قرائت می‌کند، شاگردان به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسند.

۲. نام‌های آثار و تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله را در ورق‌های جداگانه بنویسند.

## خود آزمایی



۱- آثار باقی‌مانده پوهاند عبدالحی حبیبی اکثراً دارای چگونه محتوا بوده به چند زبان تألیف دارد؟

۲- محتوای آثار باقی‌مانده جمشید شعله را اکثراً چه چیزی تشکیل می‌دهد؟

۳- وجوه اشتراک فعالیت‌های این دو چهره فرهنگی و ادبی معاصر را در چه چیزها می‌بینید؟

## کارخانه‌گی



۱- در باره تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله تبصره‌یی نوشته بیاورید.

۲- درس بعدی را دقیق مطالعه نمایید تا آماده ارائه پاسخ به پرسش‌های استاد خود باشید.

## درس پانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. معلولیت چیست؟ ۲. وظایف ما، در برابر افراد دارای معلولیت چیست؟
۳. عوامل معلولیت کدام است؟ ۴. مهم‌ترین مشکلات معلولان چیست؟

### معلولیت

بر اساس معیارهای علمی، معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا عدم توازن در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، حین انجام فعالیت‌هایی که به طور طبیعی از هرانسان انتظار می‌رود، محدودیت دارد یا ناتوان است. معلول جسمی به فردی گفته می‌شود که در یک یا چند عضو؛ مانند: دست‌ها، پاها، لگن خاصره، ستون فقرات و گردن دارای نقص باشد. طوری که قادر به انجام بخشی از فعالیت‌های عادی توسط آن اعضا نباشد، و آن شامل انواع فلج‌ها، عدم توازن در اسکلت‌بندی، اختلالات بیولوژیکی (بیماران قلبی، کلیوی، ریوی و...) و سال‌مندان می‌باشد. البته در مجموع همه این‌ها عیب نیست؛ بلکه نوعی تفاوت است. تفاوتی که فرد معلول را از دیگران جدا می‌سازد، چیز مطلوب و خوشایندی نیست؛ زیرا معمولاً توانایی او را برای انجام بعضی فعالیت‌های طبیعی محدود می‌کند. از این رو بهتر است که علل و عوامل ایجاد آن شناخته شود و تا حد ممکن از وقوع آن پیشگیری به عمل آید. عمده‌ترین علل و عوامل معلولیت عبارتند از: عدم توازن ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های میکروبی، استفاده خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحه طبیعی و غیرطبیعی که اکثر آن‌ها قابل اجتناب و جلوگیری اند. اما واقعیت‌ها نشان می‌دهد، که با وجود همه دستاوردهای علمی و توسعه تکنالوژی، معلولیت همچنان عارضه‌ی پایدار است و امکان براندازی آن از میان نوع بشر هنوز فراهم نشده است. هر چند تفاوت یا نقص و عدم توازن موجود در فرد معلول، معمولاً پایدار و درموردی غیرقابل معالجه است؛ اما میزان ناتوانی یا کم‌توانی معلولان، بسته به شدت و ضعف عوامل معلولیت، می‌تواند تخفیف یابد یا کاملاً جبران شود.

این افراد حق دارند هم‌مانند دیگران از حقوق سایر اتباع کشور مستفید شوند؛ اما به دلیل نامناسب بودن فضاها و محیط‌های شهری و موانع فرهنگی از کم‌ترین حقوق



خود بی بهره اند. طوری که با دیده‌ی ترحم نگرستن بسیاری از افراد جامعه و یا شنیدن اصطلاحات و واژه‌های منفی و مبتذل از اشکال معلولیت، آن‌ها را آزار می‌دهد. از مهم‌ترین مشکلات معلولان در جامعه ما، بیکاری است که خود موجب بروز مشکلات روحی، روانی و بیش از همه عدم اعتماد به نفس می‌شود. جامعه‌شناسان ثابت کرده‌اند که مشکلات روانی یک فرد معلول که زاینده عدم آمیزش او با محیط اطراف است، سبب گوشه‌گیری آن فرد می‌شود، که می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری بر جامعه و مناسبات حاکم بر آن داشته باشد.

افراد معلول برای برطرف کردن نیازهای مادی و در دست گرفتن امور زنده‌گی خویش، لازم است به خود متکی باشند تا بتوانند جلو دلسوزی‌های بیهوده افراد دیگر را بگیرند و این امر از طریق اشتغال و استقلال مالی آنان امکان پذیر می‌شود. در پهلوی آن، معلولان باید در دسترسی به تعلیم و تربیه و شرکت کامل در زنده‌گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند. زیرا قراردادان کودکان معلول در کنار کودکان سالم نه تنها به پذیرش تفاوت در قدرت حرکت، که میان آن‌ها وجود دارد، کمک می‌کند و تحمل و احترام متقابل را افزایش می‌دهد؛ بلکه اصل عادی ساختن معلولیت را نیز تحقق می‌بخشد. متأسفانه با آن که در حال حاضر معلولان در جامعه ما تعداد قابل توجهی را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین امکانات و تسهیلات برای زنده‌گی، رفت و آمد، تعلیم و تربیه، تفریح و ورزش آنان فراهم نگردیده است. برای معلولان زنده‌گی در خانه راحت کافی نیست. آن‌ها باید بتوانند بدون کمک دیگران به محل کار خود بروند، به مکتب یا کلب ورزشی مراجعه کنند یا حداقل به تماشای مسابقات ورزشی بروند و در فضای باز گردش، و تفریح کنند.

بنابراین با در نظر داشت این که اشخاص دارای معلولیت، جزیی از اجتماع ما هستند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی در برابر جامعه دارند، ما نیز در برابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم، که برخی از آن مسؤولیت‌ها را چنین برمی‌شماریم:

- بلند بردن سطح آگاهی عامه نسبت به حقوق و توانمندی‌های اشخاص دارای معلولیت.
- همکاری با اشخاص دارای معلولیت در وقت ضرورت شان.
- دادن حق اولویت در استفاده از بس‌ها، بانک‌ها، نانوایی‌ها، مغازه‌ها و سایر بخش‌های خدمات عامه.
- سهیم ساختن آن‌ها در سایر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.
- ایجاد زمینه‌های کاری مناسب، مطابق با توانایی‌های شان.
- حفظ احترام و عدم استفاده کلمات منفی بیانگر انواع مختلف معلولیت‌ها در برابر ایشان.



## بخوانیم و بدانیم

۱. معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا ناهنجاری در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، در انجام برخی از فعالیت‌ها محدودیت دارد یا ناتوان است.
۲. عوامل معلولیت عبارتند از: ناهنجاری‌های ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های میکروبی، استفاده خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحه‌های طبیعی و غیرطبیعی.
۳. از مهم‌ترین مشکلات معلولان در جامعه ما، بیکاری است.
۴. معلولان باید در دسترسی به زنده‌گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند.
۵. اشخاص دارای معلولیت، جزیی از اجتماع ما استند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی در برابر جامعه دارند، ما نیز در برابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم.



## درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، {الف} از آغاز این‌ها حذف نشده، به شمول (اند)، برجای خویش باقی می‌ماند؛ مانند:
 

|                        |                  |
|------------------------|------------------|
| O استم: فرزانه استم    | ام: فرزانه‌ام    |
| O استیم: همسایه استیم  | ایم: همسایه‌ایم  |
| O استی: افسرده استی    | ای: افسرده‌ای    |
| O استید: مستانه استید  | اید: مستانه‌اید  |
| O است: بیگانه است      | است: بیگانه‌است  |
| O استند: بی‌خانه استند | اند: بی‌خانه‌اند |

## کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد «نیازهای معلولان» و گروه دوم در مورد «وظایف دولت و اجتماع در برابر معلولان» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک تن شان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع « توانایی های معلولان » ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.



### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
۲. در مورد « وظایف جامعه در برابر معلولان » یک متن هفت سطری بنویسید، که در آن حداقل سه بار، واژه های مختوم با { های غیرملفوظ } در هنگام پیوستن با افعال اسنادی قرار گرفته باشد.

### خود آزمایی

۱. معلولیت چیست؟ انواع آن کدام است و معلولیت جسمی به چه نوع آن گفته می شود؟
۲. عوامل معلولیت را صرف نام ببرید.
۳. مهم ترین مشکل معلولان در جامعه ما چیست و راه های حل آن کدام است؟
۴. وظایف جامعه و دولت در برابر معلولان چیست؟
۵. هرگاه حرف آخر واژه، { های غیرملفوظ } باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی چگونه نوشته می شود؟

### کارخانه گی

۱. در مورد « راه های حل مشکلات معلولان » متنی در ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید  
 با عاجزان فروتنی آثار عزت است      از هر که همسر تو نباشد فزون مباش  
 بیدل
۳. متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرد.

## درس شانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. گارسیا مارکیز که بود؟ ۲. او چه کارهایی را در بخش ادبیات انجام داده است؟
۳. او در کجا و در کدام سال تولد یافت؟ ۴. او در کدام بخش‌ها کار کرده است؟
۵. چرا او برنده جایزه نوبل شد؟
۶. شما شخصیت او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

### گابریل گارسیا مارکیز



گابریل گارسیا مارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازنده آمریکای جنوبی، در ششم مارچ سال ۱۹۲۸ میلادی، در دهکده آرکاتاکای کشور کولمبیا چشم به جهان گشود. والدینش تربیت او را به عهده پدرکلانش «نیکولامارکیز»، که یک افسر نظامی بود، گذاشتند و او این کار را به بهترین وجه انجام داد.

گابریل مارکیز اولین نوشته‌هایش را در روزنامه «جوونتود»، که مخصوص شاگردان مکاتب بود منتشر کرد و نخستین داستانش زیرعنوان «سومین استعفا» در سال ۱۹۴۷ میلادی به نشر رسید. همچنان وی در همین سال به تحصیل رشته حقوق و ژورنالیزم در «دانشگاه ملی بوگوتا» پرداخت. نخستین مجموعه داستانی اش در سال ۱۹۴۰ میلادی به نشر رسید و در سال ۱۹۵۵ میلادی نخستین ناول او زیرعنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. بزرگ‌ترین اثرش «صد سال تنهایی» عنوان دارد که در خلال سه سال آن را به پایان رسانیده است. این رمان که به او شهرت و آوازه جهانی بخشید، به عقیده اکثر منتقدان، شاهکار او به شمار می‌آید. وی در سال ۱۹۸۲ میلادی برای همین رمان، برنده جایزه نوبل ادبیات شناخته شد.

مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی رسماً مرد سال آمریکای لاتین شناخته شد و در سال ۲۰۰۰ میلادی مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، از وی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت. تاکنون آثار او به بیشتر از هژده زبان زنده دنیا

ترجمه شده است.

اینک قسمتی از داستان گارسیا مارکیز را به گونه نمونه می خوانیم:

### میخواستم فقط تلفون کنم

بعد از ظهر یکی از روزهای بارانی ماه اپریل، «ماریا لیوز سرفانتز» می خواست، خود را به شهر «بارسلونا» برساند. از بیخت بد، موتر کرایش در وسط یک دشت خراب شد. ماریا زن مکسیکویی ۲۷ ساله، با مردی که شغل شعبده بازی داشت، ازدواج نموده بود. او در این روز بارانی، پس از دیدار با خویشاوندانش، می رفت تا با شوهرش ملحق شود. پس از یک ساعت اشاره های بی نتیجه به موترها و لاری های باربری بی که مثل تند باد از جلوش می گذشتند، بالاخره راننده یک سرویس کهنه و فرسوده برایش دل سوختانده و گفته بود که بیشتر از چند کیلومتر به پیش نخواهد رفت و ماریا برایش جواب داده بود: «فرقی نمی کند، من صرف به یک تلفون ضرورت دارم». راست هم می گفت. باید به شوهرش اطلاع می داد که پیش از ساعت هفت شام نمی تواند به خانه برسد.

درین سرویس، خانمی با شکل و شمایل یک نظامی، اما با ژست ها و حرکات مهربانانه و ملایم، ماریا را در پهلوی خود نشاند و برایش یک کمپل و یک رویپاک داد. ماریا سروصورت خود را با آن اندکی خشک کرد و هنگامی که روی خود را می گشتاند، دید که همه راکبین خود را در میان کمپل ها پیچیده و خوابیده اند. ماریا هم که زیر تأثیر فضای آرام موتر رفته بود، خود را روی چوکی جمع و جور کرد و ذهن و خیالش را به هیاهوی باران سپرده به خواب رفت. وقتی از خواب بیدار شد، دید که سیاهی شب همه جا پخش شده و توفان شدید چند ساعت پیش، به یک باران سرد و آرام تبدیل شده است. هیچ برایش معلوم نبود که چقدر دیر خوابیده و به کجا رسیده است؛ ولی زن پهلویی اش در حال آماده باش، هوشیار و بیدار نشسته بود. ماریا از زن پرسید: «کجا رسیدیم؟... در کدام منطقه هستیم؟» زن برایش جواب داد: «حالا میرسیم». بالاخره موتر سرویس در محوطه حویلی یک عمارت کهنه - که به یک صومعه قدیمی شباهت داشت و با درخت های بلندی احاطه شده بود - داخل شد و زن نظامی پوش با لهجه خشنی شروع کرد به پایین کردن راکبین. ماریا فکر کرد که شاید این زن ها راهبه باشند؛ اما وقتی متوجه شد که چندین زن دیگر با یونیفورم نظامی درانجا منتظر استند، به اشتباه خود پی برد...



## بخوانیم و بدانیم

۱. گابریل گارسیامارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازندهٔ امریکای جنوبی، در ششم ماه مارچ سال ۱۹۲۸ میلادی، در دهکدهٔ آرکاتا کای کشور کولمبیا چشم به جهان گشود.
۲. نخستین مجموعهٔ داستانی اش در سال ۱۹۴۰ به نشر رسید و در سال ۱۹۵۵ نخستین ناول او زیر عنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.
۳. بزرگ‌ترین اثر او «صد سال تنهایی» عنوان دارد. این رمان که به او شهرت و آوازهٔ جهانی بخشید در سال ۱۹۸۲ میلادی برندهٔ جایزه نوبل ادبیات شناخته شد.
۴. تاکنون آثار او به بیش از هژده زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است.
۵. مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی رسماً مرد سال امریکای لاتین شناخته شد.
۶. یک سال پس از آن، مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، از وی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت.



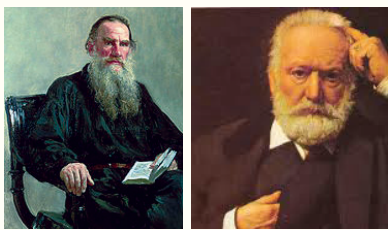
## درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود، خویش، خویشتن»، ضمائر اضافی «ت، ش، م» و «تان، شان، مان»، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود:
- در هنگام پیوستن با پسوندهای اضافی «ت، م، ش»، میان واژه و پسوند یک {الف} علاوه می‌شود؛ مانند:
    - ت: خانه ات، خنده ات، گفته ات.
    - م: گریه ام، جامه ام، دوباره ام.
    - ش: نامه اش، کتابچه اش کرانه اش.
  - در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود، خویش، خویشتن» و ضمائر اضافی «تان، شان، مان»، میان واژه و یکی از ضمائر یادشده، یک کسرهٔ اضافه به شکل {ء = همزه} نوشته می‌شود؛ مانند:
    - خود: جامهٔ خود، گردهٔ خود، نوشتهٔ خود.
    - خویش: گفتهٔ خویش، پردهٔ خویش، خانهٔ خویش.
    - خویشتن: خامهٔ خویشتن، سرودهٔ خویشتن، کردهٔ خویشتن.
    - تان: نامهٔ تان، قصیدهٔ تان، کتابچهٔ تان.

- شان: خنده شان، گریه شان، مویه شان.
- مان: رویه مان، طبله مان، دیده مان.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. درین قسمت شاگردان باهم گفتگو کنند و سه تن شان برداشت های ذهنی و عاطفی خود را از داستان «می خواستم فقط تلفون کنم»، در برابر صنف بگویند.
۲. شاگردان در باره تصاویر سخنرانی کنند.



تولستوی

ویکتور هوگو

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
۲. شما کدام اثر از کدام نویسنده افغان را شایسته دریافت جایزه نوبل می دانید، و به چه دلیل؟ درین مورد، متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.

## خود آزمایی

۱. چرا مردم کولمبیا به «مارکیز» نامه نوشتند، که عهده دار ریاست جمهوری کشور شود؟
۲. از داستانی که خواندید، چه چیزهایی آموختید؟ مفصلاً شرح دهید.
۳. شخصیت ادبی و اجتماعی «مارکیز» را با شخصیت ادبی و اجتماعی یک نویسنده افغان به طور مقایسوی بیان کنید.

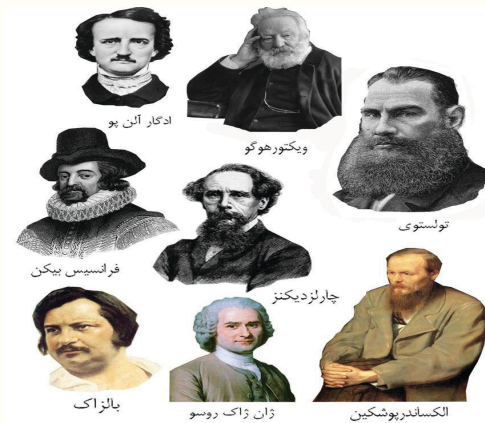
## کارخانه گی

۱. این بیت را به حافظه بسپارید و پیرامون آن چند سطر بنویسید.  
 اوج دولت سفله طبعان را دو روزی بیش نیست  
 خاک اگر امروز بر چرخ است فردا زیر پاست  
 بیدل
۲. متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز بعدی آماده گی بگیریید.

## درس هفدهم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. به نظر شما مکتب‌های ادبی چیست و چه چیزهایی شامل آن می‌شود؟
  ۲. کدام عوامل در به میان آمدن مکتب‌های ادبی نقش بازی می‌کنند؟
  ۳. شما کدام یک از مکاتب ادبی را می‌پسندید و چرا؟

### مکتب‌های ادبی



در مقوله‌های ادبی و هنری، مکتب عبارت است از راه، روش، سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد. در این درس به شرح روند پیدایش، تکامل و زوال آن عده از مکتب‌های ادبی می‌پردازیم که در جریان دیگر گونیهای اجتماعی

اروپا پدید آمده و نماینده‌ی نیاز جامعه در دوره‌ی خاص خود بوده اند:

اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس و اومانیسم پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است. این مکتب کلاسیسیزم نامیده می‌شود.

کلاسیسیزم: معمولاً آثار ادبی کهن و قبول شده‌ی هر کشور را که دارای اصول و قواعد مدون و پذیرفته شده باشد، با صفت کلاسیک مشخص می‌کنند؛ ولی در شناخت مکتب‌های ادبی اروپا، آثار ادبی کلاسیک، به آثاری گفته می‌شود که متعلق به مکتب کلاسیسیزم باشد.

هنر کلاسیسیزم اصلی در حقیقت همان هنر یونان و روم قدیم است، که در قرن



شانزدهم درایتالیا و اسپانیا؛ سپس در قرن هفدهم در فرانسه، به دنبال نهضت اومانیزم، سرمشق قرار گرفت، و هنرمندان فراوانی آثارشان را به پیروی از قواعد ثابت و مشخصی که از ادبیات یونان و روم، به ویژه از نظرات ارسطو اقتباس شده بود پدید آوردند. در نظر کلاسیک‌ها، هنر اصلی شاعر یا نویسنده، رعایت دقیق اصول و قواعد کلاسیسیزم بود. قواعد کلاسیسیزم عبارت بود از: تقلید از آثار خردمندان، توجه به طبیعت، پایبندی به اصول مذهبی و اخلاقی، رعایت خوشایندی و آموزنده‌گی، روشنی و ساده‌گی و حقیقت‌نمایی اثر، و وجود هماهنگی در آن و حفظ وحدت موضوع، زمان و مکان. در دوره کلاسیک‌ها هنر به طبقه اعیان و اشراف اختصاص داشت. نماینده‌گان معروف این مکتب عبارت بودند از «میلتون»، «فرانسیس بیکن» و «بن جانسون» در انگلستان و «ورنی» و «راسین» در فرانسه.

**رمانتیسم:** نهضت رمانتیک در اواخر قرن هژدهم و آغاز قرن نوزدهم پا به پای انقلاب صنعتی پدید آمد. پیروان این مکتب معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بندهای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و لذت بردن از آن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس، تخیل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند و هنر را در راه خدمت به مردم به کار گرفتند. بعدها این نهضت بر موسیقی و نقاشی نیز اثر گذاشت.

رمانتیسم از کلمه «رمان» گرفته شده است. تا قرن یازدهم و دوازدهم، موضوعات ادبی، ماجراهای پهلوانی شوالیه‌ها و مردان شمشیرزن، و کارهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده به زبان رومی بود، که رمان نامیده می‌شد، ولی کلاسیک‌ها آثار خود را به زبان لاتینی می‌نوشتند. از این رو پیروان مکتب رمانتیسم که مخالف مکتب کلاسیک بودند، خود را رمانتیک نامیدند.

رمانتیک‌ها تنها به زیبایی توجه نداشتند؛ بلکه به شرح و بیان و توصیف حالات قهرمان و تمایلات و آرمان‌های او نیز می‌پرداختند. نماینده‌گان مهم مکتب رمانتیک عبارت بودند از: «ژان ژاک روسو»، «شاتوبریان»، «ویکتور هوگو»، «لامارتین»، «آلفرد دوموسه»، «مادام استاندال» و «آلفرد دووینی» در فرانسه، «شیلر» و «گویته» در آلمان، «بایرون» در انگلستان و «لرمانتوف» و «پوشکین» در روسیه.

**ریالیزم:** مکتب ریالیزم در اواسط قرن نوزدهم به عنوان واکنشی در برابر مکتب رمانتیزم پدید آمد. ریالیزم یعنی واقع گرایی.

بنیان گذار این مکتب «بالزاک» فرانسوی است. «چارلز دیکنز» از انگلستان، و «داستایوسکی» و «تولستوی» از روسیه، از نویسندگان نامی این مکتب اند.

**ناتورالیزم:** طرفداران این مکتب به این امر باور دارند که طبیعت آنچنان که دیده و درک می شود در آثار ادبی و هنری شان انعکاس داده شود و به صیقل نمودن واقعیت های بیرون ذهن انسان پرداخته نشود.

**سمبولیزم:** سمبولیزم از واژه «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است سمبولیست ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نوزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آنها از شیوه بیان صریح در شعر خودداری می کردند و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاری و سمبولیک (نمادین) بیان می داشتند. این نهضت بعدها در هنرهای دیگر نیز رایج شد. آنها در آثار خود به خواب و خیال و رؤیا و رازهای نهفته روان، و اندیشه های دور و دراز توجه داشتند.

سمبولیست ها شاعران نا امید و بدبین بودند، و این حالت در انتخاب موضوع و چگونگی توصیف در شعر آنها آشکار است.

سمبولیست ها و پدیده ها و اشیا را چیزی ثابت و خارج از تصور درونی شان نمی پنداشتند. آنها معتقد بودند که واقعیت اشیا همان درکی است که ما به واسطه حواس خود از آنها در درون ذهن خود داریم.

سمبولیست ها زبان شعر را درهم ریختند و کوشیدند که شعرشان مانند موسیقی با کمک وزن و آهنگ، احساسات و عواطفی را که با زبان معمول نمی توان بیان داشت، به خواننده القا کنند. بدین ترتیب آنها در شکل شعر و در ترکیب و کاربرد کلمات و وزن شعر، آزادی نامحدودی قایل بودند.

«موریس مترلینگ»، «ادگار آلن پو» و «شارل بودلر» از نمایندگان معروف این مکتب استند.

مکتب های دیگر ادبی که بعد از مکتب سمبولیسم پدید آمده اند به ترتیب عبارت اند از: سورریالیزم، امپرسیونیسم، پاراناسیزم، دادیزم، وریزم، فوتوریزم، ناتوریزم، و یومانیسم.

مکتب‌های ادبی اروپایی، معمولاً با مکتب کلاسیک آغاز می‌شود و اساسی‌ترین تعریفی که از این مکتب ارائه می‌شود، «بازگشت به هنر قدیم یونان و روم به تبع نهضت یومانیسم و رنسانس است.»



### بخوانیم و بدانیم

۱. مکتب عبارت است از راه، روش سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد.
۲. اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است.
۳. رمانتیست‌ها معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بند های مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و استفاده از آن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس، تخیل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند.
۴. ریالیسم یعنی واقع‌گرایی. هنرمند ریالیست در آفرینش اثر خود جهان را آن‌چنان که هست باز می‌نماید، نه آن‌چنان که باید باشد.
۵. مکتب ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) در اواخر قرن نوزدهم پدید آمد. در این مکتب نویسنده در اثر خود به تقلید طبیعت می‌پردازد.
۶. سمبولیسم از واژه «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است. سمبولیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نوزدهم، در برابر مکتب ریالیسم و ناتورالیسم به پا خاستند. آن‌ها از شیوه بیان صریح در شعر خودداری می‌کردند، و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاره‌ای و سمبولیک (نمادین) بیان می‌داشتند.



### درست بنویسیم

- تعریف الف مقصوره: در عربی «الف مقصوره» یایی {ی} است در پایان واژه‌ها، که {آ} خوانده می‌شود. چنین واژه‌ها در املائی دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛

مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

• تعریف تنوین: تنوین، نون ساکنی است که در پایان اسمای عربی درمی آید و تلفظ می شود؛ اما نشانه صدای {ن} نوشته نمی شود؛ مانند: صراحتاً، مجازاً، اصطلاحاً و...

بنا بر قاعده کلی و رایج، در پایان واژه مورد نظر، یک {الف} می افزاییم و بالای آن «دو زبر» می نویسیم؛ مانند: اصلاً، اجمالاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، رأساً، مثلاً، ابداءً، فوراً، مختصراً، حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتاً، ندرتاً.

در زبان عربی در پایان واژه های مختوم به همزه، الفی افزوده و نشانه تنوین را بر سر آن می گذارند؛ مانند: استثناء، جزء، ابتداء؛ اما در زبان دری، الف حذف شده و نشانه

تنوین «دو زبر» بر سر همزه نوشته می شود؛ مانند:

- - استثناء                      استثناءً
- - جزء                            جزءً
- - ابتداء                        ابتداءً

### کار گروهی و سخنرانی

• شاگردان در دو گروه مقابل هم قرار گرفته و در مورد پرسش های زیر با هم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه بحث را به دیگران انتقال دهد:

۱- اولین مکتب ادبی اروپایی در کجا و چه وقت به وجود آمد؟

۲- رومانست ها چگونه عقیده داشتند؟

۳- در باره مکتب ریالیزم چه می دانید؟

۴- مکتب ناتورالیزم چگونه مکتب است؟

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.

۲. چند کلمه بنویسید که مختوم به الف مقصوره و مختوم با تنوین باشد.

## خود آزمایی

۱. مکتب چیست و مکتب‌های ادبی چه معنایی را افاده می‌کند؟
۲. نخستین مکتب ادبی اروپا چه وقت به وجود آمده، در کدام عهد گسترش یافته و دارای کدام اصولی مدون شده است؟
۳. کلاسیسم چیست و آثار کلاسیک به چه نوع آثاری گفته می‌شود؟
۴. رمانتیست‌ها در تخلیق آثار ادبی معتقد به چه چیزی بودند؟
۵. ریالیزم چیست و هنرمند ریالیست در آفرینش اثر خود بیشتر به چه چیزی توجه دارد؟
۶. الف مقصوره چیست و چگونه باید نوشته شود؟
۷. سمبولیزم چیست و شیوه بیان آن چگونه است؟

## کارخانه‌گی

۱. تفاوت‌های عمده میان مکتب‌های ادبی کلاسیسیزم و رمانتیزم را در حد اقل یک صفحه شرح دهید؟
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:  
گل‌ها تمام پنبه گوش تغافل اند      بلبل به هرزه سرنکنی داستان ما  
وضع خموش ما زسخن دلنشین تراست      با تیر احتیاج ندارد کمان ما  
بیدل
۳. متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

- ۱- ازدواج چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- پیامبر خدا درباره نکاح چه فرموده اند؟
- ۳- آیا در نکاح رضایت دختر و پسر بالغ شرط است؟ توضیح دهید.
- ۴- محدث بزرگ امام بخاری رحمة الله عليه درباره پیوند ازدواج چه گفته است؟
- ۵- ازدواج اجباری در جامعه سبب بروز کدام عوامل و مشکلات می‌گردد؟ توضیح دهید.

## ازدواج‌های اجباری

الله متعال پیوند ازدواج را از نشانه‌ها و آیات خود در روی زمین خوانده و در مورد این رشته مقدس و مبارک در سوره الروم، آیه ۲۱ فرموده است: ترجمه: و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان تان مؤدت و دوستی و رحمت قرار داد. بدون شک درین چیزها نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

به ارتباط تفسیر و فواید و آموختنی‌های این آیه مبارکه چند نقطه در خور دقت و تأمل است:

- ازدواج یکی از نشانه‌های علم و قدرت خداوند عز وجل است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند و تقویت ایمان می‌شود.

- تأکید و تصریح بر این که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی باهم برابر اند.

- ازدواج نظام و قانونیت الهی که از طرف خداوند عز وجل تشریح شده و ازین سبب دارای قدسیت و جایگاه مهم است.

- هدف از ازدواج رسیدن انسان‌ها (زن و مرد) به آرامش روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی می‌باشد. زنده‌گی آرام و پر از سعادت و اطمینان و استقرار در گرو پیوند

ازدواج است.

- اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رأفت، رحمت و دلسوزی متقابل بین خانم و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند. به خاطر همین اهمیت حیاتی ازدواج است که دین اسلام پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده امر نموده و در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی بر ضرورت پیوند ازدواج تأکید جدی صورت گرفته است.

پیامبر ﷺ ازدواج را راه و روش یعنی سنت خویش خوانده و فرموده اند: نکاح و ازدواج از سنت و روش من است و هر کسی سنت من را ترک کند از جمله اتباع و پیروان من نیست.

چون ازدواج از جمله مهم‌ترین عقود به شمار می‌رود و در قرآن کریم از آن به «میثاق غلیظ» یعنی پیمان بسیار مستحکم و قوی یاد شده است. بنابر آن در فقه اسلامی به رضایت هر دو طرف عقد ازدواج یعنی زن و مرد در صورتی که عاقل باشند توجه و اهتمام جدی صورت گرفته است و عقدی که در آن رضایت یکی از عاقدان موجود نباشد فاقد اعتبار شرعی است.

محدث بزرگ امام بخاری (رح) در صحیح بخاری بابی را چنین عنوان گذاری کرده است: «اگر پدری دخترش را در حالی به ازدواج بدهد که او (دختر) راضی نیست نکاح او مردود است».

در حدیثی بریده بن عبدالله از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که یکی از صحابه‌ها نزد ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آمده و گفت که پدرش وی را بر خلاف رضا و رغبت او به ازدواج با پسر کاکایش وادار می‌کند. حضرت عایشه به دختر گفت: «صبر کند تا پیامبر ﷺ تشریف بیاورند» وقتی پیامبر ﷺ تشریف آوردند پدر دختر را نزد خود خواسته به او امر کردند تا دخترش را به ازدواج با کسی که رضایت ندارد مجبور نسازد.

پس از آن دختر به پیامبر اکرم ﷺ گفت: که با ازدواج با پسر کاکایش موافق است و خاطر نشان ساخت که برای آن این کار را کرد تا همه بدانند که کسی دخترش را به زور به کسی که دختر به او راضی نیست به نکاح داده نمی‌تواند.

وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج، سبب می‌شود تا اهداف، فواید و اغراضی را که خداوند متعال برای ازدواج و کانون خانواده تشریح فرموده است به دست نیاید؛ زیرا ازدواجی که از روی جبر و زور صورت گرفته باشد هیچ‌گاهی باعث به میان آمدن فضای مؤدت، محبت، و رحمت و دلسوزی بین زن و شوهر نشده بر عکس مخالفت، دلسردی، بغض، کینه، و سایر پدیده‌های منفی را بین زن و شوهر به وجود می‌آورد که سبب فروپاشی کانون خانواده می‌گردد. از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطه سرد و تیره همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جار و جنجال‌های دایمی میان والدین از عطف و شفقت و بر آورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می‌باشد، محروم مانده با روان و ذهن پر از عقده بار می‌آیند که در نتیجه زنده‌گی آینده آنان توأم با مشکلات زیادی برای خود آنان و دیگران خواهد بود.

بدون شک فرزندان به فضای گرم پر از محبت و صمیمیت و رحمت و شفقت خانواده‌گی نیاز دارند و تنها خانواده‌ها و والدینی قادر به تقدیم فرزندان صالح و سالم به جامعه اند که رابطه پدر و مادر و سایر اعضای خانواده در آن خانواده مستحکم و مملو از اصل قرآنی باشد.

ضرر دیگر وجود اکراه و اجبار در ازدواج این است که اگر این پدیده منفی و غیر اسلامی در جامعه شیوع پیدا کند سبب بروز مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی فراوان برای جامعه و نهادهای مربوط به آن در تمام عرصه‌های زنده‌گی می‌شود. این به آن سبب است که از نظر علم جامعه‌شناسی خانواده واحد هسته اساسی تشکیل جامعه بوده و به صورت مثبت و منفی بر روند اجتماعی تأثیر گذار است. بسیاری از مشکلات و نابسامانیهای اجتماعی ریشه در مشکلات خانواده‌گی داشته و حل آنها بدون حل مشکلات خانواده‌ها ممکن و میسر نمی‌باشد.

با ایقان می‌توان اسباب بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی در جامعه افغانستان مانند: دشمنی، خصومت، جنگ، مخالفت‌های ذات‌البینی و حتی عوامل برخی از جرایم خطرناک را در ازدواج‌های اجباری و پیامدهای ناگوار آن جستجو کرد. وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است



که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند. زنان بنابر عوامل و اسباب مختلف آسیب پذیرترین قشر جامعه مصدوم از ازدواج اجباری بوده بیشتر از زنان از پیامدهای زیان‌بار این مرض اجتماعی متضرر می‌شوند.

قوانین نافذ کشور نیز از سالیان دراز به این سو بر ممنوعیت اجبار در ازدواج با صراحت تاکید دارد، مگر بنابر عوامل مختلف، خصوصاً عدم آگاهی برخی از مردم از احکام شریعت اسلامی، ضعف التزام و پابندی به احکام دینی، وجود رسم و رواج‌های خرافی و مخالف با دین اسلام و تعلیمات انسان‌ساز آن، هنوز هم در بعضی موارد رضایت دختر یا پسر بالغ در امر ازدواج و عقد نکاح در نظر گرفته نمی‌شود که پیامدهای ناگوار آن بر زنده‌گی قربانیان این چنین ازدواج‌ها کاملاً مشهود بوده و سرنوشت صدها جوان اعم از مرد و زن را به سوی تاریکی و تباهی سوق می‌دهد.

مبارزه با پدیده شوم ازدواج اجباری مانند مبارزه با سایر امراض و مشکلات اجتماعی رسالت و مسؤولیت دولت، افراد و خانواده‌ها، رسانه‌ها و مؤسسات تعلیمی و منابر مساجد و تکایا می‌باشد. درین ارتباط نقش و مسؤولیت علمای دینی، دانشمندان، فرهنگیان و اهل قلم و اندیشه بسیار جدی و مهم است.

نقطه بسیار مهم و جوهری که باید به ارتباط راهکارهای مبارزه با ازدواج‌های اجباری به حیث یک پدیده منفی اجتماعی و غیر اسلامی به آن توجه کرد این است که باید فرهنگ و ثقافت ناب و اصیل اسلامی در جامعه عام شود و نسل‌های امروز و فردای کشور ما اعم از زنان و مردان بر بنیاد ایمان، عقاید، احکام و ارزش‌های سچة اسلامی به صورت متوازن و به دور از افراط و تفریط تربیت گردند و در روند و نظام تعلیم و تربیه کشور ما به سه اصل مهم اصلاح فرد، خانواده و جامعه در روشنی احکام و تعلیمات و ارزش‌های دین اسلام به حیث نظام و قانون مکمل و همه جانبه زنده‌گی، و با استفاده از تجارب سالم و نیک انسانی که با عقاید و باورهای دینی و عنعنات مقبول و پسندیده ملت مسلمان ما تصادم و تناقض نداشته باشد، توجه جدی و مناسب صورت بگیرد.

وقتی که آگاهی، فرهنگ، اخلاق و تربیت اسلامی در جامعه ترویج یافته پابندی به احکام و ارزش‌های والای انسانی اسلام به حیث نظام و قانون زنده‌گی عام شود بدون تردید مظالم، مفاسد، ناهنجاری‌ها و انحرافات از جامعه رخت بر می‌بندد و جایی برای

امراض اجتماعی از جمله ازدواج‌های اجباری باقی نمی‌ماند. این کار از راه تشریک مساعی مخلصانه بین ملت و دولت و هماهنگی میان نهادهای تعلیمی، تربیتی و اجتماعی و رسانه‌هایی که با اخلاص و جدیت برای خیر و بهبود ملت کار و مسؤولانه و مثبت عمل می‌کنند و تعمیر و اصلاح را بر تخریب و فساد ترجیح می‌دهند ممکن می‌باشد.

**ت دو ضمیمه**  
۱- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری روز جمعه سیزدهم شوال سال ۱۹۴ هجری قمری در بخارا دیده به جهان گشود؛ جهت فراگیری علم و جمع‌آوری احادیث به کشورهای مصر، حجاز، شام و عراق سفر کرد.

امام بخاری ششصد هزار حدیث را در کتاب صحیح خود گرد آورده و در مدت ۱۶ سال صحیح البخاری را تکمیل کرده است. و به عمر ۶۲ ساله‌گی چشم از جهان پوشید.

۲- عایشه ام المؤمنین دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در سن پنجاه ساله‌گی با او ازدواج کرد.

حضرت بی‌بی عایشه رضی الله عنها از جمله با ذکاوت‌ترین و هوشیارترین امهات المؤمنین شمرده می‌شد و از همه آنها به سنت و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه‌تر بود. به همین جهت بسیاری از بزرگان اصحاب وقتی درباره بعضی احکام دچار اشکال می‌شدند. آن‌را از عایشه (رض) می‌پرسیدند و پیامبر بر حافظ بودن علم و حدیث او گواهی داده است.

۳- بُریده بن حصیب بن عبدالله بن حارث رضی الله عنه به ابا عبدالله یا ابا اسماعیل از ساکنین مدینه بود پیش از غزوه بدر به ابو عبدالله مسلم مشهور بود، در صلح حدیبیه حضور داشت. از مدینه به بصره رفت و از آنجا غرض جهاد عازم خراسان گردید؛ و در سال ۶۳ هجری قمری در مرو وفات کرد.

۴- صحابیات: زنانی که در صحبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضور داشتند. جمع کلمه «صحابیه» است یعنی زنی که از جمله اصحاب بود؛ ولی در زبان عربی چون تفکیک واژه‌های نشان‌دهنده اناث و ذکور وجود دارد، ازین رو زن و مرد را مانند زبان دری صحابی یا صحابه نمی‌گویند و جمع آن هم به «ات» از همین رو شده است.



۱\_ ازدواج یکی از نشانه‌های علم و قدرت خدا عز وجل است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند عز وجل و تقویت ایمان می‌شود.

۲\_ تأکید و تصریح بر این که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی با هم برابر اند.

۳\_ اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رحمت و دلسوزی متقابل بین زن و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.

۴\_ از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطه سرد و تیره همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جارو و جنجال‌های دائمی میان والدین از عطف و شفقت و برآورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می‌باشد، محروم بمانند.

۵\_ وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند.



### درست بنویسیم

هرگاه واژه‌های مختوم به (( الف مقصوره )) در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند (( ی )) به صورت الف (( ا )) نوشته می‌شود و قاعده واژه‌های مختوم به (( ا )) بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

|      |                                      |
|------|--------------------------------------|
| عیسی | عیسای مریم                           |
| موسی | موسای کلیم الله                      |
| معنی | معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی |

|   |              |
|---|--------------|
| لیلی  | لیلای ذکی    |
| شورای   | شورای وزیران |
| یحیی  | یحیای برمکی  |
| هر گاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند: |              |
| موسی  | موسوی        |
| عیسی  | عیسوی        |
| معنی  | معنوی        |
| مصطفی   | مصطفوی       |
| و اما در املائی زبان دری اشکال زیرین را به خود می‌گیرند:                          |              |
| موسی  | موسایی       |
| عیسی  | عیسایی       |
| معنی  | معنایی       |
| مصطفی   | مصطفایی      |

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱\_ شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه اول پیرامون ازدواج و گروه دوم پیرامون ازدواج‌های اجباری به بحث و گفتگو پردازند، سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.
- ۲\_ چند تن از شاگردان پیرامون عوامل ناگوار ازدواج‌های اجباری صحبت کنند.

### املا و نگارش

- ۱\_ متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲\_ با در نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، متنی را بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱\_ در باره ازدواج‌های اجباری، محمد ﷺ چه فرموده اند؟
- ۲\_ ضرر اکراه و اجبار در ازدواج چیست؟
- ۳\_ ازدواج و اهمیت آن در زنده گی را چگونه فهمیده اید؟
- ۴\_ اسلام چه حقی را در مورد اختیار همسر برای فرزندان اعطاء کرده است؟ بیان دارید.
- ۵\_ وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج کدام مسایل دیگر را در پی دارد؟

## کارخانه گی

- ۱- در باره فواید ازدواج در زنده گی، متنی در یک صفحه بنویسید.  
اگر هوشمندی به معنی گرای که معنی بماند ز صورت به جای سعدی
- ۲- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

## درس نزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

- ۱- احمد شاه بابا که بود؟ ۲- او در کدام زمان می‌زیست؟
- ۳- او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ۴- مهم‌ترین آثار او چه نام دارد؟
- ۵- شما اشعار دری احمد شاه بابا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

### احمدشاه بابا و نمونه شعر دری آن



احمد شاه بابا، در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به عمر پنجاه ساله گگی وفات یافت. احمد شاه بابا مرد متدین بود. او به عرف و عادات پسندیده ملی احترام داشت. احمد شاه بابا بعد از پادشاه شدن، ثابت کرد که آگاه از اوضاع داخلی کشور و مطلع از اوضاع سیاسی و نظامی ممالک همجوار افغانستان است و هم قادر است که از این اوضاع به نفع افغانستان عملاً استفاده کند. شرایط داخلی و اوضاع ممالک همجوار نیز برای تشکیل یک دولت مستقل در افغانستان مساعد بود.

احمد شاه بابا را به واسطه خدمات، اخلاق و تقوای شخصی او پدر می‌خواندند، زیرا احمد شاه بابا تنها پادشاهی بود که در افغانستان تاج بر سر نمی‌نهاد، دستار می‌بست و مستقیماً با مردم در تماس می‌شد، با تواضع و پیشانی گشاده سخن می‌زد، در حل و فصل قضایا انصاف را مدنظر می‌گرفت.

در عین حال از قوانینی که خود گذاشته بود، جداً پیروی می‌نمود. او در هیچ جنگی

از مقابل دشمن فرار نکرده بود و در برابر اهالی کشور متواضع و ملایم بود. خشوع و خمیدن را در تشریفات، تحریم نمود. او خانواده و اقارب خود را از مداخله و اشتراک در امور دولت دور نگه داشت، او هشت پسر داشت به نام‌های (سلیمان، تیمور، شهاب، سنجر، یزدان، سکندر، داراب و پرویز).

احمد شاه بابا مصارف دربار را کمتر کرد و معاش کارکنان دولت و سپاه را سر وقت می‌پرداخت. دفاتر مالی، معاش، دخل و خرچ دولت وسیع و منظم بود. او هم‌چنین در پایتخت دوایری تشکیل کرد؛ از قبیل وزارت (در منزله صدارت) دیوان اعلی (وزارت مالیه)، خزانه‌داری دفتر ضبط بیگی (امنیه و کوتوالی) و غیره.

### مقام ادبی احمد شاه بابا

احمد شاه بابا علی‌رغم این که یک مرد سیاسی، نظامی و فاتح و کشور گشا بود؛ اما با شعر و ادب نیز علاقه‌مندی وافر داشت و علما و دانشمندان و هنرمندان را حمایه می‌کرد. عده زیادی از علما و دانشمندان در دربار وی جمع شده بودند و هر شام پنجشنبه دعوت مجلل ترتیب و محفل علمی بر پا می‌کرد. تمام دوره جوانی حیاتش در میدان جنگ سپری شد و وقت پادشاهی خود تا زمان وفاتش مشغول امور مملکت داری بود؛ ولی با آن‌هم در ادب و ادبیات دسترسی کامل داشت و به هر دو زبان دری و پشتو شعر می‌گفت که اینک در زیر نمونه‌یی از شعر دری او را نقل می‌کنیم:

|   |   |
|---|---|
| چو بر من تیر مژگان می‌زند آن شوخ گلگونم | چو لاله داغ بر دل تا سرا پا غرق در خونم |
| ز سوز دل همی بارم شب و روز اشک حسرت را  | ز خون دل نشسته بر کنار رود جیحونم       |
| ز سوز آتش عشقت که چون افروخت بر دل‌ها   | ز بس سوز دلم هرگز نمی‌دانم که من چونم   |
| نمی‌پرسی ز من اما ببین حال دل و جانم    | که از غیرت فتاده بر زمین چون بید مجنونم |
| به گرد گنج رویت چو بیدم اژدر دل‌ها      | همی سوزم همی نالم ندانم خویشتن چونم     |
| ولی «احمد» ز تو دارد همین یک آرزوی خود  | به دیدارت رسم ماند زگریه چشم جیحونم     |



## بخوانیم و بدانیم

- ۱- احمد شاه بابا در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت و در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به عمر پنجاه ساله گی وفات یافت.
- ۲- او در ضمن کشورداری به شعر و ادب نیز علاقه داشت و به هر دو زبان دری و پشتو شعر می سرود.



## درست بنویسیم

- در زبان دری واژه‌های اسمعیل، اسحق، ابراهیم، رحمن و امثال آن را باید با ((الف)) یعنی: اسحاق، اسماعیل، ابراهیم و رحمان بنویسیم.
- کلماتی مثل: زکوة، صلوة (صلات)، مشکوة، توریة و حیوة، باید به همان گونه که تلفظ می شوند، نوشته شوند، یعنی: زکات، صلات، مشکات، تورات، و حیات.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های احمدشاه بابا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.



مرقد احمدشاه بابا در قندهار



## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
- ۲- سوانح احمد شاه بابا را در چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- احمد شاه بابا به اجرای چه کارنامه‌هایی شهرت داشت؟
- ۲- در مورد دیانت و شجاعت احمد شاه بابا چه آموخته‌اید؟ ارائه دارید.
- ۳- احمد شاه بابا در کدام سال تولد شد؟ چند سال حکومت کرد و سرانجام در چند ساله‌گی وفات یافت؟

## کارخانه‌گی

- ۱- نقش احمد شاه بابا را در تشکیل افغانستان کنونی توضیح دهید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
کرا دانش و جود و تقوی نبود      به صورت درس هیچ معنی نبود  
(سعدی)
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. آرشیف چیست؟
۲. آرشیف ملی افغانستان در کدام زمان به میان آمده است؟
۳. آرشیف ملی در کجاست و چند بخش دارد؟
۴. در آرشیف ملی چه چیزها نگهداری می‌شود؟
۵. به نظر شما مهم‌ترین اثر موجود در آرشیف ملی کدام است؟

## آرشیف ملی افغانستان

«آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که هم‌زمان با «موزیم ملی» ایجاد گردیده و در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قبالة‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتی، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر چاپی نگه‌داری می‌شود.

آثار اولی که در موزیم ملی افغانستان نگه‌داری می‌شد، نسخه‌هایی از قرآن کریم، تفاسیر و کتبی را احتوا می‌کرد، که با خط زیبا نگاشته شده و دارای لوحه‌های میناتوری و جدول‌های طلاکاری شده بود. با گذشت زمان آثار دیگری نیز جمع‌آوری شد، که باعث غنای موزیم ملی و «آرشیف ملی» گردید.

در واقع منبع آرشیف ملی افغانستان کتابخانه‌یی است که در زمان امیر حبیب‌الله خان تنظیم و در زمان شاه‌غازی امان‌الله به کتابخانه ملی مبدل گشت. در این زمان نسخه‌ها و اسناد دست‌نویس و خطاطی شده جمع‌آوری گردید و بنیاد «کتابخانه خطی افغانستان» در منزل پنجم وزارت اطلاعات و فرهنگ گذاشته شد و در سال ۱۳۵۲ هـ. ش. به «آرشیف ملی» مسمی گردیده ساختمان دیگری برای آن اختصاص یافت.

این ساختمان که خود یک اثر تاریخی است، در زمان پادشاهی امیر عبدالرحمن خان در محوطه باغ چرم‌گری کابل بنا یافته که از جمله بهترین باغ‌های شهر کابل به شمار می‌رفت و پس از اعمار جاده سالنگ، در زمان ریاست جمهوری محمد داوودخان، در کنار آن جاده قرار گرفت.

گرچه تاریخ دقیق ساخت این بنا آشکار نیست؛ اما نظر به روایاتی بنای آن پس از اعمار بستان سرای کابل، یعنی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به منظور دفتر کار شاهزاده حبیب‌الله خان ساخته شد.



«آرشیف ملی افغانستان» به طور رسمی در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. گشایش یافت و با ثبت آن در یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.

آرشیف ملی دارای دویخش عمده نسخ خطی و اسناد تاریخی است که در تالار نسخ خطی آن پیرامون پانزده هزار جلد کتاب پشتو، دری، عربی و بعضی از نسخه‌های خطی زبان‌های دیگر، دست نوشته‌هایی از قرآن کریم در چندین نسخه، رساله‌ها، دیوان‌ها، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و قطعه خط‌ها موجود است.

تالار اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمانامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتی، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر چاپی می‌گردد که قدیم‌ترین فرمان متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است. همچنان فرامین احمد شاه بابا، تیمورشاه و دیگر شاهان نیز در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می‌گردد.

در آرشیف ملی نسخه‌یی از قرآن کریم وجود دارد که تعداد مجموعی صفحات آن به سی صفحه میرسد و در هر ورق آن یک پاره کامل قرآن عظیم الشان با هنر خط هفت قلم، خطاطی و با آب طلا هر صفحه آن تذهیب کاری شده است. دیدن این نسخه و توجهی که در خطاطی و گنج‌نایدن یک پاره کامل در هر ورق آن به عمل آمده است، انسان را به حیرت وامیدارد.

از جمله نسخه‌های دیگر خطی قرآن کریم که در آرشیف ملی نگهداری می‌شوند، نسخه‌یی نیز وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده است. زمان نوشتن آن به دوره حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفه سوم مسلمانان منسوب می‌شود؛ همچنان نسخه‌های خطی و لوحه‌های میناتوری دوران تیموری نیز در آرشیف ملی افغانستان موجود است. از جمله عکس‌های قدیمی امیر شیرعلی خان گرفته تا این اواخر در آرشیف نگهداری شده است. همچنان اولین بانک نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت امان‌الله خان رایج گردید در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.

در این اواخر وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، دو اثر دست‌نوشته تاریخی دیگر را از یک کتاب فروش شهر کابل خریداری کرده و به آرشیف ملی سپرده است. اثر نخستین، جلد چهارم سراج التواریخ، دستنویس خود مؤلف (فیض محمد کاتب هزاره) بوده که تاحال چاپ نگردیده است و اثر دومی اسناد و مکاتیب رسمی تبادل شده بین امیر عبدالرحمان (خان) (پادشاه افغانستان) و حکومت انگلستان در نیم قاره هند می‌باشد.

یونسکو: نهاد تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یکی از دفاتر تخصصی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت در جهان از راه همکاری بین‌المللی در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی می‌باشد و ۱۹۱ کشور عضو یونسکو هستند. مقر آن در پاریس پایتخت فرانسه است و دفترهایی در کشورهای مختلف دارد.



### بخوانیم و بدانیم

۱. «آرشیف» کلمه‌ی است فرانسوی که معنای آن: ثبت و حفظ اطلاعات، اسناد و عملکردهای مربوط به گذشته، به منظور استفاده در حال و آینده است.
۲. «آرشیف ملی افغانستان» اداره‌ی است که در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتی، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر خطی چاپی نگه‌داری می‌شود.
۳. «آرشیف ملی افغانستان» در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. به طور رسمی گشایش یافت و با ثبت آن در سازمان یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.
۴. آرشیف ملی دارای دو بخش عمده‌ی نسخ خطی و اسناد تاریخی است. سالون اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی و سالون نسخ خطی دربرگیرنده‌ی پانزده هزار جلد رساله، دیوان، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و دست‌نویس است.
۵. قدیم‌ترین فرمان موجود در «آرشیف ملی» متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است.
۶. در آرشیف ملی، نسخه‌ی از قرآن کریم وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده و زمان نوشتن آن به دوره‌ی حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفه سوم مسلمانان منسوب می‌شود.
۷. اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت غازی امان الله خان رایج گردید، در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.



### درست بنویسیم

- کلمه‌هایی که در عربی به صورت قراءه، دناة، اساءة، براءة و... نوشته می‌شوند، در زبان دری باید به صورت قرائت، دنائت، اسائت برائت و... نوشته شوند.
- واژه‌های عربی هم‌وزن «تفعیل» باید با دو «ی» نوشته شوند؛ مانند: تعیین، تمیز، تغییر.



موزیم ملی

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اولی در مورد « اهمیت آرشیف ملی » و گروه دوم در مورد این که « چگونه می توان از خراب شدن آثار آرشیف ملی جلوگیری نمود؟ » باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک نفرشان به دیگران در برابر صنف بیان نمایند.
۲. چند تن از شاگردان در مورد « ارزش ملی و تاریخی » تصویر بالا در برابر صنف سخنرانی کنند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خویش بنویسید.
۲. در باره « اهمیت تاریخی آرشیف ملی » متنی بنویسید، که کمتر از هفت سطر نباشد.

## خود آزمایی

۱. آرشیف چیست و چه معنایی را افاده می کند؟
۲. در « آرشیف ملی افغانستان » چه چیزهایی نگه داری می شود؟
۳. « آرشیف ملی افغانستان » در چه زمانی این نام را به خود گرفت و در کدام سال به طور رسمی گشایش یافت؟
۴. آرشیف ملی دارای چند بخش است؟ نام ببرید.
۵. آرشیف اسناد تاریخی، چه چیزهایی را در خویش جا داده است؟
۶. قدیم ترین و تازه ترین فرمان موجود در « آرشیف ملی » متعلق به کدام زمان است؟
۷. واژه های دناءة، براءة، تعیین را در زبان دری، باید چگونه بنویسیم؟

## کارخانه گی

۱. در باره آرشیف ملی معلومات تان را در چند سطر بنگارید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:  
 حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد  
 هزار کاخ بلند ار بنا کند صیاد  
 زمانه را سند و دفتری و دیوانیست  
 بهای خار و خس آشیانه ویرانیست  
 پروین اعتصامی
۳. متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیریید.

## درس بیست و یکم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. عروض را تعریف کنید.
  ۲. علم عروض چه چیزی را به ما می‌آموزاند؟
  ۳. مشهورترین بحرهایی را که در زبانان در آن بسیار شعر سروده اند، نام ببرید.

### علم عروض

وزن در شعر کلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمار می‌رود، که تعیین و تثبیت آن به وسیله شمارش هجاها و حروف ساکن و متحرک و آژه‌ها صورت می‌گیرد؛ اما این کار جز به کمک و یاری «علم عروض» میسر نیست.

وجود وزن در شعر کلاسیک ما، این ویژه‌گی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ برخوردار شود و نشانه وجود آهنگ موسیقی منظم در شعر هم از ترتیب و توالی منظم هجاها و قطع منظم صدا در مقاطع همگون آوایی است، که این نظم و ترتیب صداها به فاصله‌های معین زمانی نوعی موسیقی را به وجود آورده است.

برای دریافت وزن شعر، ناچاریم مصراع‌های شعر را تقطیع عروضی کنیم و یا به عبارت دیگر آن را به چند پارچه تقسیم کنیم؛ اما قبل از آغاز به آموختن روش تقطیع، باز هم ناگزیریم از چند نکته مهم آگاهی حاصل کنیم:

• علم عروض در مجموع از یک سلسله اوزان قانون‌مند و پذیرفته شده بحث می‌کند که هر یک آن را به نام «بحر» می‌شناسند. تعداد مجموعی این بحرهای عروضی در زبان دری به نژده بحر می‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و سه بحر دیگر را دری‌زبانان افزوده اند. همه این بحرهای قالب‌های مخصوصی تشکیل شده اند که به نام «ارکان یا افاعیل و یا تفاعیل عروضی» یاد می‌شوند و تعداد این «تفاعیل» یا تفعله‌ها به هشت می‌رسد، که به شرح زیر است:

۱. فُعُولُنْ ۲. فاعِلُنْ ۳. مَفَاعِیلُنْ ۴. فاعِلَاتُنْ ۵. مُسْتَفْعِلُنْ ۶. مُتَفَاعِلُنْ ۷. مُفَاعِلَاتُنْ ۸. مَفْعُولَاتُنْ.

هر یک از این تفعله‌ها از دو بخش تشکیل یافته‌اند: سبب و وتد.

سبب: در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که

از دو حرف تشکیل یافته باشد. حال اگر حرف دوم کلمه ساکن باشد، آن را «سبب خفیف» گویند؛ مانند: سر، گل، غم. و اگر حرف دوم کلمه نیز متحرک باشد، آن را به نام «سبب ثقیل» می‌شناسند؛ مانند: رمه، گله. (در علم عروض، {هـ} غیر ملفوظ و {و} مجهول به شمارش نمی‌آیند).

وتد: در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض کلمه‌یی را گویند که از سه حرف تشکیل شده باشد. اگر حرف سوم آن ساکن باشد، «وتد مجموع» نامیده می‌شود؛ مانند: دهن، شرف، سبد؛ اما اگر حرف دومی ساکن باشد، در آن صورت «وتد مفروق» نام دارد؛ مانند: ژاله و لاله.

باز در پوشیدگیتی تازه و رنگین قبایی      عالمی را کرد مشکین بوی زلف آشنایی  
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن      فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

**توضیحات**  
در زبان عربی عدد (۸) را ثمانیه و هر چیزی را که از هشت جزء یا رکن تشکیل شده باشد «مُثَمَّن» می‌گویند. همچنان اشعار چهاررکنی «مربع» و اشعار شش رکنی به نام «مسدس» خوانده می‌شوند.



### بخوانیم و بدانیم

۱. وزن در شعر کلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمار می‌رود، که تعیین و تثبیت آن به وسیله شمارش هجاها و حروف ساکن و متحرک و آژه‌ها صورت می‌گیرد.
۲. وجود وزن در شعر کلاسیک، این ویژگی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود.
۳. علم عروض از یک سلسله اوزان قانون‌مند و پذیرفته شده بحث می‌کند که هر یک آن اوزان به نام «بحر» یاد می‌شود.
۴. تعداد مجموعی بحرهای عروضی در زبان دری به نزده بحر می‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده‌اند و سه بحر دیگر را دری‌زبانان بدان افزوده‌اند.
۵. سبب در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که از دو حرف تشکیل یافته باشد.

۶. وتد در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض، کلمه‌یی است که از سه حرف تشکیل شده باشد.



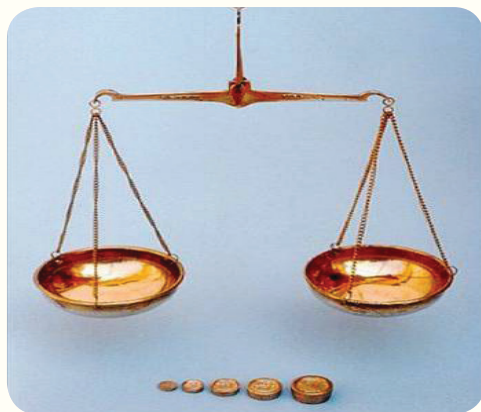
### درست بنویسیم

- ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری جدا نوشته می‌شوند؛ مانند:  
ان شاء الله، عن قریب، مع هذا، مع ذلك، من جمله، علی هذا، من بعد؛ اما اگر «الف ولام عربی» در میان آن‌ها قرار گرفته باشد، به همان شکل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند:  
عندالمطالبه، عندالطلب، مع‌الخیر، علی‌الدوام.
- هرگاه واژه «ابن» در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته می‌شود: ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید. و اما اگر «ابن» در بین دو اسم خاص آید، { } آن در نوشته حذف می‌شود؛ مانند: محمد بن احمد دقیقی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی، حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی.
- نوشتن واژه‌های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دری با {الف} مرجح دانسته می‌شود؛ مانند: بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا.

### کار گروهی و سخنرانی



۱. در مورد مفاهیم کلی درس باهم گفتگو نموده؛ سپس نتیجه را یک نفر در مقابل صنف قرار گرفته به دیگران انتقال دهد.
۲. چند شاگرد در برابر صنف قرار گرفته درباره این تصویر و پیوند آن با علم عروض دو - دو دقیقه سخنرانی کنند.





## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. با نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حداقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

## خود آزمایی

۱. تعیین و تشبیت وزن شعر در زبان دری چگونه صورت می‌گیرد؟
۲. در شعر کلاسیک ما، چه چیزی سبب شده که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود؟
۳. علم عروض را تعریف کنید.
۴. سبب و وتد از یک دیگر چه تفاوت دارند؟
۵. واژه «ابن» و ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

## کارخانه‌گی

۱. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه چند سطری بنویسید.  
شکوه تاج سلطانی که بیم جان در و درج است  
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد
۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:  
ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم  
موج ز خود رفته‌ی تند خرامید و گفت  
هیچ نه معلوم شد آه که من کیستم  
هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم  
علامه اقبال
۳. متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.

## درس بیست و دوم

- شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ‌های مناسب دهند:
- ۱- در باره دانش و اهمیت آن چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
  - ۲- سنایی غزنوی در باره دانش و هنر چه گفته است؟
  - ۳- سنایی غزنوی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات کرد توضیح بدهید؟

### دانش و هنر

شاخ بی‌بار دل بگيراند  
خُنک آن‌را که علم شد دمساز  
سینه‌شان چرخ و نکته‌شان اختر  
آنچه زو به درون جان بنگار  
خواندن علم و کار ناکردن  
بد دانا ز نیک نادان به  
تخم بی‌مغز بس ثمر ندهد  
آن‌نه عمر آن فضول بود و گذشت  
زین چنین عمر عقل بگریزد  
پیر دانش نه پیر چرخ کهن

جان بی‌علم تن بمیراند  
علم باشد دلیل نعمت و ناز  
روزگارند اهل علم و هنر  
گوش سوی همه سخن‌ها دار  
حجت ایزد است در گردن  
نیک نادان در اصل نیک منه  
کار بی‌علم بار و بر ندهد  
آن جوانی که گرد غفلت گشت  
مرد عاقل ز لهُو پرهیزد  
جز به تدبیر پیر کار مکن

\*\*\*

گر چه پژمرده شود بار قبول آرد بر  
زند آسیب و لیکن نکند زیر و زبر  
تا هنر با خرد آمیخته گردد ز عبر  
هر کرا بهر هنر بخت پرورد بپر

بیخ اقبال که چون سرزند از باغ هنر  
دولت با هنران را فلک مرد افکن  
گوشمالی دهد ایام و لیکن نه به خشم  
کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود

از قفا خوردن ایام چه ننگ آید و عار  
 که هم اسباب بزرگیست هم آیات خطر  
 کار چون راست بود مرد کجا گیرد نام  
 از چنین حادثه‌ها مردان گردند سمر  
 شیر پر زور نه از پایه خوار است به بند  
 سگ طماع نه از بهر عزیز است به در

**توضیحات**  
 حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی در مدینه‌الاولیای غزنی در  
 یک خانواده علمی و عرفانی در سال ۴۷۳ هـ. ق. چشم به جهان گشود.  
 تحصیلاتش را در مدارس عالی آنجا به اتمام رسانیده و بر تمام  
 دانش‌های معمول و متداول زمان خود دست یافت و در سال ۵۴۵ هـ. ق. مطابق ۵۲۹  
 هـ. ش. وفات یافت.

۱- خُنک: - خوب و خوش، خجسته، خوشا.  
 ۱- «علم کز بهر باغ و راغ بود همچو مرد دزد را چراغ بود»  
 هرگاه علم و دانش به خاطر زیبایی‌های ظاهری و زودگذر دنیا فرا گرفته شود مانند  
 دزدی که چراغ بر دست گرفته پی مقصود خود رود.



### بیاموزیم

- ۱- حکیم سنایی غزنوی در سال ۴۷۳ هـ. ق. در مدینه‌الاولیای غزنی دیده به جهان گشود.
- ۲- بیت سوم (روزگارند اهل علم و هنر... ) یعنی مردمان دانشمند و با هنر سینه شان مانند آسمان بزرگ و مملو از دانایی است و سخنان ایشان مثل ستاره‌ها که در شب به آسمان زیبایی بخشیده اند روشنی بخش است.
- ۳- بیت پنجم (حجت ایزد است در گردن... ) دلیل این که ما علم می‌آموزیم آن است

که در عمل کردن به آن بکوشیم و آن کاری را که پروردگار ما امر کرده است آن را انجام دهیم و چیزهای را که نهی کرده از آن پرهیز کنیم.

۴- بیت دوازدهم ( بیخ اقبال که چون سر زند از باغ هنر... ) نهالی که از باغ هنر سر زند گرچه بر اثر حوادث روزگار پژمرده هم شود باز هم ثمر خوب می‌دهد یعنی اگر انسان هنرمند به اثر ناملايمات روزگار به مشکل دست تنگی هم دچار گردد و بالاخره به وسیله هنر و کمالش بار دیگر به خوشبختی می‌رسد.

۵- بیت پانزدهم ( کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود... ) هر کسی که در باغ هنر تربیت یافت و به بخت و اقبال رسید هیچ‌گاه از دوران یا گردش روزگار روی شرمساری را نمی‌بیند.

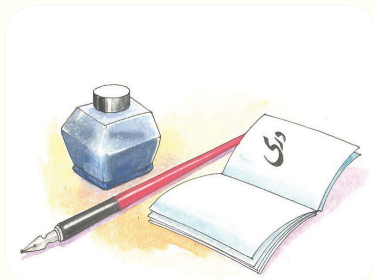
### درست بنویسیم

• هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هم کناری با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، الف از آغاز همه این‌ها به استثنای (اند) حذف می‌شود؛ مانند:

• استم: تنها ستم، • استیم: جدا ستیم، • استی، داناستی، • استید: بیناستید، • است: جویاست • استند: گویاستند.

اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند: پیدایند، زیبایند، گیرایند.

### کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم بیت‌های (چهارم و ششم) صحبت کنند. سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آماده مفهوم شعر دانش و هنر را به صورت مختصر شرح دهد.

### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت و رعایت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید.

### خود آزمایی

- ۱- جان بی علم تن بمیراند  
شاخ بی بار دل بگیراند  
منظور شاعر از بیت فوق چیست؟
- ۲- کلمه خُنک در بیت دوم چه معنا دارد؟
- ۳- در باره مفهوم شعر دانش و هنر چه می‌دانید؟
- ۴- یک بیت از شعر دانش و یک بیت از شعر هنر را با هم ارتباط داده معنا کنید.

### کارخانه‌گی

- ۱- شاگردان در مورد علم و دانش یک مقاله بنویسند.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
علم چندان که بیشتر خوانی  
چون عمل در تو نیست نادانی  
سعدی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و سوم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. ژانر چیست؟ مفهوم آن را در یک داستان بیان دارید.
  ۲. آثار ادبی را با چه معیارهایی ارزشیابی می‌کنند؟
  ۳. ژانرهای ادبی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
  ۴. در ادبیات دری بر روی کدام ژانر کمتر کار شده است؟
  ۵. قدیم‌ترین اثر ژانرهای نمایشی در کشور ما چه نام دارد و موضوع آن چیست؟

### ژانرها یا انواع ادبی

مفهوم ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن بر حسب شکل، موضوع و ویژه‌گی‌های فنی اشاره کند: نوع نمایشی (حماسی، تغزلی و دراماتیک)، نوع رابطه با واقعیت (داستانی، غیرداستانی)، نوع پی‌رنگ (کمیدی، تراژیدی)، ماهیت و محتوا (رمان تاریخی، رمان ماجراجویی) و... تا پیش از قرن بیستم نام‌های ژانری به عنوان رده‌های عام برای دسته‌بندی شمار زیادی از متون، کاربرد گسترده‌ی داشت؛ به ویژه این مفهوم نقش مهمی در طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری ادبیات ایفا کرده بود.

تقسیم‌بندی ادبیات به «ژانرهای ادبی» از دوران یونان باستان معمول بوده است. ژانرهای اصلی که در آن دوران برای شعر قایل بودند، عبارت از: حماسه، شعر غنایی، کمیدی، هجو و تراژیدی. امروز علاوه بر تقسیم‌بندی‌هایی که از دوران گذشته برای شعر در نظر گرفته شده بود، نثر نیز به انواع گوناگون؛ مانند: رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، مقاله، طنز، شرح حال و... تقسیم‌بندی شده است و به طور کلی هر یک از انواع سنتی و شاخه‌های فرعی آن در شعر و انواع مختلف نثر، ژانر ادبی جداگانه‌ی به شمار می‌آیند.

در ادبیات قدیم دری، هیچ یک از تقسیم‌بندی‌های سنتی و جدید ژانرهای ادبی، معمول و رایج نبوده است. شعر تنها بر حسب شکل ظاهری و طرز قرار گرفتن قافیه‌ها و اغلب بدون توجه به موضوع و محتوای آن تقسیم‌بندی شده است. این قالب‌ها

عبارتند از: قصیده، غزل، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی، دوبیتی، مثنوی، مستزاد، بحرطویل و فرد. این تقسیم‌بندی علاوه بر آن که حوزه نثر را دربر نمی‌گیرد، معمولاً براساس موضوع و محتوا نیست و بیشتر بر پایه تعداد تقریبی بیتها و نیز طرز به کارگرفتن قافیه در آنها مشخص می‌گردد.

حال که کاستی‌های تقسیم‌بندی ادبیات دری آشکارشد، باید به دنبال الگوی دیگری باشیم تا بتوانیم تمامی آثار ادبی گذشته خود (اعم از نظم و نثر) را، با توجه به آن، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. شاید تقسیم‌بندی آثار ادبی بر «ژانرهای ادبی» جامع‌ترین این روش‌ها باشد؛ زیرا «ژانرهای ادبی» حد و مرز خاصی نمی‌شناسد و آثار ادبی را تنها از دیدگاه محتوا و بار عاطفی تقسیم‌بندی می‌کند و از سوی دیگر این روش بر همه آثار ادبی جهان قابل تطبیق است. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که تعیین حد و مرز دقیق این ژانرها و قرار دادن آثار ادبی دری در آن، امری است نسبی و در این امر، تنها روح غالب اثر در نظر گرفته می‌شود؛ مثلاً شاهنامه فردوسی مایه‌هایی از شعر تعلیمی و غنایی و حتی نمایشی را با خود دارد و یا غزل‌های «بیدل» که در نوع غنایی دسته‌بندی می‌شود، با رگه‌هایی از تعلیم آمیخته است و شعرهای تعلیمی نظیر بوستان سعدی نیز با جلوه‌هایی از نوع غنایی همراه است. از این رو در تقسیم‌بندی این آثار فقط روح کلی حاکم بر یک اثر ادبی در نظر گرفته می‌شود.

**۱. ژانر حماسی:** حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود. مضامین حماسی به صورت داستان‌های توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات و کارهای شگفت‌انگیز روایت می‌شود. قهرمانان رویدادهای حماسی، غالباً ابرمردان نامجویی هستند که برای کسب افتخارات و حفظ استقلال یک ملت می‌کوشند و نبرد می‌کنند و جنگ‌های آنان نوعی نبرد میان خیر و شر است که به صورت جریان دائمی در بستر حوادثی جالب و عبرت‌آموز به سوی سرنوشت‌های حتمی به پیش می‌رود.

حماسه‌ها به طور کلی به صورت منظومه (شعر) است. با این همه، حماسه‌هایی نیز به نثر به وجود آمده است. برای مثال می‌توان به شاهنامه ابومنصوری اشاره کرد که به نثر نوشته شده است. به جز شاهنامه فردوسی، منظومه‌های حماسی دیگری نیز در قلمرو ادبیات پدید آمده که هر چند به لحاظ ارزش حماسی و پرداخت هنری به پایه شاهنامه

فردوسی نمی‌رسند؛ اما ذکر نام برخی از آنان خالی از لطف نیست که از جمله می‌توان به منظومه‌های حماسی «گرشاسبنامه اسدی طوسی»، «بهمن‌نامه»، «فرامرزنامه» و «برزو نامه» اشاره کرد.

**۲. ژانر غنایی:** غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد. این احساسات و اندیشه‌ها می‌توانند عاشقانه، دینی، فلسفی یا اجتماعی باشند. غزل‌های عاشقانه، آثار عرفانی، آثار هجو آمیز یا طنز گونه، مدیحه، نعتیه، مرثیه و توصیف طبیعت همه ژانر غنایی محسوب می‌شوند. در ادب دری، از نخستین دوران پیدایش آن تا به امروز، ژانرهای غنایی چه در قالب‌های شعر و نثر و چه در انواع شعرونو به وجود آمده است.

اصطلاح «غنایی» به منظومه‌های داستانی عاشقانه که جنبه روایتی دارند و شاعر در آن‌ها از احساسات و اندیشه‌های قهرمانان داستان سخن می‌گوید، نیز اطلاق می‌شود. منظومه‌های داستانی از قبیل «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی، خسرو و شیرین، لیلی و معجون نظامی گنجوی و... در شمار شعر غنایی محسوب می‌شوند. از معروف‌ترین شاعران و نویسندگان که به خلق آثار غنایی پرداخته‌اند می‌توان از حافظ، سعدی، جامی، سنایی، مولانا، نظامی و غیره نام برد، که معاصران نیز چنین آثاری ایجاد کرده‌اند.

**۳. ژانر تعلیمی:** آن است که هدف آفریننده آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، دینی یا علوم و فنون باشد. در زبان دری نمونه‌های فراوانی از انواع مختلف ژانر تعلیمی وجود دارد که بیش‌ترین سهم در این زمینه ویژه شعرهایی است که محتوای اخلاقی و فلسفی دارند.

آثار اغلب شعرای غیر درباری، سرشار از زمینه‌های تعلیمی است. کسایی مروزی، ناصر خسرو بلخی، ابوالفضل بیهقی، شیخ فریدالدین عطار، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، حیدری وجودی، عبدالرازق فانی و... آثار فراوانی در این زمینه آفریده‌اند. بخش عمده‌ی از آثار متصوفه و اشعار عرفانی، با تعلیم همراه است و در شمار آثار تعلیمی به حساب می‌آید؛ اما بزرگ‌ترین اثر تعلیمی، «بوستان» سعدی است که از طرف شاعران متعدد مورد تقلید قرار گرفته است.



۴. ژانر نمایشی: هنرنمایش را «مادر همه هنرها» نامیده اند؛ زیرا در آن همه هنرها حضور دارند و تشریک مساعی می کنند. شعر، موسیقی، نقاشی، حرکات موزون، معماری و... هر کدام به تنهایی یک هنر کامل به شمار می روند؛ اما هنگامی که به عرصه هنرنمایش وارد می شوند، به عنوان یک عنصر تشکیل دهنده این هنر انجام وظیفه می کنند.

محققان سابقه نمایش در سرزمین ما را تا سه قرن قبل از میلاد ریشه یابی کرده و شواهدی بر حضور این هنر به شکل ابتدایی آن ارائه کرده اند. از جمله به تعزیه نامه و نمایشنامه‌یی به نام «ایاتگار زریران» اشاره می کنند. ایاتگار زریران (یادگار زریر) اثری بوده است منظوم با موضوع جنگ‌های «زریر» و برادرش گشتاسپ (پادشاه کاوی بلخی) با ارجاسپ تورانی خیونی، که می خواستند دودمان سلطنت بلخی را از قبول آیین اوستایی منصرف سازند. در نتیجه جنگی سخت میان طرفین در گرفت و گشتاسپ و طرف دارانش بردشمن غلبه حاصل نمودند.

این اثر در قرن ششم میلادی از صبغه اصلی خویش برگردانده شده و صورت پهلوی ساسانی به آن داده شده است. از همین جهت تا همین اواخر تصور می رفت، که این اثر یک رساله منثور است؛ اما پس از تحقیقات و پژوهش‌ها و کاوش‌های ژرف و دامنه دار، در فرجام «بن و نیست» - زبان شناس فرانسوی - به اثبات رسانید که این اثر دراصل منثور نه؛ بلکه منظوم بوده و قدامت تاریخی آن به سه قرن قبل از میلاد می رسد، که بعدها - در قرن ششم مسیحی - آن را به پهلوی ساسانی برگردان نموده اند، که با پیرایه ساسانی شکل نخستین خود را از دست داده و در اثر تداخل و تناقص واژه‌ها، ابیات هفت هجایی آن، شکل نثر را به خود اختیار نموده است.

نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی، ساده گی و بی پیرایه گی در بیان و زبان است. سروده‌های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می شود، اغلب به زبان ساده و نزدیک به زبان عامیانه است. این نوع سروده‌ها به گونه همگانی در وزن‌های عروضی بوده و بحرایی که برای آن‌ها انتخاب شده، بحرهای کوتاه است. در متن‌های قدیمتر گفتگوها و هم چنین روایت داستان به صورت قطعه‌های چند بیتی تنظیم شده که طول آن‌ها متفاوت و بیشتر در قالب مسمط، مثنوی، مستزاد و گاه بحر طویل است.



۱. مفهوم ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن بر حسب شکل، ویژه گی های فنی و موضوع اشاره کند.
۲. حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ ها و دلاوری های قهرمانان سخن گفته می شود.
۳. غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می کند، باشد.
۴. ژانر تعلیمی آن است که هدف آفریننده آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، مذهبی یا علوم و فنون باشد.
۵. نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی، ساده گی و بی پیرایه گی در بیان و زبان است. سروده های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می شود، اغلب به زبانی ساده و نزدیک به زبان عامیانه است.

### درست بنویسیم



- اعداد ترکیبی، تا حد ممکن یک جا نوشته می شوند؛ مانند: هفتصد، شش هزار، پنجصد؛ اما در جایی که امکان پیوستن نبود، در آن صورت جدا نوشته می شوند؛ مانند: بیست و چهار، هشتصد و یک، دو هزار و یازده. همچنان اگر پیش از عدد دومی، (ه) غیر ملفوظ قرار داشت در آن صورت نیز جدا نوشته می شود؛ مانند: سه صد.
- واحدهای شمارش، توزین و مقیاس جدا نوشته می شوند؛ مانند: هفت سیرگندم، سه چارک کشمش، هشت پاو زعفران، یک دانه قلم، شش دست دریشی، ملی گرام، ملی لیتر، کیلو گرام، سانتی متر و....

## کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان در مورد ژانر حماسی در گروه‌ها با هم مباحثه نموده نتیجه را یک نفر به دیگران بیان نماید.
- ۲- چند شاگرد به نوبت در باره ژانر نمایشی سخنرانی نمایند.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. در مورد «نظافت کوچه‌ها و سرک‌ها» متنی بنویسید که در آن اعداد ترکیبی و واحدهای شمارش حد اقل پنج - پنج بار آمده و از هفت سطر کم نباشد.

## خود آزمایی



۱. ژانر را تعریف نموده و موارد کاربرد آن را نام ببرید.
۲. حماسه چیست و در ادبیات به کدام گونه آثار، حماسی می‌گویند؟
۳. آثار غنایی چگونه آثاری را می‌گویند؟
۴. در مورد ژانر تعلیمی و ژانر نمایشی چه می‌دانید؟
۵. اعداد ترکیبی، واحدهای شمارش، توزین و مقیاس چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

## کارخانه‌گی



۱. نمونه کلام «بیدل» (درس چهارم همین کتاب) را مطالعه نموده نظرات خویش را در ده سطر بنویسید که آن شعر مربوط به کدام ژانر ادبی می‌شود.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
دم تیغ است «بیدل» راه باریک سخن سنجی      زبان خامه هم شق داد از حرف آفرینی‌ها  
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید

## درس بیست و چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. نقد چیست؟
۲. فرق بین نقد و انتقاد چیست؟
۳. نقد ادبی چه فایده دارد؟
۴. انواع نقد را نام ببرید.

### نقد ادبی

نقد در لغت جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره و تمییز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند. توضیح این که در ایام باستان پول در مجموع دونوع بود. پول نقره (درهم) و پول طلا (دینار). گاهی در دینار تقلب می‌کردند و به آن مس می‌آمیختند، که در این صورت عیار طلا پایین می‌آمد. ازین رو جدا کردن سره از ناسره را نقد نامیده‌اند؛ اما در اصطلاح ادب، نقد عبارت است از تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب یک اثر ادبی.

در گذشته‌ها مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان‌دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد)؛ زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد نقاط قوت مطرح است. لذا نقاد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل آن اثر ادبی، نخست ساختار و معنای آن را برای خواننده‌گان روشن کند و در قدم دوم قوانینی را که باعث اعتلای آن اثر ادبی شده است توضیح دهد؛ لذا نقد ادبی از یک سو به کارگرفتن قوانین ادبی در توضیح اثر ادبی است و از سوی دیگر کشف روش‌های تازه و ممتازی است که در آن اثر وجود دارد.

در مورد نقد ادبی آن قدر سخن گفته‌اند که امروز یکی از شاخه‌های مطالعات ادبی، نقدشناسی و بحث در مورد خود نقد است. عیب اثری را گفتن، اثری را وصف کردن، تجزیه و تحلیل اثر ادبی، دیگرگونه خواندن اثری، تأثر خود را از اثری بیان کردن و... اما همه این‌ها از یک سو در هر دوره‌ی فرق می‌کند و از سوی دیگر بسته‌گی به فلسفه یا سلیقه منتقد دارد؛ مثلاً: (میشل فوکو) نقد را چنین تعریف کرده است: «کارنقد، آشکار ساختن مناسبات اثر با مؤلف نیست و نیز قصد ندارد تا از راه متون، اندیشه یا تجربه‌ی را بازسازی کند، بلکه می‌خواهد اثر را در ساختار، شکل ذاتی و بازی

مناسبات درونیش تحلیل کند.»

خواننده گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی را به دست می آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می شود که جریان های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند و صاحبان ذوق، اندیشه، رأی و نبوغ مقام شایسته خود را باز یابند.

منتقد در تجزیه و تحلیل های خود علل برجسته گی آثار را برای مردم توضیح می دهد و در این صورت گویی غیرمستقیم به مردم می فهماند که چه آثاری فاقد ارزش است. در نتیجه در کشورهایی که نقد ادبی رواج و اهمیت بیشتری دارد وضع نویسنده و شاعر نشر مطبوعات و جریان های فرهنگی معمولاً به درستی پیش می روند.

منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو اثر ادبی بهره گیرد. منتقد ادبی علاوه بر آشنایی با بخش های مختلف نقد ادبی و علوم ادبی، باید فرد کتاب خوانده یی باشد و با بسیاری از دانش های دیگر چون سیاست، دین، مذهب، جامعه شناسی، فلسفه، روان شناسی و تاریخ آشنا باشد؛ زیرا آثار بزرگ ادبی برخلاف آنچه امروز می گویند فقط به لحاظ ادبی بودن آن ها نیست که شهرت و قبول می یابند؛ بلکه بسیار نکات باریک دیگری نیز وجود دارد، که در تعیین ارزش یک اثر نقش بازی می کند. به قول الیوت: «معیارهای ادبی فقط مشخص می کند که اثری ادبی است؛ ولی عظمت یک اثر تنها با معیارهای ادبی مشخص نمی شود. آیا اهمیت شاهنامه فقط به لحاظ مسایل ادبی است؟»

### اهمیت و فایده نقد ادبی

۱. نقد ادبی امکان درک نکته های بدیع و لطیف آثار را فراهم می کند. در نتیجه خواننده می تواند از مطالعه آثار ادبی بهره گیرد و لذت ببرد.
۲. ارزش واقعی آثار ادبی را آشکار می کند و مشخص می سازد که رعایت چه قواعد و اصولی سبب شده تا اثری مورد قبول واقع شود و یا وجود چه عواملی سبب شده تا اثری مورد بی اعتنایی قرار گیرد.
۳. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی طرفانه و دور از اغراض باشد.
۴. نقد ادبی، گذشته از این که سازنده و دارای اهمیت فراوان است، گاهی خود، نوعی آفرینش هنری نیز به شمار می رود.

## انواع نقد یا مکتب‌های نقادی

### • نقد ساختاری

نقد ساختاری به نقدی گفته می‌شود، که مربوط به شکل ظاهر و صورت‌های عینی یک اثر ادبی باشد و آن خود نیز دارای گونه‌هایی است به شرح زیر:

۱. نقد لغوی: بررسی و ارزیابی کاربرد زبان و اصول و قواعد آن در یک اثر ادبی

است و همه انواع آثار ادبی (نظم و نثر) را شامل می‌شود.

۲. نقد فنی: بررسی چگونگی کاربرد فنون بلاغی در شعر، نثر که میزان ارزش و

اعتبار آن‌ها است.

۳. نقد زیباشناسی: بررسی جوهر هنر، به دور از محتوای خاص آن است. ریشه و

اساس این شیوه نقادی را می‌توان در نظریه‌های «کالریج» انگلیسی و «ادگار آلن پوی»

آمریکایی دریافت.

### • نقد معنایی

نقد معنایی به نقدی گفته می‌شود که با محتوا و درون‌مایه اثر ادبی ارتباط دارد و آن نیز دارای گونه‌های زیرین است:

۱. نقد اخلاقی: از قدیمی‌ترین شیوه‌های نقد ادبی است. درین نوع نقد ارزش‌های

اخلاقی، اصل و ملاک نقادی شمرده می‌شود. افلاطون در شعر و درامه به تأثیر اخلاقی

و اجتماعی اثر توجه می‌کند و ارسطو نیز معتقد است که هدف شعر باید تصفیه و تزکیه

نفس باشد. در اروپا، اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را به سببی که در خدمت اخلاق

نبوده، غذای شیطان و مایه فساد و ضلالت می‌دانند.

۲. نقد اجتماعی: عبارت است از نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تأثیر جامعه در

ادبیات و هم‌چنین تأثیر ادبیات بر جامعه. (میپولیت تن) از منتقدان مشهور نقد اجتماعی

است و ادبیات را محصول سه عامل (زمان، محیط اجتماعی و نژاد) می‌داند.

۳. نقد تاریخی: اگر منتقدی برای تحلیل اثر ادبی، حوادث یا امور مربوط به تاریخ

را مورد بررسی قرار دهد و به بحث در باب حیات شاعر و نویسنده و معاصران او و

یا روابط او با هم‌عصران و یا احیاناً به تحقیق در باب اسناد و مدارک و چند و چون

صحت و سقم نسخه یا نسخ کتاب و چگونگی وجود تحریف و تصحیف و تصحیح

اثر و جستجوی اشارات و حوادث تاریخی و به بحث‌هایی ازین قبیل پردازد، به نقد

تاریخی پرداخته است.

۴. نقد روانشناسی: درین شیوه، نقاد سعی می‌کند جریان باطنی واحوال درونی شاعر ونویسنده را درک و بیان نماید و قدرت و استعداد هنری و ذوق و قریحه او را سنجیده، نیروی عواطف و تخیلاتش را تعیین نماید و ازین راه تأثیری را که محیط و جامعه و سنت‌ها ومواریث درتکوین این جریان‌ها دارند مطالعه کند.

**تو فیدیات**  
در دوره‌های ما قبل اسلامی، شعرا و ادبای عرب عادت داشتند، که درسوق عکاظ گردهم می‌آمدند و به خوانش اشعار، قصاید و سروده‌های خویش می‌پرداختند. آنگاه برگزیده‌ترین اشعار شان از زیر ذره بین منتقدان ادبی که خود بزرگترین استادان عرصه شعر وادب آن روزگار به شمار می‌رفتند می‌گذشت و اگر داوران بر قوت و پخته‌گی آن شعر نظر می‌داشتند، پس آن شعر را با آب طلا نوشته و بر دیوار کعبه می‌آویختند، که این خود نشانه عظمت و بزرگی شاعر و مایه مباهات و افتخار قبیله وی بود.  
البته درطول تاریخ، صرف هفت پارچه شعر توانسته که خود را به دیوار کعبه بیاویزد، که مجموعه آن اشعار را به نام «سبعه معلقه» یاد می‌کنند و این هفت پارچه شعر، قویترین و نخبه‌ترین آثار درعرصه شعر کلاسیک عرب به شمار می‌روند، که تاکنون صدها رساله و کتاب و مجلدات در شرح و تفسیر و توصیف و بیان ظرایف و قوت ادبی آن‌ها به رشته تحریر در آمده است.



### بخوانیم و بدانیم

۱. نقد درلغت جداکردن دینار و درهم و سره از ناسره و تمییز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند.
۲. درگذشته‌ها مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک ومهم ادبی می‌پردازد و بیش از این که متوجه نقاط ضعف باشد، متوجه نقاط قوت است.
۳. خواننده‌گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی درمسیر درست خود حرکت کنند.
۴. منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره گیرد.

۵. نقد ادبی، مانع از آن می‌شود که گزافه‌گویان ومدعیان دروغین بتوانند آثار بی ارزش خود را به جوینده‌گان آثار برجسته ادبی عرضه کنند.
۶. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی طرفانه و دور از اغراض باشد.

### درست بنویسیم



- نوشتن اعداد ترتیبی ( ۱۱ - ۱۹ ) به گونه‌های زیر نادرست است:

  ۱. یازده هم، دوازده هم، سیزده هم، چهارده هم، پانزده هم، شانزده هم، هفده هم، هژده هم، نزده هم.
  ۲. یازده ام، دوازده ام، سیزده ام، چهارده ام، پانزده ام، شانزده ام، هفده ام، هژده ام، نزده ام.

زیرا آن که به { -م } پسوندی باید بیوندد، همان { ه } آخری عدد است، وعلاوه نمودن یک { ه } یا { الف } دیگر نه موردی دارد و نه ضرورتی. پس باید این گونه اعداد را همیشه با صورت درست آن؛ یعنی: به شکل یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و... نوشت.

### کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده درمقابل هم قرار گیرند و در مورد پرسش‌های زیر باهم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر، موارد اتفاق نظرها و نفر دیگر موارد اختلاف نظرهای شان را به دیگران انتقال دهند.



- وظیفه منتقد در بررسی یک اثر ادبی چیست؟
- چرا نقد تاریخی به تنهایی قادر به درک و تحلیل واقعی یک شاهکار ادبی نیست؟ با ذکر دلایل واضح سازید.
- ۲. تصویر مقابل را با موضوع «تراکم



نفوس» ارتباط داده، در مورد آن سخنرانی کنید.

### املا و نگارش

۱. متنی را که در کتاب رهنمای معلم آمده است، باخوانش معلم گرامی، به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد «وظایف منتقد ادبی» متنی در هفت سطر بنویسید، که حد اقل سه بار اعداد ترتیبی در آن به کار رفته باشد.

### خود آزمایی

۱. به نظر شخصی شما نقد ادبی چگونه باید باشد؟
۲. تفاوت‌های عمده میان نقد ساختاری و نقد معنایی را شرح دهید؟
۳. از انواع نقد ادبی کدام یک مربوط به شکل ظاهر اثر است و کدام یک با محتوا یا درون‌مایه اثر ارتباط دارد؟

### کارخانه‌گی

۱. یک داستان کوتاه از یک نویسنده افغان را زیر نقد اخلاقی قرارداد و نتیجه آن را در حد اقل یک صفحه بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:  
دانشا چون دریغم آبی از آنک  
بی‌بهای و لیک از تو بهاست  
بادب را ادب سپاه بس است  
بی‌ادب با هزار کس تنهاست  
شهادت بلخی
۳. متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. ادبیات قرن سیزدهم و چهاردهم از یکدیگر چه تفاوت دارد؟
۲. در قرن چهاردهم کدام انواع ادبی در ادبیات ما راه یافت؟
۳. نخستین داستان کوتاه توسط که نوشته شد و چه عنوان داشت؟

### ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴

سده سیزدهم هجری قمری از روزگاران پر آشوب و بی‌سامان تاریخ کشور ما دانسته می‌شود. در میان دو انجام این سده، یعنی در درازای سال‌های (۱۲۰۱ - ۱۳۰۰) سرزمین ادب خیز و هنر پرور ما به عرصه تاخت و در سده سیزدهم با همه آشفته حالی و فرو ریخته‌گی نظام اجتماعی و بی‌تفاوتی اختیارمندان جامعه، به مسأله فرهنگ و ادب، کسانی وجود داشتند که راجع به این امر سرگرمی‌اندیشیدند و از هر امکان و مجالی برای آفرینش آثار ادبی، سود می‌گرفتند و نگه‌داری میراث گران‌بهای گذشته‌گان را وجیبه خود می‌دانستند.

بایک بررسی ابتدایی می‌توان ملتفت شد که در امتداد سده سیزدهم، بیش از سه صدتن انسان متفکر و صاحب نظر و با فضیلت به سر می‌برده‌اند که همه دارای قریحت و طبیعت و اهل سخن و ادب بوده و آثاری از خویش بر جای نهاده‌اند. البته می‌توان یادآور شد که نسبت نابه‌سامانی وضع اجتماعی و عدم شرایط لازم برای رشد و پرورش اهل فضل و ادب، آثار بیشتر این افراد از توانایی بیان و هنر زبانی بهره‌چندانی ندارند؛ اما هر کدام ادبیات ما را غنا می‌بخشد و در بررسی ادب این عصر، نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت.

ازین سخن‌سرایان آثار زیادی بر جای نمانده و مقداری از آنها که مورد اعتنا تواند بود، بر اثر حوادث متوالی و دردناک سده سیزدهم از میان رفته و نابود شده‌اند و بخشی دیگر از آن، شاید به صورت شخصی در تصرف کسان و در میان صندوقها و جاهای امن محفوظ باشد که شناسایی آن‌ها نیز به ساده‌گی میسر و مقدور بوده نتواند و بی‌گمان به علت این از میان روی و نابودی آثار، هویت و نشان شماری از پدید آورنده‌گان آن‌ها نیز در حجاب نیستی پوشیده مانده است و آنچه امروز از آن همه نوشته‌ها در دسترس است، بخشی و برشی از یک میراث عظیم و پر بها است.

در میان آنانی که تمامی یا بیشتر آثارشان از گزند رویدادهای نیستی آور در امان مانده است، چهره‌های درخشان و نام‌های ماندگاری هم دیده می‌شوند که نام و کارشان ادب زمان را رنگینی می‌دهد و آبرو می‌بخشد.

از شایسته‌گی به دور نمی‌نماید که این چهره‌ها و نام‌ها به حیث نمایانگران سزاوار ادب دری در سده سیزدهم به شمار آورده شوند: میرزا محمد نبی دبیر متخلص به واصل، میرمجتبی الفت، محمد محسن دبیر، ادیب پیشاوری، جنیدالله حاذق، عبدالواحد صدرصریر، لعل محمد عاجز، محمد نبی احقر، حبیب الله آخند زاده یا محقق قندهاری، مهردل مشرقی، عبدالواسع طیب، ولی طواف کابلی، گل محمد افغان، میرهوتک افغان، حمید کشمیری، کلب علی شرر جغتویی، غلام محمد طرزی، میرظهورالدین ظهورانصاری و امثال این‌ها.

و اما ادبیات سده چهاردهم در مقایسه با ادبیات سده سیزدهم شگوفا و پربار بوده است. در دهه‌های وسطی این سده، تکلفات مصنوع و منشیانه سده گذشته در شعر و نثر کنار گذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و اندکی بعدتر رمان‌نویسی در ادبیات راه بازمی‌کند و معانی و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود. هر چند تعدادی از شعراباز هم به تقلید از گذشته گان، شعرهایی با همان ساخت و ریخت قدیم می‌سرایند.

درین دوره شاعران دیگری داریم که البته تمام توجه خود را معطوف به غزل‌سرایی و قصیده‌سرایی و مثنوی‌سرایی نکرده‌اند؛ اما بخش قابل توجه آثارشان در همان قالب‌ها سروده شده است؛ اما وقتی که شعر این دسته شاعران را می‌خوانیم زبان و تعبیرها و بافت‌های زبانی، اقالیم فکری، تصویرها در بسا موارد شیوه نگرش در غزل و قصیده طرف جامعه و طرف طبیعت طرف فرد انسان‌ها تفاوت دارد. با رعایت تمام موازینی که فرزانه گان گذشته ما برای غزل یا برای قصیده تعیین کرده بودند و حدود و ثغور خاصی به وجود آورده بودند. اسناد دست داشته نشان می‌دهند در افغانستان سه شاعر، اولین مردمانی استند که نخستین شعرهای نور را در افغانستان سرودند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی است، با این شعر معروفش:

شب اندر دامن کوه - درختان سبز و انبوه

ستاره روشن و مهتاب

در پرتو فشانی

شب عشق و جوانی

شاعر دومی استاد محمد یوسف «آینه» است که او نیز دو شعر دارد: یکی «بهار کابل» و شعر دیگرش در باره استقلال است، و شاعر سومی هم فتح محمد منتظر. در مورد طنز باید گفت تا هنگامی که هنوز ماشین چاپ در افغانستان وجود نداشت و حتی خواندن روزنامه و تحصیل در مکاتب امری عام نشده بود، از طنز به گونه پذیرفته شده امروزی آن خبری نبود. در شهرها و روستاهای افغانستان هزاران کتاب خطی چاشنی زنده گی فرهنگی مردم بود. در مدارس دینی و مساجد در کنار علوم دینی، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ و بهارستان جامی تدریس می شد. همین سان شهنامه خوانی و مثنوی خوانی در شب های زمستان یکی از عادات مردم بود. بعدها حاجی اسماعیل سیاه هراتی و شایق جمال، با وصف حاکمیت سانسور، توانستند طنز منظوم را رواج بدهند. سپس ضیاء قاریزاده، عبدالصبور غفوری، مینه ور، غلامعلی امید، شایق جمال، شیرعلی قانون، طالب قندهاری، ناصر نصیب، و ده ها شاعر دیگر تلاش کردند، تا با انعکاس دادن مشکلات زنده گی و ناهنجاری های اجتماعی طنز منظوم بیافرینند. و اما سرگذشت داستان کوتاه غیر ازین است. در نخستین اثر داستانی «جهاد اکبر» از مولوی محمد حسین که در چندین شماره پیهم مجله «معرف معارف» به نشر می رسید، با وجود پیشرفت نسبی، نشانه هایی از روایات و قصص قدیم و آثار کهن و باستانی و استفاده از امثله و حدیث و شعر و واژه های عربی و استشهاد و صنعت مرسل دیده می شود. در دومین داستان دری «تصویر عبرت» پیشرفت زبانی چشمگیر است. در این اثر توصیف و گفتگوها ساده، زنده و جاندار است. از نثر ساده و موجز استفاده شده و از اصطلاحات و تعبیرهای عامیانه بهره ها جسته است. «جشن استقلال بولیویا» اثر مرتضی احمد محمدزایی و «ندای طلبه معارف» از محیی الدین انیس گرچه از نظر شکل و محتوی سنت شکن استند و با زبان و سبکی تازه نگارش یافته و پدیده نوینی به شمار می آیند، ولی با ادبیات کهن پیوند شان را حفظ کرده اند و به خوبی از یک مرحله گذرای ادبی اجتماعی نماینده گی می کنند.

درین دوره نثر ساده و فصیح در ادبیات داستانی رواج می گیرد زبان داستانی از پیشرفت لازم بشارت می دهد و روایات و آمال گروه های مختلف اجتماعی را صریح تر و هنری ترسیم می کند. نمونه آن، آثار سلمان علی جاغوری، عزیز الرحمن فتحی، نجیب الله تور وایانا، محمد شفیع رهگذر، محمد عثمان صدقی، محمد حیدر ژوبل، محمد حسین غمین، عبدالغفور برشنا، علی احمد نعیمی، میر محمد صدیق فرهنگ، ماگه رحمانی و آثار نویسندگان دیگر این دوره است.

به هر صورت نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می باشد:

۱. کلمات و واژه‌های فارسی دری آن برعربی غلبه کلی دارد.
۲. فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است.
۳. لغات دری آن غالباً ساده و روان است و واژه‌هایی به کار برده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است.
۴. از موازنه، مترادفات، سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

تعریف طنز: ادبیاتی که در آن عیوب فردی و اجتماعی در پوشش ظرافت و خنده هنرمندانه به تصویر کشیده شده و گوینده، اصلاح این عیوب و دگرگون سازی اعمال و افکار انسان‌ها را هدف خویش قرار داده باشد، ادبیات طنزگونه است.

تو  
فیدما



### بخوانیم و بدانیم

۱. حالت ادبی افغانستان چه نظم و چه نثر درین دوره فترت ادبی یا سده سیزدهم رو به ضعف و سقوط می‌رفت. غزل‌ها به تقلید متأخرین اکثر بسیار سست و قصاید کم‌پایه و کم‌مایه سروده می‌شد.
۲. اما ادبیات سده چهاردهم شگوفا و پر بار بوده است. درین سده، تکلفات مصنوع و منشیانه سده گذشته در شعر و نثر کنار گذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و رمان‌نویسی در ادبیات راه باز می‌کند و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود.
۳. در افغانستان سه شاعر، اولین کسانی هستند که نخستین شعرهای نو را سرودند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی، دومی محمد یوسف «آینه» و شاعر سومی فتح محمد منتظر است.
۴. نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می‌باشد: کلمات و واژه‌های دری آن برعربی غلبه کلی دارد؛ فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است؛ لغات دری آن غالباً ساده و روان بوده و واژه‌هایی به کار برده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است؛ از موازنه و مترادفات و سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

## درست بنویسیم



- پسوند تنکیر (نکره) در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره، واو، {ی} وهای غیرملفوظ، با دو {ی} و به شکل {یی} نوشته می‌شود؛ مانند:
  - با الف ممدوده: آشنا + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = آشنایی؛ مانند: من این کتاب را از آشنایی به عاریت گرفته‌ام.
  - با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یای آخر واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعده الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: شوری - ی + ا (= شورا) + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = شورایی؛ مانند: در تصویب این قطعنامه، شورایی دست داشته است.
  - با واو: اگر پیش از {و} حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند تنکیر را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند: هندو + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = هندویی؛ مانند: هندویی به معبد خویش رفت.
  - اما اگر پیش از {و} حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند تنکیر به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یای میان‌وند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: رهرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = رهروی؛ مانند: رهروی از سقوط درخت کنارجاده مرا آگاه ساخت.
- باهای غیرملفوظ: خاطره + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = خاطره‌یی؛ مانند: من از آن روزگار، خاطره‌یی به یاد دارم.
- با ی: حاجی + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = حاجی‌یی؛ مانند: این تسیح را حاجی‌یی به من بخشیده است.

## کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند. گروه اول ادبیات قرن سیزدهم و گروه دوم ادبیات قرن چهاردهم را با ادبیات معاصر مقایسه کنند؛ سپس از هر گروه یک نفرشان نتیجه را به دیگران انتقال دهد.



۲. شاگردان این تصویر را با موضوع « افغانستان در مسیر تاریخ » ارتباط داده، چندتن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. در مورد « تحولات ادبی قرن چهاردهم » متنی در حد اقل هفت سطر بنویسید.

### خود آزمایی

۱. حالت ادبی افغانستان در سده سیزدهم چگونه بود؟
۲. در ادبیات سده چهاردهم چه تحولاتی رونما گردید؟
۳. نخستین کسانی که در افغانستان شعر نو سرودند، چه کسانی بودند؟ نام ببرید.
۴. پسوند تنکیر در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با های غیر مملفوظ، چگونه نوشته می‌شود؟

### کارخانه‌گی

۱. این بیت را اساس قرار داده در مورد چند سطری بنویسید:  
خنک نیک بختی که در گوشه‌یی به دست آرد از معرفت توشه‌یی  
این بیت را به حافظه بسپارید:
۲. خمی به دوش ادب بند و سیر عزت کن ز آسمان به همین نردبان هلال گذشت
۳. متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.

## درس بیست و نهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در آخر همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

- ۱- چگونه می‌توان کشور را توسعه و ترقی داد؟ ۲- نقش جوانان را در انکشاف و پیشرفت کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۳- جوانان چگونه خود را آماده‌ی بازسازی کشور کنند؟
- ۴- جوانان از چه ظرفیت‌هایی برخوردار اند؟
- ۵- بر ضد جهل و فقر چه باید کرد؟
- ۶- باید روی کدام قشر اجتماعی سرمایه‌گذاری صورت گیرد؟

### نقش جوانان در انکشاف و ترقی کشور

با توجه به این که جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی، همانند تربیت و مسئولیت‌پذیری، وجدان‌کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت‌پذیری فعال برخوردارند، بنابراین سهم بزرگ در شکل‌دهی سرمایه‌های انسانی و علمی داشته باشند. سرشت جوانان چون زمینی غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هر گونه بذری در آن وجود دارد. امروز نبض کشور و پیشرفت و توسعه جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت، زمینه‌های سربلندی و ترقی و پیشرفت کشور را فراهم می‌سازند و به توفیق و تایید الهی در صنوف درسی و محافل علمی، فرهنگی، اجتماعی و... با تعامل و نشاط فراوان حضور فعال و مستمر داشته و در افق آینده کشور، یک افغانستان آباد و پر نعمت را ترسیم خواهند کرد.

یکی از راه‌های پیشرفت و ترقی کشورها سرمایه‌گذاری به خاطر تربیت و آموزش جوانان و نسل آینده‌شان می‌باشد. نسل جوان به عنوان نیروی فعال و متحرک، پر تلاش و با احساس می‌تواند نقش خوبی در توسعه و پیشرفت یک جامعه داشته باشد. با پایان یافتن سه دهه ناامنی در افغانستان و به وجود آمدن زمینه تحصیل، جوانان کشور روز به روز به رشد و انکشاف کشور، علاقه‌مند به تأسیس مراکز فرهنگی و یا اقدام به ایجاد انجمن‌ها و اتحادیه‌های جوانان به فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور می‌پردازند.

افغانستان به جوانان نیاز دارد. جوانان متقابلاً در عرصه‌های یاد شده با همت اند و پشتکار دارند. جوانان اند که صلح در کشور تأمین خواهد شد و کشور به پیشرفت



و سعادت خواهد رسید. جوانان باید در تنظیم، انسجام، وحدت و هماهنگی خویش و سایر اقشار و طبقات جامعه بکوشند. ملی بیندیشند، با تفاهم و احترام به نظرات یکدیگر با تبادل افکار و اندیشه‌های شان به منظور هم‌آهنگی میان شان افغانستان را آباد سازند. جوانان و نوجوانان چشمه جوشان نیرو و استعداد استند، جوان یعنی آینده. جوان خوب برای یک کشور پیشرفته؛ یعنی آینده خوب. جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن، دریافتن و تحلیل کردن باید باشند این هم امتیاز دیگری است. جامعه ما بحمدالله از میلیون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است، این مایه افتخار برای مردم ما است باید به وجود این همه جوان اعم از دختر و پسر، بیالیم و افتخار کنیم و جوانان هم باید به کشور شان و به مردم شان بیالند و آینده را بسازند. آینده با حرف ساخته نمی‌شود بلکه با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می‌شود. جوانان باید کار کنند، آن‌هم کار هوشمندانه و برخوردار از نیروی ایمان، عمل صالح، عشق و علاقه به میهن و تأمین وحدت ملی و هماهنگی و پشتکار و مساعی و تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر شباروزی برای عبور از دشواری‌ها.

جوانان باید در توسعه و پیشرفت و بازسازی کشور نقش مهم و سازنده شان را ایفا نمایند، صلح و امنیت دائمی و سرتاسری را در کشور تأمین کنند، بر ضد جهل و فقر و سایر مفسد اجتماعی و اخلاقی دست به مبارزه مستمر و بی‌امان بزنند. این نیروها در سال‌های طلایی عمر خود قرار دارند و خدای متعال هم با جوانان مسلمان و متعهد کمک خواهد کرد و این فرصت مهم و ارزشمند را نباید از دست بدهیم. جوانان همیشه در جامعه خود صادق بوده اند و صداقت را دوست داشته اند. وظیفه جوانان است که علی‌رغم موانع و توفان‌ها و حوادث و مشکلات به مسؤولیت‌های خود عمل کنند و از زیر بار مسؤولیت و امانت‌داری شان خالی نکنند و در راه اعمار و بازسازی کشور گام بردارند.

**تَوْضِيحَات**  
 ۱- بالقوه: به قوت، به حالت قوت، اثری که در چیزی که پنهان باشد و هنوز بروز نکرده باشد، مقابل بالفعل.  
 ۲- بالفعل: فعلاً، اکنون و در حال حاضر، مقابل بالقوه.



### بیاموزیم

۱- جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی مانند: تربیت و مسؤولیت‌پذیری، وجدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت‌پذیری فعال برخوردار اند. بنابراین

- سهم بالایی در شکل‌دهی سرمایه‌های انسانی و علمی داشته باشند.
- ۲- سرشت جوانان چون زمینی، غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هر گونه بذری از آن وجود دارد.
- ۳- پیشرفت و توسعهٔ جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت زمینهٔ رشد و انکشاف کشور را فراهم می‌سازند.
- ۴- جوانان در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعمار و بازسازی کشور نقش سازنده ایفا می‌نمایند.



### درست بنویسیم

- پسوند اسم معنی ((ی)) در پیوستن با مصوت‌ها و ((های)) غیر ملفوظ سه شکل زیرین را به خود می‌گیرد:
  - ۱- در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره و ((واو)) با دو ((ی)) و به شکل ((یی)) نوشته می‌شود؛ مانند:
    - یینا + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنی) = یینایی؛ مانند: او بینایی خویش را دو باره یافت.
    - با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعدهٔ الف ممدوده بر آن تطبیق می‌شود، مانند:
      - لیلی ی = ا (لیلا) + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنی) = لیلایی؛ مانند: لیلایی از هر خوبرویی بر نمی‌آید.
    - با واو: اگر پیش از ((و)) حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند اسم معنی را باید به شکل ((یی)) نوشت؛ مانند:
      - خوشبو + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنی) = خوشبویی؛ مانند: خوشبویی گلاب مرا به یاد سرزمین کودکی‌هایم می‌اندازد.
  - اما اگر پیش از ((و)) حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند اسم معنی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن «ی» میان‌وند واسط ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو + ی (پسوند صفت نسبی) = خسروی؛ مانند: خسروی از هر شهنشاهی نمی‌آید پدید.
  - ۲- هنگام پیوستن پسوند اسم معنی ((ی)) با واژه‌های مختوم با ((های)) غیر ملفوظ ((های)) پایانی واژه به ((گ)) تبدیل نمی‌شود؛ مانند:
    - زنده + گ + ی (پسوند اسم معنی) = زنده‌گی؛ مانند: زنده‌گی بدون عشق هیچ مفهومی ندارد.
  - ۳- هنگام پیوستن پسوند اسم معنی ((ی)) با واژه‌های مختوم به ((ی)) میان واژه و

پسوند حرف دیگری علاوه نگردیده، به صورت پیوسته با واژه نوشته می‌شود؛ اما هنگام خواندن، با فشار بیشتری تلفظ می‌شود؛ مانند:  
 حاجی + ی (پسوند اسم معنی) = حاجیی؛ مانند: حاجیی تنها با طواف کعبه حاصل نشود.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نقش جوانان در جامعه و کشور به بحث و گفتگو بپردازند. سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کنید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون صلح و امنیت و تأمین کننده گان آن معلومات مناسب ارائه کنند.
- ۳- چند تن از شاگردان در مورد تصویر بالا سخنرانی کنند.



## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعد املایی که خواندید، متنی را که در آن نگارش «یی» مصدری آمده باشد، بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- نقش جوانان را در جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ توضیح دهید.
- ۲- بیشترین انقلاب و دگرگونی را کدام نسل در جامعه به وجود می‌آورند؟
- ۳- در مورد کاربرد درست (( یای )) مصدری با ارائه مثال‌ها معلومات دهید.
- ۴- جوانان چگونه در جامعه و کشورشان افتخار می‌آفرینند؟

## کارخانه‌گی

- ۱- در باره نقش جوانان در کشور معلومات مفصلی بنگارید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
 خرد رهنمای و خرد دلگشای  
 خرد دست گیرد به هر دو سرای  
 فردوسی
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. دکتور جاوید کی بود؟
۲. کارکردهای او در کدام عرصه‌ها قابل اهمیت است؟
۳. او در کجا درس خواند و در کجا وفات یافت؟
۴. او چه کارهایی را انجام داد؟
۵. او به کدام درجات علمی دست یافت؟
۶. نظریه شخصی شما در مورد او چیست؟

## دکتور عبدالاحمد جاوید



دکتور عبدالاحمد جاوید، فرزند میرزا عبدالصمد خان، در نهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ ش در محله «پایانچوک» کابل زاده شد؛ اما بیشتر ایام کودکی و نوجوانی را در محله «ریکاخانه» کابل گذرانید و به این سبب، بهترین خاطرات دوره زنده‌گی خود را از همین محله داشت.

جاوید دوران آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲ و متوسطه و لیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانید. او در شانزده ساله‌گی به سرودن شعر آغاز کرد؛ اما در آن زمان اثری منتشر نکرد. مدتی بعد این وادی را رها کرد و به تحقیق و پژوهش روی آورد.

در سال ۱۳۲۲ هـ ش شامل پوهنخ‌ی ادبیات پوهنتون کابل شد و پس از یک سال تحصیل با استفاده از یک بورس تحصیلی به ایران رفت و در رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. علاقه فراوان او به ادبیات، سبب شد که همزمان در دو رشته حقوق و ادبیات به تحصیلات خود در تهران ادامه دهد. وی در سال ۱۳۲۹ هـ ش پس از به دست آوردن لیسانس از دانشگاه تهران، به همراهی شادروان «استاد سعید نفیسی» به افغانستان بازگشت و به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۱ هـ ش، دوباره به تهران برگشت و موفق شد که دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.

در سال ۱۳۴۵ هـ ش به حیث استاد زبان دری، به دانشگاه تاشکند رفت که تا سال ۱۳۴۸ هـ ش، تدریس زبان را در تاشکند ادامه داد.

استاد جاوید، عمر گرانمایه اش را بی دریغ در راه تتبع و پژوهش جهت روشن ساختن هویت ملی و فرهنگی کشور صرف کرد. پیوسته تلاش می‌ورزید که از لابه‌لای متون و نصوص تاریخی و با اعتبار حقایق انکارناپذیر علمی را به دست آورد. در راه رسیدن به این هدف والا و انسانی از دشواری‌ها نهراسید؛ زیرا باور داشت که پاسداری از هویت فرهنگی ملت‌ها، ضامن استقلال و آزادی آن‌ها است.

استاد جاوید افزون بر زبان مادری، (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.

### وظایف رسمی

دکتر عبدالاحمد جاوید در افغانستان مقام و مدارج علمی را یکی پی دیگر به دست آورد. در سال ۱۳۴۰ ه. ش. موفق به کسب رتبه علمی پوهاند گردید. در سال ۱۳۶۵ ه. ش. از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ ه. ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایسته فرهنگ» را حاصل کرد. از دیگر فعالیت‌های رسمی و علمی دکتر عبدالاحمد جاوید، می‌توان از عضویت وی در شورای بررسی کتب درسی وزارت معارف، عضویت در انجمن دوستی افغانستان و سازمان ملل متحد، عضو لویه جرگه، عضو افتخاری انجمن نویسنده‌گان افغانستان، عضو انجمن دوستی افغانستان و فلسطین نام برد. ریاست پوهنتون کابل نیز از فعالیت‌های دیگر استاد جاوید است. در زمان ریاست او، نوآوری‌های چشمگیری در فضای پوهنتون کابل به وجود آمد. انتشار مجلات پوهنتونی یا دانشگاهی، چاپ کتاب‌های علمی، تاسیس پوهنځی هنرهای زیبا و توسعه کتابخانه پوهنتون یا دانشگاه از مهم‌ترین دستاوردهای دکتر جاوید حساب می‌گردد.

استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ ه. ش. از افغانستان به پاکستان رفت و بعد در لندن، اقامت اختیار نمود. در سال‌های حضور در خارج از افغانستان هم دست از فعالیت‌های فرهنگی برنداشت. حضور و سخنرانی وی در ده‌ها سیمینار که در کشورهای مختلف در زمینه‌های گوناگون برگزار شد، از مهم‌ترین کارهای این استاد بود.

سرانجام استاد عبدالاحمد جاوید، در شامگاه چهارشنبه ۹ اسد سال ۱۳۸۱ ه. ش بر اثر بیماری سرطان در سن هفتاد و پنج ساله‌گی در شهر لندن وفات یافت. پیکر استاد را به کابل منتقل کردند و در روز ۱۳ اسد همان سال در شهدای صالحین شهر کابل به خاک سپرده شد.

## آثار و نوشته‌های استاد جاوید

از پروفسور دکتور عبدالاحمد جاوید، آثار فراوانی به گونه کتاب و رساله، مقالات، و سخنرانی‌ها در داخل و خارج کشور برجا مانده است. نگرشی بر کارکردهای استاد نشان می‌دهد که بیشترین آثار برجا مانده از او به گونه سخنرانی و بیانیه‌هایی است که به مناسبت‌های مختلف در سیمینارها و سمپوزیم‌های ملی و بین‌المللی ارائه کرده است. به ویژه در سال‌های اخیر عمر که در هجرت بود، طی ده سال از ۱۳۶۷ ه.ش. تا ۱۳۷۷ ه.ش. بیش از ۸۰ سخنرانی در محافل و مجالس مختلف داشته است که گردآوری و چاپ آن، مجموعه گران‌ارچی را فرادست می‌آورد.

از دکتور جاوید ده‌ها کتاب و رساله به جا مانده و صدها مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است که عناوین زیر شامل آن‌ها می‌شود:

نوروز خوش آیین، اوستا، رایحه صلح در فرهنگ ما، مدارا و مروت در ادبیات فارسی، آثار برگزیده دری، افسانه‌های قدیم شهر کابل، نگاهی به اشعار دری خوشحال خان ختک، قرائت دری صنوف هفتم، هشتم و نهم، جغرافیای افغانستان، تاریخ ادبیات دری، تحقیق در املا و انشای فارسی و چندین کتاب درسی دیگر برای فاکولته ادبیات پوهنتون کابل.

هم‌چنین از استاد مقالات فراوانی در داخل و خارج کشور به نشر رسیده، که به گونه نمونه چندی از آنها را نام می‌بریم: آریانا، خراسان و افغانستان، آشنایی با بیدل، افسانه بابه نوروز، افغانستان مهد پیدایش زبان دری، درود بر زن درود بر مادر، سرگذشت تاج التواریخ و گستره ادب دری در جامعه ترکی‌زبانان.

### نمونه نثر دکتور عبدالاحمد جاوید

در کابل از قدیم یک ماه پیشتر از فرارسیدن نوروز مردم به پیشواز بهار و پذیرایی از سال نو هر جمعه بیرون شهر می‌روند و با جمع شدن در محل خاص به سیر و گردش و شور و سرور می‌پردازند و با پختن غذاهایی مانند سبزی، ماهی و جلبی و تهیه انواع سرگرمی‌ها از نوروز خوش آیین استقبال می‌کنند...

نام قدیم باغ بابر هم «باغ نوروزی» بود. از زمانی که بنا بر وصیت بابر جنازه او را از آگره به کابل آوردند و درین باغ دفن کردند معروف به باغ بابر شد. از دیگر جاهایی که مردم در روز نوروز جمع می‌شوند دامنه کوه خواجه صفاست، با درخت‌های خوش‌رنگ ارغوانش، و هم باغ معروف چهلستون با شکوفه‌های عطرآگین بادامش. مردم در ایام بهار دسته دسته درین باغ مخصوصاً موسم شکوفه بادام و گل ارغوان می‌آیند و در سایه فرحبخش درختان می‌نشینند. کباب دashi می‌پزند و قیماق‌چای را

با کلیچه‌های نمکین و یا شیرین نوش جان می‌کنند. از قدیم در شهر کابل به پیشواز بهار کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها را از فراز تا فرود پاک می‌کردند؛ خانواده‌ها خانه‌تکانی می‌کردند. مخصوصاً اجاق و دیگدان آشپزخانه را رنگ می‌کردند، تا برکت آورد... اهالی شهر، پیش از تاریکی، چراغ روشن می‌کردند و دوکانداران دکان‌های خود را چراغان می‌کردند؛ آذین می‌بستند و به انواع آئینه و قالینچه می‌آراستند. خوب به یاد دارم، رسته‌های دکان‌های چارچته، شوربازار و بازار ارگ، چارسو، و یا چارسوق، را که با انواع آئینه‌های بلور، منظره‌ها، تصویرها، قالینچه‌ها، سوزنی‌ها، چلچراغ‌ها و حتی کشکول و تبرزین و پوست پلنگ آراسته می‌گردید، و قناری‌های خوش‌آواز پشت میله‌های قفس چهچه می‌زدند. دکان‌داران با شربت‌های خوشمزه و شیرینی‌های گوناگون و کلیچه‌های نوروژی و حتی هفت میوه و ایراد مطایبه‌ها و شوخی‌ها از آشنایان و دوستان پذیرایی می‌کردند. شب‌ها با شمع و مشعل، فانوس و مهتابی همه جا روشن می‌بود. از مدت‌ها پیش، شیرینی‌پزها، کلیچه‌پزها، نخود‌پزها، نقل و بادام، حلوائ مغزی، سوهانک، حلوائ پشمک و شیرپیره درست می‌کردند. سبزی فروش‌ها انواع سبزی ترکاری، مخصوصاً سبزی‌پالک را که نشانه سرسبزی و خرمی بود به مشتریان عرضه می‌کردند.

«نوروز خوش آیین» نوشته دکتر جاوید



## بخوانیم و بدانیم

۱. دکتر احمد جاوید، فرزند میرزا عبد الصمد خان، درنهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ ش در محله «پایانچوک» کابل زاده شد.
۲. آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲ و متوسطه ولیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانیده دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.
۳. استاد جاوید افزون بر زبان مادری (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.
۴. در سال ۱۳۴۰ هـ ش. رتبه علمی پوهاند یا پروفیسوری را حاصل کرد. در سال ۱۳۶۵ از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ هـ ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایسته فرهنگ» را به دست آورد.
۵. استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ ش. افغانستان را ترک کرد. مدتی در پاکستان و بعد در لندن مقیم شد.
۶. از دکتر جاوید ده‌ها کتاب و رساله؛ مانند: نوروز خوش آیین، اوستا، رایحه صلح در

فرهنگ ما و... به جا مانده و صدها مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است.



### درست بنویسیم

• در مورد نوشتن پسوند صفت نسبتی { - ی } در پیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف ممدوده، الف مقصوره، واو، وهای غیر ملفوظ، نیز قاعده کلی آن است که به شکل (یی) نوشته شود؛ مانند:

• با الف ممدوده

کانادا + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = کانادایی؛ مانند: این مرد کانادایی در اصل زاده کشور لهستان است.

• با الف مقصوره

درین گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعده الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: لیلی - ی + ا (= لیلا) + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = لیلایی؛ مانند: ماهرو جلوه لیلایی داشت.

• با واو

اگر پیش از {و} حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت یای پسوندی را باید به شکل (یی) نوشت؛ مانند: جادو + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = جادویی؛ مانند: جادوه، جادو + یی.

اما اگر پیش از {و} حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند صفت نسبتی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یای میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = خسروی؛ مانند: ما در جاده خسروی باهم ملاقات کردیم.

• باهای غیر ملفوظ

قهوه + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = قهوه‌یی؛ مانند: من بالا پوش قهوه‌یی خود را گم کرده‌ام.

• با «ی»

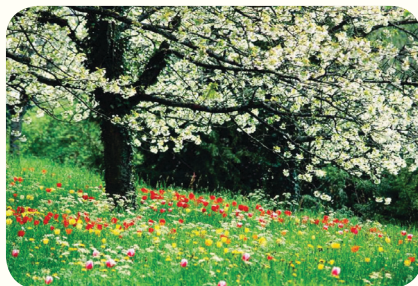
پلخمری + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = پلخمری‌یی؛ مانند: در مسابقات پهلوانی امسال، یک پهلوان پلخمری‌یی به مقام اول دست یافت.

### کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان در مورد شخصیت دکتور جاوید باهم گفتگو نموده و واضح سازند که





وجود این چنین اشخاص در جامعه باعث چه چیزی می‌شود؟ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان تصویر مقابل را با موضوع «بهار» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن سخنرانی کنند.

### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. با در نظر داشت قواعدی که در مورد نوشتن خواندید، در کتابچه‌های تان متنی بنویسید که حداقل دو نوع از آن قواعد در آن به کار رفته باشد.

### خود آزمایی

۱. داکتر عبدالاحمد جاوید کی بود، در کجا درس خواند و کدام رتبه‌های علمی را از کجا به دست آورد؟
۲. او به جز از افغانستان، دیگر در کدام کشور به چه کاری مشغول شد؟
۳. استاد جاوید افزون بر دری و پشتو بر کدام زبان‌های دیگر تسلط داشت؟
۵. پنج اثر چاپ شده و پنج مقاله او را نام ببرید.
۶. پسوند صفت نسبتی { -ی } در پیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف ممدوده و‌های غیرملفوظ به چه شکل نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.

### کارخانه‌گی

۱. در باره شخصیت علمی داکتر عبدالاحمد جاوید یک مقاله بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:  
اصل وقت از گردش خورشید نیست      وقت جاوید است و خورجاوید نیست  
در جهان روشن تر از خورشید شو      صاحب تابانی جاوید شو  
علامه اقبال
۳. متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریح‌اتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در اخیر همین سؤال‌های از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

- ۱- فرخی کی بود؟ ۲- قصیده معروف «سومنات» از کدام شاعر نام آور است؟ ۳- فرخی قصیده سرای کدام دربار بود؟
- ۴- پیرامون سبک و ذوق فرخی چه می‌دانید؟ به گونه مختصر توضیح دهید.
- ۵- دیوان فرخی شامل چند هزار بیت بوده و در کدام یک از قالب‌های شعری آن را سروده است؟ ۶- فرخی گذشته از شاعری دیگر در کدام فن استاد بوده است؟

### فرخی

از شعرای بزرگ دربار سلطان محمود و سلطان محمد غزنوی فرزند ابوالحسن علی بن جولوغ متخلص به فرخی است. او ذوق لطیف و قریحه خوب و آواز خوش داشت و چنگ نیکو می‌زد. در شعر به ویژه قصیده را خوب ساخته و از آن فن طرز خاصی به وجود آورده است. فرخی، از صله و انعام ابوالمظفر احمد بن محمد امیر چغانیان آگاه گشت، قصد دربار او کرده همراه کاروانی شد و قصیده‌یی در وصف شعر خود و مدح امیر گفت چون به چغانیان رسید امیر برای داغ کردن کره گان به داغگاه رفته بود. پس فرخی قصیده خود را به خواجه عمید اسعد که پیشکار ابوالمظفر بود عرضه داشت و او فرخی را با خود به داغگاه برد و در ضمن از او درخواست نمود تا شعری در وصف داغگاه بسراید و او همان شب قصیده معروف داغگاه را نظم کرد که مطلع آن این است:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت‌رنگ اندر سر آرد کوهسار  
روز دیگر قصیده را پیش امیر خواند. امیر شعرشناس بود و از این قصیده حیرت کرد و شاعر را بناخت و صله فراوان بخشید.

بعد فرخی به دربار سلطان محمود غزنوی روی نهاد و سلطان محمود نیز او را همچنان گرمی داشت و او به دربار پادشاه مقام بلند یافت و دارای ثروت شد و جاه و جلال پیدا کرد؛ چنانکه خود در قصیده‌یی گوید:

با ضیعت آبادم و با خانه آباد  
 با نعمت بسیارم و با آلت بسیار  
 هم با رمه اسپم و هم با گله میش  
 هم با صنم چینم و هم بابت فرخار  
 ساز سفرم هست و نوای حصرم هست  
 اسپان سبکبار و ستوران گرانبار  
 از ساز مرا خیمه چو کاشانه مانی  
 وز فرش مرا خانه چو بتخانه فرخار

فرخی قسمت عمده قصاید خود را در باره شاهان غزنوی سروده، سلطان محمد و پسرانش ابو احمد محمود و مسعود و برادرش امیر یوسف و وزراء و ندمای آنان را مدح کرده و از آن جمله در ستایش ابو احمد محمد گفته است:

چهار چیز گزین بود خسروان را کار  
 نشاط کردن چو گان و بزم و رزم و شکار  
 ملک محمد محمود آمد و بفزود  
 بر آن چهار بتوفیق کرد گار، چهار  
 نگاه داشتن عهد و برکشیدن حق  
 بزرگ داشتن دین و راستی گفتار

دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی، غزلیات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات است. معاصران و اخلاف فرخی مانند: عنصری و رشیدالدین وطواط و دیگران او را ستوده اند. فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقدالشعر استاد بوده و کتابی در این علم با اسم ترجمان البلاغه تألیف نموده و آن به مرور زمان از میان رفته است؛ و لی رشیدالدین وطواط آن را دیده و در تألیف کتاب حدائق السحر خود از آن استفاده کرده است. فرخی در سال ۴۲۹ هـ ق. وفات یافته است.

**سبک و ذوق فرخی:** فرخی نیز مانند عنصری غالب قصاید و مدایح خود را با وصف بدایع طبیعت شروع کرده و در تغزل قدرت نشان داده است. به طور کلی این شاعر در لفظ و معنی مهارت به سزا داشته و تشبیهات لطیف و طبیعی به کار برده و از تعقید و تکلف اجتناب ورزیده و غالباً اشعار را ساده و شیرین سروده است. برای نمونه می‌توان قصیده‌یی را که با وصف ابر شروع می‌کند متذکر شد که در عبارات و تشبیهات آن صفت سخن پردازای شاعر هویداست و مطلع آن قصیده این است:

برآمد نیلگون ابری ز روی نیلگون دریا  
 چو رای عاشقان گردان چو طبع بی‌دلان شیدا

چو گردان گشته سیلابی میان آب آسوده  
 چو گردان گردبادی تند گردی تیره اندورا  
 بیارید و زهم بگسست و گردان کشت بر گردون  
 چو پیلان پراگنده میان آبگون صحرا  
 تو گفتی گرد زنگار است بر آینه چینی  
 تو گویی موی سنجابست بر پیروزه گون دیا  
 به سان مرغزار سبزرنگ اندر شده گردش  
 بیک ساعت ملون کرده روی گنبد خضرا  
 تو گفتی آسمان دریاست از سبزی و بر رویش  
 به پرواز اندر آورده است ناگه بچه گان عنقا  
 می بینیم که استاد در این چند بیت طبیعت را سخن می نگارد: توده های ابر را مانند رأی  
 عاشقان و طبع دل باخته گان گردان و شیدا می بیند و آن ها را به سیلابی که میان آب  
 ساکن آید به گردبادی که به هوا بر خیزد یا به مرغزار گردنده و بچه گان عنقا که بر  
 روی دریا به پرواز در آیند تحشیه می نماید.  
 برخی از اشعار فرخی معانی تاریخی دارد، زیرا وی ندیم سلطان محمود و در بسی از  
 سفرهای هند با وی بود. ازین رو از جنگ ها و فتوحات سلطان، در قصاید خود سخن  
 به میان آورده است:  
 فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نورا حلاوتیست دگر  
 فرخی از قصیده گویان درجه اول دری است، در سخن تواناست، طبعش روان و قصایدش  
 صریح و آسان است و پیچیده گی و معانی پیچیده فلسفی ندارد، بلکه شعرش نماینده ذوق و  
 قریحه است. لحن وزن و موسیقی شناسی او در آهنگ و پیوند نظم او مؤثر بوده و سخنش را از  
 هر گونه تعقید بر کنار داشته است.  
 تاریخ وفات فرخی را سال ۴۲۹ هجری نوشته اند.

**توضیحات**  
 علم عروض: میزان سخن منظوم است و آن علمی است که از وزن اشعار  
 بحث می کند.  
 از این رو آن را «علم عروض» نامیده اند که اشعار را بدان عرضه دارند  
 تا وزن سالم از غیر سالم و درست از نادرست متمایز گردد. بنای اوزان عروضی، مانند  
 وزن های صرفی به حروف فا، عین و لام (فعل) نهاده شده است.



### درست بنویسیم

پسوندهای فاعلی در پیوند با واژه‌های پیشین شان به صورت زیر نوشته می‌شوند:

| پسوند | با حروف پیوند پذیر         | با حروف پیوند نا پذیر و (های) نا ملفوظ |
|-------|----------------------------|--|
| ار    | خواستار                    | خریدار، پدیدار، برخوردار               |
| الف   | گویا، بینا، دانا           | شنوا، گیرا، پذیرا                      |
| ان    | خواهان، جوشان، خروشان      | دوان، سوزان، خندان                     |
| باز   | نیرنگ‌باز ریسمان‌باز       | حقه‌باز، سرباز، چترباز                 |
| بان   | پاسبان، باغبان، کشتیان     | مرزبان، بادبان، آسیابان                |
| بر    | رهبر، رنجبر                | بادبر، نمابر، نامه‌بر                  |
| چی    | فرشچی، پستیچی، قابچی       | شکارچی، جارچی                          |
| گار   | ستمگار، خدمتگار، کامگار    | آموزگار                                |
| گر    | ستمگر، آهنگر، سیمگر        | دادگر، زرگر، کارگر                     |
| گیر   | پیام‌گیر، راهگیر، کفگیر    | دزدگیر، مارگیر، بهانه‌گیر              |
| نده   | گوینده، بخشنده، جهنده      | دارنده، گزنده                          |
| کار   | ستمکار، فراموشکار، گناهکار | مزدورکار، بسته‌کار                     |

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شعر و شاعری فرخی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده دربارهٔ ممدوح فرخی (سلطان محمود غزنوی) و فتوحات وی معلومات دهند.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر صفحهٔ بعدی سخنرانی کنند.



### املا و نگارش



۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲- در باره شخصیت ادبی فرخی چند سطر بنویسید.



### بیاموزیم

۱- دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی غزلیات، قطعات، ترجیع بند و رباعیات است.

۲- فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقد الشعر استاد بوده و کتابی در این علم به اسم «ترجمان البلاغه» تألیف نموده است.

## خود آزمایی

- ۱- سلطان محمود غزنوی را چرا بت شکن می گویند؟
- ۲- در مورد قصیده مشهور سومنات فرخی چه می دانید؟
- ۳- دیوان فرخی حاوی چند هزار بیت است؟
- ۴- فرخی گذشته از شعر به فن عروض و نقدالشعر هم دسترسی داشت. نظر شما چیست؟
- ۵- فرخی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات یافت؟

## کارخانه گی

- ۱- این بیت را به حافظه بسپارید:  
فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نوراحلاوتیست دگر
- ۲- درس های گذشته را تکرار نموده و خود را آماده امتحان نمایید.

## واژه نامه

### آ

|  |          |   |
|--|----------|---|
| اعیان                                      | آذین     | زیب، زینت، آرایش، زیور  |
| اغراق                                      | آرایه    | زیب، زینت، زیور   |
|  | آرمان    | آرزو، امید  |
|  | آمال     | جمع امل به معنای: امید، آرزو  |
|  | آمیخته   | درهم ساختن و مخلوط کردن دو یا چند چیز باهم  |
|  | آیات     | نشانه‌ها علامت‌ها و جمع آن آیه است  |
|  | آشفته    | پریشان، شوریده، مضطرب، سرگردان  |
|  |          | <b>الف</b>  |
|  | ایتدال   | بی‌ارزش، مبتذل  |
|  | آبر      | بزرگ، کلان، نیرومند   |
|  | ابهام    | پوشیده سخن گفتن، پیچیده و غامض کردن سخن   |
|  | اتباع    | پیروی کردن، از پی رفتن.   |
|  | احاطه    | گرداگرد چیزی را گرفتن   |
|  | اختلال   | بی سرو سامانی، درهم و برهم شدن، بی‌نظم شدن  |
|  | اختناق   | خفه شدن، گلوگیر شدن، بند آمدن نفس   |
|  | اختر     | ستاره، بخت و طالع و اقبال، علم  |
|  | ادراک    | درک کردن، دریافتن، فهمیدن، پی بردن  |
|  | اسباب    | جمع سبب و سایل  |
|  | استشهاد: | شاهد آوردن از قول یا گفته کسی در نوشته خود  |
|  | اشتغال   | کار کردن، مشغول شدن، به کاری پرداختن  |
|  | اشراف    | جمع شریف به معنای بلند پایه گان، نجبا   |
|  | اشراق    | درخشیدن، تابیدن، روشن شدن   |
|  | اطلاق    | استعمال کلمه‌یی به معنای مخصوص خواه به طریق حقیقت و یا مجاز                             |
|  | اعتلا    | بلند شدن، برتری یافتن، بلندی، برتری   |
|  | اعتیاد   | عادت کردن، خو گرفتن   |
|  | اعجاب    | به حیرت واداشتن، کسی را به شگفت آوردن   |
|  | اعجاز    | انجام دادن کاری که دیگران از آن عاجز باشند.   |
|  | اعراض    | علایم، نشانه‌ها   |
|  | اعم      | شامل، فراگیر، همه‌گانی  |
| بزرگان، بزرگواران                          | بالیغ    | جوان  |
| مبالغه و افراط در توصیف یا بدگویی          | برازنده  | شایسته، لایق، زیننده  |
| کسی، گزافگویی                              | برهه     | قسمتی از وقت و زمان، روزگار   |
| زیاده‌روی کردن.                            | بسمل     | هر حیوانی که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند و یا با شمشیر نیم کشته باشند و یا نیمه‌جان |
| لزوم، درخور بودن، مناسب بودن               | بصری     | منسوب به بصر: آنچه که از طریق چشم درک شود   |
| کسی را به‌زور و ستم به کاری واداشتن.       | بلیغ     | رسا، فصیح، کسی که دارای زبان رسا باشد   |
| خلاف میل او.                               | بهت      | حیرانی، شگفتی   |
| به امری عهده دار شدن کاری، ملازم شدن.      | بهره     | سود، نفع، فایده   |
| یاد دادن، آموختن                           |          | <b>پ</b>  |
| نمونه، طرح                                 | پذیره    | قبول و استقبال، جلو رفتن و پیشواز   |
| جمع ملح، به معنای نمک‌ها، منرال‌ها         | پویا     | پژوهشگر: محقق، پژوهش کننده، کسی که تحقیق می‌کند   |
| جمع وهم به معنای: خیال، پندار، در دل گذشتن | پیرایه   | رونده، دونده  |
| کوتاه و مختصر کردن سخن                     | پیشواز   | زینت، زیور، آرایش   |
| یقین کردن، باور کردن.                      | پیکر     | استقبال، دم روی آمدن،   |
| اشاره کردن، نشان دادن با انگشت             |          | جسم، جسد، تن، هیکل  |
|  | تأخر     | <b>ت</b>  |
|  |          | عقب انداختن، پس ماندن، دیرشدن   |



|             |  |  |
|-------------|--|--|
| تأدیب       | تربیت کردن، تنبیه کردن   | آوردن اصطلاحات علمی در شعر                           |
| تالار       | سالون، اتاق بزرگ   | جدا کردن، متفرق کردن، از هم دیگر تفاوت داشتن         |
| تأمل        | اندیشه کردن، فکر کردن، درنگ کردن   | مخالف چیزی با چیزی، ضد یک دیگر.                      |
| تبلور       | به شکل بلور درآمدن، شفاف شدن   | قی، استفراق، دل بد شدن، انقلاب معده                  |
| تتبع        | دنبال کردن، در پی چیزی رفتن، جستجو کردن، تفحص                                | پی در پی قرار گرفتن، پشت سر هم بودن، یکی پس از دیگری |
| تحت الشعاع: | زیر پرتو، آنچه که در اثر پیدایش چیزی دیگر از رونق افتاده باشد.               | توأم   |
| تحریف       | تغییر و تبدیل کردن، برخی از حروف یک کلمه را عوض کردن.                        | توفیق  |
| تحقیر       | حقیر شمردن، خوار داشتن، کوچک کردن  | توهم   |
| تحلیل       | تجزیه کردن، حل کردن، گشودن   | تکلف   |
| تذهیب       | طلاکاری، هنر تزیین اوراق کتاب با آب طلا و لاجورد                             | تکوین  |
| ترسیخ       | راسخ ساختن، ثابت ساختن، قوی ساختن  | تهذیب  |
| تزریق       | داخل کردن محلول در زیر پوست بدن، پیچکاری کردن، دوا چکانیدن                   | ث  |
| تزکیه       | پاکیزه کردن، بی‌آلایش کردن   | جمع ثغر به معنای: سرحد، مرز، دریند                   |
| تسمم        | زهر آگین شدن، با زهر آلوده شدن   | ج  |
| تشریح       | بیان کردن و نمودار ساختن راه یا شریعت.                                       | جسورانه  |
| تشریک       | شریک کردن، شرکت دادن   | جعل  |
| تشویر       | اشاره کردن، آشوب و اضطراب، شرمساری.  | تقلب کردن، ساختن سند یا چیزی دیگر برخلاف حقیقت       |
| تصحیح       | صحیح کردن، درست کردن، بی‌غلط ساختن یک نوشته                                  | ج  |
| تصحیف:      | خطا خواندن، خطا کردن در نوشتن، تغییر دادن کلمه با کم کردن یا زیاد ساختن نقطه | چاشنی  |
| تصلب        | سخت شدن، محکم شدن  | چرخ  |
| تعجیل       | شتاب کردن، شتافتن، عجله کردن   | ح  |
| تعزیه       | عزاداری کردن، سوگواری کردن   | حجب  |
| تفریط       | کوتاهی کردن در کاری.   | حریم   |
| تفکر قدسی:  | اندیشه روحانی، افکار ملکوتی  | حجت  |
| تقدم        | پیش بودن، جلو رفتن، پیشی گرفتن   | حسب  |
| تقلا        | دست و پا زدن، کوشش و تلاش  | حکمت   |
| تلطیف       | لطیف کردن، زیبا و دلپسند نمودن   | حماسه  |
| تلمیح       | اشاره کردن به قصه یا مثلی مشهور یا   | حج   |
|             |  | شرم، حیا، پوشاندن، پنهان کردن                        |
|             |  | پیرامون و گرداگرد                                    |
|             |  | برهان، دلیل، آنچه به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند.  |
|             |  | قدر، اندازه، شماره، اساس                             |
|             |  | راستی و درستی امری. کلام موافق حق.                   |
|             |  | شجاعت، دلیری، دلوری                                  |
|             |  | خ  |
|             |  | جمع خارق به معنای آنچه که خلاف عادات مردم باشد       |
|             |  | د  |
|             |  | طلب کننده، خواهنده، دعوت کردن                        |

|   |  |        |   |
|---|--|--------|---|
| داور  | قاضی، حکم کردن میان دو نفر                                 | سمعی   | منسوب به سمع: آنچه که از طریق گوش درک شود   |
| دایم الخمر: باده‌پرست، کسی که همیشه شراب می‌نوشد و نشه است. |  | سنت    | طریقه، سیرت، قول و فعل پیامبر اسلام ﷺ آنچه پیغمبر ﷺ و صحابه بر آن عمل کرده باشند. |
| دایم الصوم: کسی که همیشه روزه داشته باشد.                   |  | سوانح  | جمع سانحه به معنای واقعه، حادثه، هر چیز ناگهانی، رویداد                           |
| دیپو  | انبار، محل ذخیره کردن.                                     | سور    | جشن، ضیافت، مهمانی، عروسی   |
|   |  | سُوق   | بازار، جای خرید و فروش  |
|   |  |        | <b>ش</b>  |
| رأفت  | رحمت و مهربانی   | شبانان | چوپانان، نگهبانان گوسفندان  |
| راغ   | مرغزار، صحرا، دامن کوه، دامنه سبز کوه که وصل به صحرا باشد. | شتاب   | عجله و تندى، چالاکی و سرعت  |
| رثا   | گریستن بر مرده و شعر گفتن در باره مرگ کسی با اظهار دلسوزی. | شرور   | جمع شر، بدکار، صاحب شر  |
| رَجَز   | شعری که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند.                   | شوالیه | نجیب زاده‌یی که در گروه اسپ‌سواران قرون وسطی پذیرفته شده بود.                     |
| رده   | صف، قطار، دسته، درجه                                       | شیوا   | بلیغ، فصاحت، بلاغت  |
| رستگار  | آسوده، نجات یافته، آزاد                                    | شیوع   | آشکار شدن. ظاهر و هویدا.  |
| روال  | نظم، اسلوب، ترتیب، جریان                                   |        | <b>ص</b>  |
| روایت   | نقل کردن خبر یا حدیث و سخن از کسی، حکایت                   | صومعه  | مکانی بر سر کوه یا جایی بلند که راهب یا عابد، جهت عبادت آنجا به سربرد             |
| روند  | روش، رفتار، طریقه  |        | <b>ض</b>  |
| ریوی  | منسوب به ریه به معنای شش (عضوی از بدن)                     | ضحیم   | کلان، بزرگ، ستبر، هنگفت   |
|   |  | ضاللت  | گمراه شدن، گمراهی   |
|   |  |        | <b>ط</b>  |
| زالال   | گوارا، صاف، خوشگوار  | طراوت  | تر و تازه شدن، شادابی   |
| زوال  | ناپایداری، نیستی و نابودی، آفت، بلا                        | طرب    | شاد شدن، شادمانی، اهتزاز و جنبش از اثر شادی و نشاط                                |
|   |  |        | <b>ع</b>  |
| ژست   | وضع رفتار و حرکات، طرز حرکت و اعمال شخص                    | عار    | عیب و ننگ   |
|   |  | عاری   | برهنه، لخت، فاقد، میرا  |
|   |  | عبر    | عبرت، پند، پندی که از نظر کردن در احوال دیگران حاصل شود.                          |
| سانسور  | تفتیش و مراقبت در مطالب کتب و جراید به وسیله دولت          | عرصه   | فضا، میدان، ساحه  |
| سبیل  | راه آشکار، طریق  | عزلت   | گوشه‌نشینی، دوری و کناره‌گیری از مردم   |
| سترگ  | بزرگ، عظیم، قوی‌هیکل، تنومند                               | عقود   | جمع عقد.  |
| سجایا   | جمع سحیه به معنای: طبع، خلق، خوی                           | عقیم   | نازاء، زن یا مردی که از او فرزند به وجود نیاید                                    |
| سده   | دوره صد ساله، قرن، صد سال                                  |        |   |
| سقم   | مرض، بیماری، نادرست بودن، ناصحیح بودن                      |        |   |
|   |  |        |   |
| سالله   | نسل، نطفه، خلاصه   |        |   |
| سمر   | شب و سیاهی، دهر، روزگار، قصه و افسانه‌یی که در شب بگویند.  |        |   |

علو بلندترین چیز، برترین چیز، بلندی یافتن  
عوارض جمع عارضه به معنای پیش آمد، بیماری،  
حادثه، مرض

### غ

غنامندی توانگری، دولتمندی، پربار شدن  
غفلت فراموش کردن، از یاد بردن، بی خبری.

### ف

فترت ضعف، سستی، کسالت، زمان میان دونوبت  
تب

فراز بلندی، بالای مقابل نشیب و فرود  
فرکانسی: اهتزاز صدا

فرهیخته: ادب آموخته، ادیب، علم آموخته، عالم

فرود زیر، نشیب، پایین، مقابل فراز  
فصیح کسی که خوب سخن بگوید و کلامش  
بدون پیچیده گی باشد.

فقدان گم کردن، از دست دادن، گم شدن

فوران جوشیدن یا جهیدن آب از چشمه

فیوض جمع فیض به معنای خیر و برکت

### ق

قدسیت پاکی، پاک شدن. منزه بودن.

قرنیه بخش شفاف پرده صلبیه، که در جلو چشم  
قرار دارد

قریحه طبع، ذوق، ادراک، قدرت طبیعی در  
سرودن شعر و کتابت

قریحت طبیعت، ادراک، طبیعت شاعری و  
نویسنده گی

قفا پشت گردن و در فارسی به معنی دنبال و  
پشت سر نیز می گویند.

### ک

کاخ قصر، عمارت بزرگ و عالی که دارای  
چندین اتاق باشد.

کانون مرکز  
کلالیت خسته شدن؛ مانده شدن

کلیوی منسوب به کلیه به معنای گرده (عضوی از بدن)

### گ

گزند آسیب، آزار، آفت

گسترده پهن کرده، منبسط، فراگیر

### ل

لهو بازی، آنچه مایه سرگرمی باشد.

### م

مات و مبهوت: حیران، سرگشته، سرگردان

مأخذ جمع مأخذ به معنای سرچشمه، منبع، جای  
اخذ شده از آن.

مأنوس انس گرفته، آشنا

مایل میل کننده، گراینده به چیزی

مباهات فخر کردن، نازیدن به کسی یا چیزی

مبتذل پیش پا افتاده، بی ارزش، خوار و ناپسند،  
بی قدر و قیمت

مینا بنا کرده شده، پایه و بنیان، اساس

متانت نیرومندی، وقار، محکم بودن، استوار بودن

مترادف دو یا چند کلمه که در صورت مختلف و  
در معنی یکسان باشند.

متروک ترک شده، واگذاشته

متصوفه متصوفان، گروه صوفیان

متعدد بسیار، بی شمار، چیزی که بسیار باشد

متناظر نگرنده به هم، نزدیک به هم

متوالی پیاپی، پشت سرهم، پی در پی

متون جمع متن به معنای عبارات اصلی کتاب،  
رساله و مکتوب، مقابل حاشیه

مثنی هشت رکنی، هشت تایی، هشت جزئی

مجال داشتن وقت و فرصت، جولان کردن، جولانگاه

محاسن جمع حسن به معنای نیکویی و خوبی

محتوا چیزی که چیز دیگری را دربر دارد

محدث کسی که حدیث نقل کند، کسی که  
سخنان پیغمبر ﷺ را روایت کند، عالم به  
علم حدیث.

محرک تحریک کننده، جنباننده

محوطه زمینی که دور آن دیوار کشیده شده باشد

مَحَك سنگی که طلا و نقره را به آن می مالند و  
عیار آن را آزمایش می کنند.

محیل حیله گر، فریبکار

مدارج جمع مدرج و مدرجه به معنای درجه ها،  
پایه ها، مراتب

مدون تدوین شده، فراهم آمده، گردآوری شده،

|           |  |  |         |
|-----------|--|--|---------|
| منسوخ     | از بین برده شده، باطل شده، رد کرده شده                   | جمع‌آوری شده   |         |
| منفعل     | اثر پذیرفته، شرمنده، شرمسار                              | شعر یا سخنی که درسوگواری و یا مدح میت خوانده می‌شود.             | مرثیه   |
| مواریث    | جمع میراث  | کوشش‌ها، تلاش‌ها، سعی‌ها   | مساعی   |
| موهوب     | بخشش‌ها  | دوامدار، دوام‌یافته، دایم  | مستمر   |
| موجز      | مختصر، کوتاه، سخن کوتاه و مختصر                          | نامه‌یی که نوشته شود تا بعد اصلاح و پاک نویس کنند                | مسوده   |
| مودت      | دوستی کردن.  | آرزومند، مایل و راغب به چیزی                                     | مشتاق   |
| موهبت     | بخشش، آنچه که به کسی ببخشند                              | جدا شده، کلمه‌یی که از کلمه دیگری جدا و ساخته شده باشد.          | مشق     |
| مکاتیب    | جمع مکتوب به معنای نوشته                                 | مشروبات: نوشیدنی‌ها، آنچه از مایعات که نوشیده شود                |         |
| <b>ن</b>  |  |  |         |
| نادر      | کمیاب، آنچه کم به دست آید                                | اراده و خواست خداوند <small>عزوجل</small>                        | مشیت    |
| ناهنجاری: | عدم تناسب، بی‌تناسب بودن، نامتناسب                       | مصیبت‌زده، سختی‌دیده، مشقت‌کشیده                                 | مصاب    |
| نخبه      | برگزیده  | جمع مصوبه به معنای قسمتی از قانون                                | مصوبات  |
| نژاد      | اصل و نسب، تبار  | مضحک خنده‌آور  | مضحک    |
| نسخ       | جمع نسخه به معنای مطلبی که از روی کتاب نوشته باشند.      | جمع مظهر به معنای دیدنی، جای ظهور، پشتیبان                       | مظاهر   |
| نصوص      | جمع نص به معنای کلام صریح و آشکار که دارای یک معنی باشد. | طبق زمان ساختن   | معاصرت  |
| نقاد      | سره‌کننده و جداکننده خوب از بد                           | جمع معاب به معنای عیب‌ها و بدی‌ها                                | معایب   |
| نکبت      | مصیبت، رنج، بیچاره‌گی                                    | جمله خارج از موضوع که میان کلام وارد شود                         | معترضه  |
| نماد      | نماینده، نشانه، علامه                                    | معضلات مشکلات، دشواری‌ها   | معضلات  |
| نهضت      | جنبش، حرکت، قیام   | بازگردانده، مورد توجه واقع شده، کلمه‌یی که به کلمه ماقبل عطف شود | معطوف   |
| <b>و</b>  |  |  |         |
| وادی      | گشاده‌گی میان دو کوه، دره                                | غذا دهنده، تغذیه‌کننده، پرورنده                                  | مغذی    |
| واکنش     | عکس‌العمل  | جدا از هم، پراکنده شده، جدا کرده                                 | مفروق   |
| والا      | بالا، بلند، بلندمرتبه                                    | جمع مقطع به معنای محل قطع و برش                                  | مقاطع   |
| وثایق     | جمع وثیقه به معنای سند                                   | قبول‌شده، پذیرفته‌شده، پسندیده شده.                              | مقبول   |
| ویتترین   | قفسه شیشه‌یی قطعی‌مانند                                  | خواستگی شده، طلب شده، درخواست شده                                | مقتضی   |
| ویرایش    | پیراستن، منظم کردن، بی‌عیب ساختن                         | مقتضیات: شایسته‌ها، حاجات، ضرورت‌ها                              | مقتضیات |
| <b>هـ</b> |  |  |         |
| هسته      | قسمت مرکز اتم. و همچنان دانه میان میوه مثل دانه زردآلو.  | سخنی که بار بار گفته شده باشد، سخن گفته شده، گفتار               | مقوله   |
| همگون     | همانند، هم‌رنگ، شبیه                                     | اصل هر چیز، مایه، معیار  | ملاک    |
| هول       | خوف، ترس، هراس   | پیوسته، وابسته، متصل   | ملحق    |
| هویت      | هستی، وجود، حقیقت، شناسنامه                              | قابل لمس، لمس شده، قابل درک و دریافت                             | لملوس   |
| هیاهو     | غوغا، جار و جنجال، داد و فریاد                           | پی در پی، پشت در پشت، پی‌پی                                      | ممتد    |
| هنر       | فراست، کیاست، زیرکی و هوشیاری                            | سخن غیرمنظوم، پراکنده، متفرق                                     | منثور   |

## فهرست منابع

- ۱- -----، استعمال سگرت و الکول از دیدگاه تاریخ، ساینس، طب و دین، چاپ اول، اعجاز پرنیتینگ هاوس، پشاور، پاکستان، ۱۳۷۰ هـ.
- ۲- احمد شاه بابا، شعبه تاریخ، اکادمی تربیه معلمین، سال چاپ ۱۳۴۶ هـ. ش.
- ۳- احمد نژاد، دکتور کامل، معانی و بیان: تهران: انتشارات زوار، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۴- اخگر، مطهر شاه، آگاهی از خطرات ماین، مهمات منفجر ناشده و معلولیت، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی، وزارت معارف، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۵- آرال عزیز الله، اوزبیک- ترکی تیلی الفباسی
- ۶- آرمیچل، ترنس، مردم در سازمان‌ها، دکتور حسین شکر کن (ترجمه)، انتشارات رشد، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۷ هـ. ش.
- ۷- الوعی الاسلامی (مجله شهریه)، تصدیرها وزاره الاوقاف و المشئون الاسلامیه، الاعداد ۱۲۱، ۱۲۳ (المحرم ربیع الاول)، السنه الحادیه عشره، الكويت، ۱۳۹۵ هـ. ش.
- ۸- انصاری، خواجه عبدالله مناجات‌نامه، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران، ایران ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۹- باترا، ویجی و پرامد، اندیشه‌های خوب برای همه، هییت اسدی (ترجمه)، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۱ هـ. ش.
- ۱۰- بارز، دکتور عابدین، گفتارهایی در زمینه جامعه، فرهنگ، آزادی و تعلیم و تربیت، انتشارات: بنگاه انتشارات میوند چاپ اول ۱۳۸۶ هـ. ش
- ۱۱- بانو شکفته، دکتور صغری، شرح احوال و آثار فارسی امیر علیشیر نوایی متخلص به فانی تحقیق و نگارش: چاپ اول ۱۳۸۷ هـ. ش. ناشر: انتشارات بین المللی الهدی
- ۱۲- بخشی علی آقا، افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ دوم ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۱۳- بلخی، محمد حنیف حنیف، پر طاووس یا شعر فارسی در آریانا، به کوشش، اسدالله حنیف، چاپ دوم ۱۳۸۱ هـ. ش.
- ۱۴- بیتاب، ملک الشعرا، مفتاح الغموض قافیه و عروض، چاپ اول، از نشرات فاکولته ادبیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان، ۱۳۳۳ هـ. ش.
- ۱۵- بیدل (ابوالمعانی)، کلیات بیدل، جلد اول (غزلیات)، مطبعه وزارت معارف، کابل، ۱۳۴۲ هـ. ش.
- ۱۶- تهنوی، علامه اشرف علی، ازدواج اسلامی، ترجمه علامه محمد ابراهیم دامنی، انتشارات صدیقی، چاپ پنجم ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۱۷- جاوید، احمد (دکتور)، عارف عزیز (به کوشش)، نوروز خوش آیین، چاپ دوم، انجمن فرهنگ افغانستان، کابل، افغانستان، ۱۳۸۴ هـ. ش.
- ۱۸- جمشید، دکتور جمراد به کوشش، کلیات اشعار جمشید شعله، انتشارات شهر آفتاب، تهران، چاپ اول ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۱۹- حسینی، رضا سید حسینی، مکتب‌های ادبی، چاپ نهم، انتشارات نیل، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- ۲۰- حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، تهران
- ۲۱- خبره زاده، دکتور علی اصغر گزیده ادب فارسی، مؤسسه انتشارات نگاه تهران ۱۳۷۱ هـ. ش.
- ۲۲- د احمد شاه بابا دیوان، مقدمه حبیب الله رفیع، سال انتشار ۱۳۷۸ هـ. ش.
- ۲۳- دکر، برت، مدیریت فرایند ارتباطات موثر، دکتور بهزاد رضانی (ترجمه)، انتشارات نشر دایره، چاپ اول تابستان ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۲۴- دیوان حضرت میرزا عبدالقادر بیدل، چاپ مطبعه حروفی ماشین‌خانه، کابل، ۱۳۳۴
- ۲۵- رادپور، فاطمه و دیگران راهنمای درس هنر، انتشارات اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، چاپ اول ۱۳۸۵ هـ. ش

- ۲۶- رزمجو، دكتور حسين، مباني آموزش زبان و ادبيات فارسي، ناشر: زبان و ادبيات فارسي، دانشكده خاورشناسي، دانشگاه پنجاب، لاهور.
- ۲۷- رزمجو، دكتور حسين، مباني آموزش زبان و ادبيات فارسي، به كوشش دكتور آفتاب اصغر و غلام معين الدين نظامي، انتشارات پوهنتون پنجاب
- ۲۸- رساله الجهاد (مجله شهريه)، تصديرها جمعيه الدعوة الاسلاميه، الاعداد ۳۱، ۳۵، ۳۷ (رجب، ذو القعدة، المحرم)، طرابلس، الجمهوريه الشعبيه الليبيه، ۱۳۹۴هـ.ش.
- ۲۹- سعدي، شيخ مصلح الدين شيرازي، بوستان، تصحيح محمد علي فروغي، چاپ هشتم ۱۳۷۸، هـ.ش. تهران: انتشارات امير كبير.
- ۳۰- سنگري، دكتور محمد رضا و ديگران، فارسي اول راهنمايي - خواندن، انتشارات شركت چاپ و نشر كتاب هاي درسي ايران، چاپ اول ۱۳۸۵هـ ش
- ۳۱- شفق، دكتور رضازاده تاريخ ادبيات ايران، چاپ اول ۱۳۶۹هـ.ش. چاپخانه آرمان، انتشارات آهنگ.
- ۳۲- شميسا، دكتور سيروس، بيان و معاني، چاپ هشتم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۳۳- شميسا، سيروس (دكتور)، انواع ادبي، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ايران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۳۴- صادقي، جمال مير، قصه، داستان کوتاه، رمان، چاپ اول، انتشارات كميته دولتي، كابل، افغانستان، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۳۵- طوسي، خواجه نصير الدين، دكتور جليل تجليل (تصحيح و اهتمام)، معيار الاشعار، چاپ اول، نشر جامي، انتشارات ناهيد، تهران، ايران، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- ۳۶- عطايي، ابراهيم، نگاه مختصري به تاريخ معاصر افغانستان، ناشر: مركز نشراتي ميوند، كتابخانه سبا.
- ۳۷- علوي مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا، معاني و بيان: تهران، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه ها (سمت). چاپ ششم ۱۳۸۴هـ.ش.
- ۳۸- غبار، مير غلام محمد، افغانستان در مسير تاريخ، چاپ اول، مطبعه دولتي، كابل، افغانستان، ۱۳۴۶ هـ.ش.
- ۳۹- غلام، محمد، هنر و ادب فارسي، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه، تهران، ايران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۴۰- فرخاري، احمد ياسين، درست بنويسيم ( فرهنگ املاي زبان دري )، چاپ اول، انجمن هنر و ادبيات افغانستان، انتشارات سعيد، كابل، افغانستان، ۱۳۸۷هـ.ش.
- ۴۱- فرخاري، الحاج مولوي غلام محمد، رجال معاصر، حاجي عين الدين (عيني)، (زير طبع).
- ۴۲- گيلاني، احمد سميعي و ديگران، زبان فارسي سال دوم دوره رهنمايي تحصيلي، ناشر: شركت چاپ و نشر كتاب هاي درسي، ايران- تهران، چاپ چهاردهم ۱۳۸۷هـ.ش.
- ۴۳- گيلاني، احمد سميعي، نگارش و ويرايش، تهران: سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه ها (سمت) چاپ پنجم ۱۳۸۳ هـ.ش. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي ايران.
- ۴۴- گيوي، دكتور سيد حسن احمدی، زبان و نگارش فارسي، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهي (سمت) چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۴۵- ماحوزي، مهدي، به كوشش، برگزيده نظم و نثر فارسي، چاپ اول ۱۳۶۹هـ ش
- ۴۶- محمد غلام، هنر و ادب فارسي، انتشارات مدرسه، چاپ پنجم ۱۳۸۶ هـ.ش
- ۴۷- مقدم، دكتور محمد علوي و دكتور رضا اشرف زاده، معاني و بيان، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه ها، تهران، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۴۸- مودودي، سيد ابوالاعلي، حجاب، ترجمه پوهاند نعمت الله شهراني، انتشارات دارالعلوم لاهور، چاپ اول ۱۹۸۸م.
- ۴۹- مولوي، عباس علي، صنايع ادبي، چاپ اول، چاپخانه اتحاد، تهران، ايران، ۱۳۵۹ هـ. ش.